

سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱



مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

سدها

۲۰ لیلا، لیلا نوروز است

۲۲ خدا یاد دنیا دوروز است

۲۶ ۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

لکی فایف



۵۵۵

دعوت کما حقہ
و شخصہ مخصوصہ و شیر خوار شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالانہ
لکے فایف ہمیشہ بکوشش اپنا خاطرہ خواہد بود

۲۰۲۱۰

آدرس: شہر نرنگہ مقابل مسجد جامع شیرپور • تیلفون:



يما رامين ویدیوکست

بعترین فلمعای ویدیوی گلچین (پښتو، دړي، هندی وایرانی) آماده فروش دارد. فلمبرداری از محافل خوش شمعای بیرونه میشود. ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان ۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوشرو سرور شمارا به بدترین وجه برگه از مینماید (همچنان تیبویو بیسی)

اکسرس، چهار راه سردار
تق برفخانه
جمهوریت

خوراکه فروشی انوش

خوراکه فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خوراکه باب را به قیمت های مناسب عرضه میدارد. مشتری دایمی خوراکه فروشی انوش باشید. همچنان مجلات و جراید مورد علاقه تانرا ازین خوراکه فروشی دستیاب کرده میتوانید.

اکسرس، چوک قلع فتح شه

سبا و وکست

اعلان تان شمسارا با شرایط بهتر نشه
میرسانه

خوراکه فروشی سبواسه

خوراکه مورد نیاز شمارا به فروش میرساند. همچنان بلوزهای بهاری هندی و لباس - جین از قبیل براهن، دامن، جیسرهای زنانه، طفلانه و دخترانه ساخت وطن را با قیمت های نازل بدسترس میرساند. جمعین محتسب ترارمیدهد. شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بدست آرید.

اکسرس، سرک ۶ قلع فتح شه، تق برفخانه، برادران هروی

قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

جدیدترین لوازم تحریر کلاسوف معارف، اقسام کتاب و کتابچه، انواع قلم های خودکار خود رنگ و ده ها قلم اجناس دیگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب و رضایت بخش دستیاب نمایید. ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان. نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

قرطاسیه فروشی اخبارک

کتاب، قرطاسیه، مجلات و کارتهای تریکی ارزان و خوشبوی اکسرس، منزل اول فروشگاه بزرگ افغان

قرطاسیه فروشی دوست

انواع قرطاسیه، جراید و مجلات دخواهتان را عرضه میدارد. ادرس توجه نمایید.

ماکتب مکر و باغ کهنه

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم
شماره مسلسل نهم

سپاروون

یلا

نوروز است صفحه (۲۵)



نعیم پوپل

صفحه (۳۵)

فاجعه



صدای گمشده، صدای
جاودانه‌سدها

صفحه (۲۰)

درسهای موسیقی

صفحه (۸۴)

پاستی

سبرین

مخ (۸۷)

کوزیر

آیاتاسی دخیل

از مود تا سینما

صفحه (۵۴)

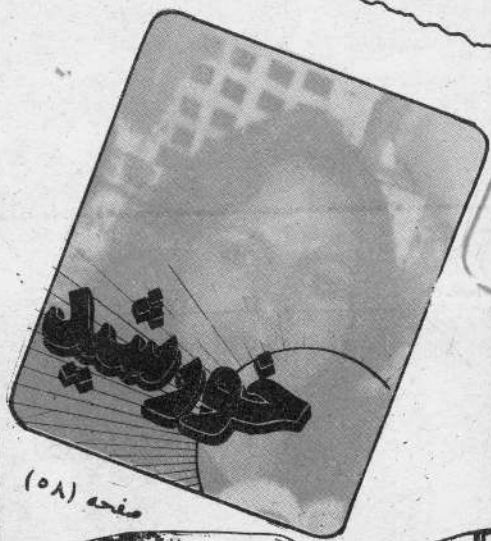
صفحه (۲۲)

چگونگی نوشتن

علی افشاری
پروما جراحی را در این کتاب
دنیای عشق خود را
سرگشته نشاند



چاری
در صد سالگی
صفحه (۳۲)



صفحه (۵۸)

از گپها که ما خبر شدیم
صفحه (۴۴)

۱۳۷۱ سال نوی در سال کال بون

بخ (۲۷)

زن ۱۳ سالگی ته مرد

صفحه (۴۰)

مدیرمسئول: دکتور ظا هرطنین
تلفون: ۶۱۹۵۲
معاون: محمد اصف معروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
سوجبور: ۶۱۸۷۸
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالستان
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:
بارق شفیعی
محمد حبیبی
عبدالله شادان
لطیف ناظمی
رهنورد زریاب
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد حبیبی و
وحمید سمور
مطابقی: کبیر امیر
عمی نامی

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست ازاد دارد. مضا مین
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف
نظر نویسندگان میباشد.

مصیبت‌هاست

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای مائینس و تکالوژی، متاسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدای کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مائیا امروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داری مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سزولکته‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی و سیادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برایم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روانها حبه‌تری تیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوائی چی مفهوم دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي ميباشند اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف مي داشته باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف ميتواند وجود داشته باشد . ناپاسامانی شخصيت مي ثباتی عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري پراي در رفتن اسرار مرز مواد نشه اور و بعضاً هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامان مي افتند . علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگی و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگی است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود مي داشته باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکار

بي اراده می ويوارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکسر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن ها را به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده می آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده می همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود مي آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل می باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار می داشته باشد به مصداق همان شعر :
نشه صهبانمی ارز به تشويش
خسار
در گذر امروز عذاب که فردا
آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض روانی چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشويشات روانی بملاحظه ميرسد گاهی پيشوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش روانی شده است يا تشويش روانی باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوايي لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدره انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک مي کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساسات عجز و کوتاه نظري شود کم حوصلگی و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثير مي سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهی هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام ميوا د استفاده بعمل مي آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچا قبران و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر می شود مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده می مصيبت هاي جنگ و بيسوادي و عواملی از ينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخی مناطق از تريا ک بحیث داروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دواي خواب آور استفاده می شود از تريا ک و چرس گاهی براي درمان و معالجه قلع ها کار می گيرند در برخی از ولايات ما در طبابت هاي محلی و غنچهوي حتی براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار مي آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد تريا ک و چرس و تنباکو رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود مي آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازار يافته است . متاسفانه زماني دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعی و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نمونه هاي از مواد ديگر مثل ماند رس ، مخ و بنگ آب و بعضی ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه می گويند : در يکی از مناطق ولايت بدخشان پيغمردی بود که مدت درازی تريا ک دود می کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان می پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود تريا ک نمی پيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده می شود . دليل آن اين است که حتی موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به تريا ک وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود تريا ک و تبا نيواردن بيترک آن مرده و زمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يک احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به تريا ک در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت روانی وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالی اداره سازمان صحت جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربطه احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسپس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را می نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه (۷۴)

دواي مرگ و تاجران مرگ



بیه میگویند



مهر و وفا

چهار ماهه



چهار ماهه

مهر و وفا

چهار ماهه

چهار ماهه

چهار ماهه

دو سه واده

هیله منده م هغه کسان چی به تحینو عقل نار وغیواخته
دی ژر تر زره شفا و موسی او د عقلی او هو بنیاری سترگی بی روضی شی
خبره داسی ده چی تحنی بی احساسه اوس مسوولیته نارینه
د خیل ژوند بدی او د نیستی روضی چی لومړنی بنخی ورسره
به ورین تندي کاللی چوره یاده باسی حتی د خیل بیه نسو
اوشعرت شخه تیر یزی او د دوهم واره بند و بست کوی که شه هم
چی د موضوع نوی نه ده ولی به ۶۲ کال کی بی د ساری ناروضی
بته تحانته نیولی او د پروکسانوته بی سرایت و کړ امید واره یس
مسز کال داد کورنیو درنگید و ناروضی له منعه ولاړه شی .

لطیما پرداد بیتون پوهنځی فار التحصیل



پاکی و صفایی

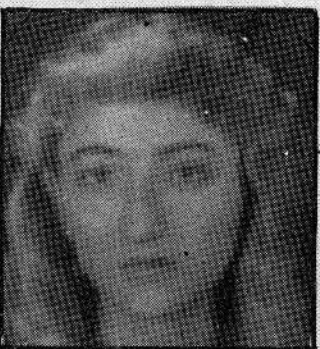
عزیز آقا سراز
دل بستگی خاصی به پاکی و صفایی د اوم آرزومندم صاحب خان
مکروریان شم ، آنجا بهتری شوی . پاکی و صفایی راتا مین کرد .
- اگر با دخترین هم سفر زنده کی شوی که او چند ان توجه
به پاکی نداشته باشد در آن صورت چه خواهید کرد ؟
- خدای ناخواسته باشد که این چنین شوی ، ورته کار زاری شوی
با آنهم اگر چنین دخترین سرد چارندم انوقت او را به روحیه
خود تربیه میکنم .



نظام و د سپلین در سرویس ها

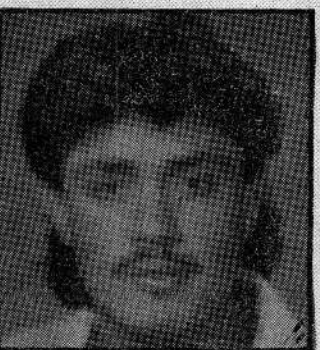
عضوکلان خانوادہ ام میباشم . آرزو د ان خواهران و برادرانم
به آرزوهای دلشان نایل آیند .
همچنان آرزومندم که بعضی از همشهریان مانظم و د سپلین
اجتماعی را در سرویس های ملی بس جدای رعایت نمایند ، و نگرانان
محتشم هم درین زمینه از خود سی تفاوتی نشان ندهند ، بعضی
از مردان به بالا شدن از د روزه اوس سرویس هلاتمندی بسیار
نشان میدهند وقتی برایشان گفته شود که یک کمی دور شوید و یا
به اخل سرویس پیش بروید میگویند : ((برو بی جان تو چقه
خود می سازی ، ما از خود خوار و مادر داریم . . .))

مصرفیاتیکان در ستایش فار از صواب



میخواهد هنرمند سینما شود

محمد فرید محصل سال د م پوهنځی هنرهای زیبا :
در رشته تیاتر و سینما مصروف تحصیل استم ، باسکلم عشق
میورزم و دوستش میدانم ، به معین ام هر نقشه که برایم سپرد شود
میتوانم آنرا به خوبی اجرا نمایم ، ولی باتا سف چند باریکه به
اداره فلم های هنری و مستند مراجعه کردم خود را پشت در بسته
یافتم و جواب رد شنیدم ، آرزومندم که امسال آرزو هام برآورده
شود و بتوانم در فلم ها کار نمایم .



پایند حاضری خانه

پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنځی ژورنالینم :
 تصمیم د ارم اسمال باشخړمورد نظم ازدواج تمام 'آرزو د ارم
 که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .
 آرزو مندم بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد اړدوسه
 وقت معین خانه بیاید ' یعنی آن تسمیکه باید حاضر د دفتر
 میاشد ' باید ' باید حاضر نزد من نیز باشد .

وفادار و پولدار



رزیا ونا کارمند وزارت امور عودت کننده . کان :
 آرزو د ارم باخوانی د ارم تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار
 ازدواج تمام ' پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان
 از کشور سوری تمام .
 - اگر باخوانی د ارم چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟
 - در آن صورت باهیی کسرا دواج نخواهم کرد .

در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :
 د رزنده کیام سه آرزوی بزرگ د ارم که به حقیقت بیوستن آن
 خیلی مشکل و باهم دوزار امکان است ، نخست آرزو د ارم خیلی ها
 تروتمند باشم ، آندر که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار
 ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس
 موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده
 امریکا سفر تمام .

بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :
 زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو
 ورسته د ژورنالینم به پوهنځی کی شامل شم . ارم د ژوند ملگري
 چی بنیاست او اخلاق ولری پیدا کن .
 - د د ی خصوصیاتو لرونکو انجلی سره که بیسواده وراشناسی
 عنده انتخابوی ؟
 - لومړی کوشس کم چی د ژوند ملگري می باید باسواده وي
 او که نه وه نویسی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خپله هم
 شپه اوون ور سره سبی وایم ترخو با سواده شی .



چهارمین جشنواره شعر جوانان

مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود .
صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمره دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار .
وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد .
باد نیایی از برسشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دایم ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند .
هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از روی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید واهمه نداشتید ؟
- البته که واهمه داشتیم ، حتی صدای قلم را میشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله ((شادان)) همراه با من اخبار را میخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .

- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیکلمه می کنید، آیا اتفاق افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیکلمه میکردید خواستید مانند چه کسی دیکلمه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیکلمه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .

- شما اکثراً هنگ ها را نیز کارگردانی می کنید همینطور است ؟



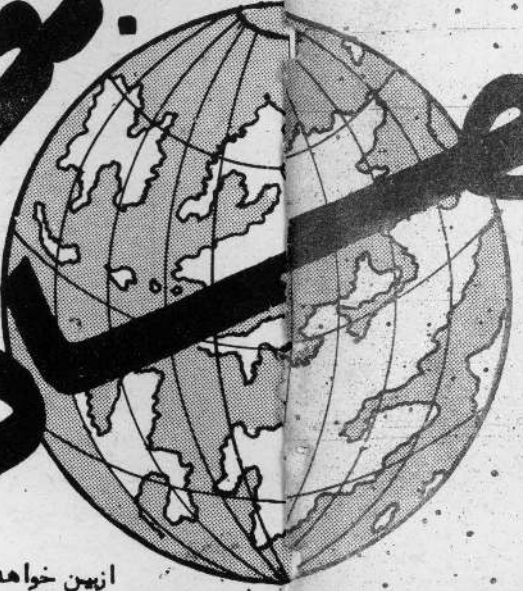
ترجمه: انجنیر حلیم

تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود

تأثیر عمده جنگ

ذروی سقوط ناگهانی و سردی

و متلاطم درجه حرارت خواهد بود



بگذارد نوح کیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پوست ...

سیاهی جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود ؟
از پاسخ این سوال میتوان نهایت مشابهت را قاطع
در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت .
در کفرانس های دانشمندان ذروی در سیکو و واشنگتن شهرهای
نیویورک و نیویارک کان جامعه ملی جهان به آخرین مسائلات و تحقیقات
شان پیروان اینک جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد
بود توجه جدی مبدول داشته اند . تنهاسه سال قبل ، دانشمندان
ذروی این مفکوره که اگرچه وضع جهان بعد از جنگ ذروی خیلی ناچهار
انگیز و ناگوار خواهد بود ، ولی موجودات زنده به ناچار مانند کبک ها
کنه نخواهند شد ، کار کردند ، این دانشمندان اکنون بعد از دست
یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو ((خوشبینی)) استدلال ضعیف
وجود دارد ، تغییر عقیده داده اند .

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشمندان
زمانیکه سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق
و تجارب مودل های کمپیوتر قرار گرفت ، چه قدرت محض انفجار
(۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمز از نصف زیاد خانه میبوس
ذروی جهان) باشد ، همه به این نتیجه رسیدند که
موجب انفجارات ذروی نسبت به تاثيرات مستقیم آن (امواج تکان
دهنده ، جریان حرارت یافتند باد حرارتی و شمشع) بمراتب وحشت
ناکتر و کشنده تر است .

مودل های اقلیمی که لغز طرف دانشمندان شوروی و امریکایی یعنی
تم ساگان در پوهنتون کورنل ، مشخصین و دانشمندان مرکزی ایالات
متحده برای تحقیقات اتموسفری که مستقیماً در رأس آن قرار دارد
ولادیمیر الکساندروف و گیورگی ستنچیکوف از مرکز ریاضی اکادمی علوم
شوروی ، گیورگی گولیتسین و الکساندر گمنزوری از انستیتوت نیک اتموسفر
مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از
جنگ ذروی ارائه میکند . تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی ،
سریع و متلاطم درجه حرارت خواهد بود ، ظرف چند روز محدود جهان
از سردی یقیناً به انداز سردی قطب شمال دچار سرما خوردگی

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت .

آفت ایکولوژیکی سرتاسری !

هفته ای بعد از انفجار ((زستان)) همراه با تاریکی تقریباً
مطلق فرا خورشید ، صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور شد
در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید
شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت
معکوس را بخود خواهد گرفت .

طبق نظریه ولادیمیر الکساندروف ، درجه حرارت اتموسفر در
ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد
خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنجاه
درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت ، با این کار واکنش زنجیری
از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری
مگردد .

ناپودی عجات بصورت کل !

مودل سرد بعدی های درود انهایکی اتحاد شوروی از اقلیم جهان
تأثیرات جانبی وحشت انگیز زستان ذروی را ارائه میکند ، طوری که
تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها و اقیانوس (هوای خیلی
آهسته تر بر روی اقیانوس) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید
در نواحی ساحلی خواهد گردید که این به نوبه خود چنان بر نواحی
های شدیدی را بدنهال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود
خواهد ساخت ، علاوه بر آن ، تغییرات اتموسفری سببیکل های در ولوتیکی
را کاملاً از بین خواهد برد و خشکسالی ، ذوامداری را بر قاره های یخب
بندان و بدون خورشید حاکم خواهد ساخت .

بعبارت دیگر ، هراتیه که از صهیبت آتش جان سلامت برده ،
سردی یا خشکسالی اثر از بین خواهد برد ، یخبندان ناگهانی وسیع
که الکساندروف ستنچیکوف آنرا پیش بینی کرده ، برای جنگلات در ارتفاعات
متوسط تپه کن و کشنده خواهد بود ، جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره
بی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگردد ، یقیناً طوری

از بین خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه
حرارت یساز نمیتوانند مقاومت کنند .

صریخندگان دیگر !

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا
جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد ، این چه چیزی را اشکار میسازد
یا توضیح میدهد ؟ جنگلات وسیع به صحرای صحرای تبدیل خواهد شد
البدوی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد
گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و
بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید ،
این نشاندهنده امکان پیدایش یک صریخندگان دیگر است .
ملزوماً الکساندروف و ستنچیکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه
بعد از درگیری ذروی ، هوای گرم بر روی ساحات تپت و بعضی نقاط دیگر
موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و
در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد ، بار
دگر سبیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد
گرفت .

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع
در نیم کره شمالی رخ خواهد داد ، چون کله های هوای سرد و نیم
کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند ، انسان
میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه بایست در نیم کره جنوبی
پناه گزین شوند .

زستان ذروی بر تمام مناطق تا ثیر خواهد انگذد !

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دلپسه اند ، طبق
نظر الکساندروف این مانع را تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره
از بین خواهد برد .

این فرضیه که هیچ منطقه بی بر روی کره زمین از این فاجعه در
امان نخواهد ماند بصورت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است .
کارل ساگان دانشمند امریکایی و گولیتسین و گمنزوری دانشمندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان پیروان تغییرات ممکنه در اتموسفر
بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند ، آنان
توفانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بر وقوع می پیوندد بعنوان مثال
می آورند .

طبق نظریه گولیتسین ، خاکتوده هایی که از کره میخ در آسمان
تابستان بلند میشود ، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر
میگیرد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد ، سطح کره
سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متناقض
جهان پیدا میکند ، همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق
خواهد افتاد ، بر طبق تخمین های نهایت مستطانه ای که بعمل آمده
آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمعاع
خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۰۰) -
مراجه خواهد کاست .

مودل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که
بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما))
کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی
نخواهد بود .

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظریه ایرلیچ ، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد
کالیفرنیا ، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی در امان مانده
باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود ، علت ساده آن اینست
که فوتوسنتز ، این پایه و اساس زنده گی نبات در تاریکی غیر ممکن
خواهد بود و بدین زندگی نبات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین
خواهد رفت .

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نیست شکل ارتجایی بخود بگیرد ،
در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی شمعاع قوی ماورای بنفش مواجه
خواهد شد .

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر
اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل صو اکادمی علوم اتحاد شوروی
بقیه در صفحه (۲۲)

اگر بوی نعیت و احوال کونی زنده می یابد مرد کتبی اراد هر عمل بین اوست بر اراد ۳۱ انه و غیر کونی او بیاسیر بیعی می تواند آید او را شکل ن مد و حتی جریان حسان حارن او را نیز تغییر دهد ۱۰

از حکایات باستانی هند
مترجم: ع. فرحسوی
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شای
بایسری که بر این آرزای شده
بود شادمان گردیده بود بنا
و ملکه بخاطر دست یافتن به این
الطاف و بخشش شامی از شعایر
و مراسم را بر پا آورد و ریاست های
بسیاری کشیده بودند از سر
آنها از زمان ازدواج شان در
دوازده سال قبل تا این زمان
کودکی بدنی نیاورده بودند
ملکه از سوی همه نزد یکان و
عزیزان تهنیت گفته شده بود
کودک خوشدل و زیاده رکاب او
لمیده بود هنگام نیمه شب از
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی
کاخ را ترک گویند تا ملکه
که خدمه ها در بیرون از اتاق
نگهبانی اثر میکردند خواب
را حسی داشته باشد و جراحها
خاموش شدند
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان
بیدار شد و بد نظر رسید که نوری
در نزدیکی سرش ظاهر شده است
چشمهاش را گشود تا به منبع نور
نگاه کند آنچه را دید او را به
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

نورانی ایستاده بود و دست
را ستر به سوی سرکودک نوزاد
کشیده شده بود چون ملکه به
آن نگریست موجود نورانی
دستش را عقب کشید و لبخند زد
ملکه بر حایر نشست و گفت
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً
تو پدیده بود آسمانی استی مود
جود نورانی خاموشی کرد این
کار ملکه را شگفت زد ساخت
ملکه گفت
- برا شما گفتمی زیند ؟
- مود بانه افزود
- آیا شما یک موجود آسمانی
نیستید ؟
رب النوع سرنوشت گفت
- بلی استم اما من رب النوع
سرنوشت ایتم و یگانه و شیفه من
اینست تا آنکه را در زنده کسی
برای یک نوزاد فراهم شده
است در پیشانی او بنگسیام
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه
(کارما) برای یک کودک مقرر
داشته است از بوم من درختان
تولد هر کودکی را تعیینم اما
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت
خاص و بدانی بی است که تو
یداری با وجود آنکه خود از آن
آگاهی نداری
ملکه در برابر رب النوع خم شد
و پرسید
- آیا آنکه را در پیشانی کودک
من نباشته این برای من آشکار
نخواهید کرد ؟
رب النوع سرنوشت گفت
- من نمیتوانم آشکار کنم حتی
اگر اینکار بکنم برای توست
ندارد از سوی دیگر اینکار
بدون هیچگونه تژیومی باعث
شگرتی تو خواهد شد
- شما همین الان نیم از آن به
را آرزو داشتید بدانم برایم
گفتید چنین به نظر میرسد که
هیچ چیز خوبی در سرنوشت
بسم وجود ندارد شما باید تمام
حقیقت را برایم بگویید در غیر این
شمارا نخواهم گذاشت که بروید
اگر با جبر بروید من خود را
خواهم کشم
ملکه این جمله ها را با صدای
نرم ولی مضم اشعار کرد
مباحثه بین ملکه و رب النوع
ساعتی ادامه یافت بالاخره
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه
اشکار سازد که بر او در زنده می
خواهد کرد و دراز کاخ در
جنگلی خواهد زیست
ملکه دریا مرنومید نگریست
اما بخورد جرات داد تا از
رب النوع خوشبختی تقاضا کند
که اندکی بارید بختی بپوش
را کاهش دهد
رب النوع گفت
- خوب من تضمین میکنم که او
هر روز توانایی شکار یک آهو را

داشته باشد و این امر بزرگی از
سرنوشت او خواهد بود بیشتر
ازین تازی کرد نمیتوانم
و سر این سخن ها رب النوع
ملکه را ترسید
روزها سپری شدند ملکه در
و وسواس خود را در دل نگهداشت
یک سال بعد شاه بیمار شد و
در گذشت وزیر سیمه کار او
تا شاهی را به بهانه اینکه
شهرزاده خرد سال است تمسب
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه
و شهرزاده را بکشد اما ملکه با
شهرزاده کویت به موقع فرار
کرد و در جنگلی پناه گرفت
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه
و ا قعیبت پیوست هر نام ملکه
جال های را در گوشه و کنار جنگل
می گسترانید و صبح بعد آهویی
را در یکی از جال های یافت
ملکه آهو را به یکی از جنگل نینان
میداد و او آنرا در شهر می فروخت
و بهایش را به ملکه می سپرد
به این ترتیب سالها سپری
شد بزودی شهرزاده نوجوان
به یاری مادر شتابید در عین
حال شهرزاده به شاکردی یک
تارک دنیا رفت و نوشتن خواندن
و فلسفه را آموخت
روزی شهرزاده در اندیشه بی
با خود میگفت
- بسیار شگفتی آور است که
هیچگاهی بیشتر از یک آهو در روز
شکار نمیکم در حالیکه هر روز در
پنج محل جال میگذارم و بسیار
عجیب تر اینکه هیچ روزی را بدون
یک آهو شکار شده سپری نمیکم
مادرش که این سخنها را
شنیده بود گفت
- این بخاطر است که شکار یک

آهو در یک روز جزئی از سرنوشت
توست
به این ترتیب ملکه بخشی از
راز را آشکار ساخت شهرزاده
اصرار ورزید تا بداند که مقصود
مادرش چیست و ملکه مجبور شد
تا همه چیز را به یک به او بگوید
شهرزاده نشست و در سکوت
تزیینی فرورفت پس از سکوت
طولانی گفت
- مادر! من سرنوشت خود را
تعمیر خواهم داد
- بسم چگونه اینکار را میتوانی
بکنی ؟ کی میتوانی سرنوشت خود
را تغییر دهی ؟
شهرزاده نوجوان گفت
- اگر من مسؤول سرنوشت کونی
خویش به خاطر اعمال خود در
زنده می قبلی استم بترسم
میتوانم اینکار را بکنم
شهرزاده ساعات طولانی بسمه
اندیشه فرورفت و بعد با چهره
مغمم برخاست
روزی دیگر او به عور پنج جال
فقط یک جال را در گوشه بی از
جنگل گسترانید و در نور یک
پیشینی کرده بود یک آهو را
در جال یافت
روز بعد به عور اینکه جال را
روی زمین بگستراند آنرا در
شاخه بی از درختی آویخت
با وجود آن صبح روز بعد آهویی
در جال گیر مانده بود
و بعد جال را در بلند ترین
درخت آویخت و همین سان گرد
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت
نیمه شب از خواب بیدار شد
و موجود نورانی بی را در کنارش
یافت
شهرزاده پرسید

- آیا عارب النور سرنوشت
استیسه ؟
رب النوع خشمگین گفت
- بلی من استم منظور تو از
آویختن نیال در درخت بلند و
افروختن آتس پیرامون آن چیست
ایا تو میدانی با وجودیکه من یک
رب النوع استم در نیایی عینی
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم
کار بکنم نمیدانی که بسردن
آهوه بالای درخت تازی است
دنیار ؟
شهرزاده گفت
اما شکار یک آهو در هر روز جزئی
از سرنوشت من است اینکه
چگونه آنرا در جال من گیر
میاندازی کارتوست
رب النوع گفت
- آیا باید بخاطر خوشبختی
که برای تو تضمین کرده ام مزا
حم من شوی ؟
شهرزاده آهسته گفت
- اگر کار ترا در نوار منی ساختم
تو در برابر من ظاهر میشدی
- اما تو چرا میخواهی که من در
برابر تو ظاهر شوم ؟
- تا آنکه آنچه را در پیشانی من
نوشته بی و مرا محکم به زنده می
در تبعید میکند از جبین من
بزای رب النوع سرنوشت
سکوت کرد شهرزاده چشمانش
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم
از یک سرنوشت تو گردید لحظات
طولانی سپری شد شهرزاده
احساس کرد که دست رب النوع
از پیشانی او میگذرد بعد
چشمانش را باز کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- با اراده و آرزوی خود تو قادر
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی
و افزود
- احسان و بخشش من با تو
خواهد بود
و آنگاه ناپدید شد
روز بعد خوب شکی خوبی
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده
و مادرش آورد قاصد تخت و
تاج که مستبد و مستگر شده بود
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ
رفتند همه کس ملکه را شناخت
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر
سرنهاد



مراسم یک تدفین

امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجرائیه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکیانو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفته از جمله پیناز ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم در ۵۲ سران دول قرار داشتند.

درین مراسم جاپان بایست پلوما

سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در هلهوی آن حکومت صدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معسونس نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتوننن می ساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی معرولاکند در بین چند تابوت چوبی سلسلسل، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. باوصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان بر سازمانتداری رسمی در روزه به زندگی عادی بی نشان برداختند حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پیرامین را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا بحیث تجلیل تبارز جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند. به همین علت حتی کنسرهایی که در جگه جهانی دم از اجرا و جاپان امیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما موران عالیرتبه شان برداشته بودند. در تانیا، که در آنجا هنوز احساسات غم

جاپانی ناشی از بد رفتاری با اسرای جنگی باخ خود باقی است، به اعزاز شهزاده فلیپ بسنده کرد. اتحاد شوروی، باوصف وجود اختلاف نظر هساروی تلتک جزایر شمال جاپان، انا تولی کولیا توف، معاون رئیس جمهور را گسیل داشت.

مینی برگشته های خانسی، که در جوار پارک تعیین شده برای برگزاری مراسم تدفین به سسر میبرد، مقامات امنیتی جاپان، به منظور جلوگیری از ورود تروریست های افراطی، اعضای ارتش سرخ مخالف سیستم امپراتوری، و مواد انفجاری بسه توکیو، ۲۲۰۰۰ پولیس شد تروریستی را بسج نمود. بود تا به تلاش مسوترها و اموال تجارتی زمینسی و هوایی در نقاط مختلف مرکز وهومه شهر ببرد از سندن. موضوع پارسی که در تنظیم مراسم در نظر گرفته شده بود آشتی دادن در نقش متضاد امپراتور بود: نقش سنتی پیشوایی مذ هب شنتوننن نقش ریبر دولت فیریند هبی، باین معنی که تاجه حدی در مراسم مذ هب و تاجه حدی تشریفات دولتی مراعات میگردد چه ماده ۲۰ قانون اساسی جاپان مشعر است که هیچ سازمان مذ هبی نه از امتیازات دولتی ونه از صلاحیت سیاسی بهره مند شده میتواند. دست راستی های شنتوننن دانستند که مراسم باید کاملاً مذ هبی باشند و استدلال شان روی این واقعیت استوار بود که مراسم تدفین سران تمام کشور و جاپان چوب سنن مذ هب شخصی ویا فامیلی شان صورت میگردد. برای رسیدن به یک تفاهم از عناصر مذ هبی مراسم تاحد زیادی کاهش بعمل آمد ولوک بحدی نبود که موجبات تقاعد حزب کمونسنت جاپان را، که قصد تحریم شرکت در مراسم را داشت، فراهم سازد.



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجو کوکون، که باشکوه های گیلان خود شمرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسند و بود در آنجا یک سالون مراسم، که دارای پت دروازه چوبی بسه ارتفاع ده فتن بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هبی بسره ۵۵ ساله امپراتور نقش مهماندارو رهبران مذ هبی شنتوننن برقرار کننده رسمی مراسم را ایفانمودند. در پایان مراسم مذ هبی بیانیسه های از طرف صدراعظم و دیگر ما موران جاپانی، ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تیه های نرین توکیونقل داده شد.

از آنجاییکه هوای فیروری توکیوسرد بود حکومت جاپان تاحد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت ننمایند. البته صرف مساعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمانان فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت و ریبر مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت صدراعظم جاپان تاحاییکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقت و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصیص داده بود، امپراتور جدید و خاندانش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و زیاد پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

زخم معده یک مریضی

نویسنده: کورون الله روحیان
مکروبیست
کشف میکروب کامیابلو بکتیر پیلوسور (Compylobacter pylori)
در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکبیر واسباب گستریت های مزمن و فرخات خماساز همضی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب پیلوری را در معده شان حمل نموده و محوهمین ارگانیم از وجود باعت صحت و ترمم گستریت ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکتره، اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تدای هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلنا بالای فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب پیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکتره ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میشدند. و افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مرآتبه اماتف تراز مرخصان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت بسند بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریت ها و فرخات را مرتبط بسه قلوبی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخزش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین ویا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معما تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب پیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانده که یگانه مکرین است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر پیلو از با کار بزیست و میوکشن محافظه کند. واکتر این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید امونیم باي کار بزیست از یوزیا میشود که مشاهبت با میکروب های نوع سیا سیرولایا هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges
بقیه در صفحه (۹۰)



صدای

جاودانه سده ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موکیش درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موکیش چاند متور، همانند دیگر موسیقی (وسانت دیسای) باورهای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازگشتن به هنر او از خوانی این نیز تا "تیر منق" بجا گذاشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای ((بنکج ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ ((کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که ((انیل بیسواس)) یکی از موسیقی‌دانان مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موکیش را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده میگوید: ((شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موکیش عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موکیش از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بیاورده تهدیدش کردم که در جلو ارگستر -

لک و کوش خواهم کرد.))
بقیه در صفحه (۷۸)

موکیش

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر میخیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موکیش ورنی - مع مردمند چنین چیزهایی واقع نشدند و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موکیش ((الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کرده‌اند زیرا موکیش صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار ((هنر رهنوش)) که به‌عهد گرفته است تا تمام آهنگهای موکیش را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موکیش در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه قلم تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف در صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موکیش در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتن گیسر - مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدایش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عارایی ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششم آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری

ته بی ارتقا کړي تر یوې اندازې ضعیف شوي دي

نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود
- الرزګونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي هسه
سربازان ښه روزلي دي او سورشال موهم لیري
کړي (پوه شوي؟)
- هو، ښاغلی جګړن
- او بیا کوي چې سربازان د سگرت څرګول په وخت
کې احتیاط وکړي، کله چې غشي ویشتونکې دغه
د شپې خلید وټکې چینیجی وینی چې له یوې خوا نه
بلې خوا ته یې ګوتې یې خاړت کوي
په تیره اونۍ کې پدغه کسه سربازان په سروښو
باندې په ګولۍ ولګیدل، ښه پاملرنه وکړي!
پوه شوي؟
- هو، ښاغلی جګړن
دوم برید من الرزګله چې د ټولې په لوړ روان

لیکونکي: ولګانګه پورشرت
ژباړونکي: ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه
یو کال پنځوس سه شنبه
او جګړه، د یوې سه شنبې لري.

د دې سه شنبې په ورځ

په ښوونځي کې یې د القاد لویو تورو مشق کاوه
د ښوونکي په سترګو، د بلې ښښې لرونکې عینکې
وي، عینکې جوګا ته د لرلې اولنژونه یې هغو-
مړه د بل ووچې سترګې یې په سختې لیدل کیدي.
د وه څلویښت نجونې د توري تختې و وړاندې
ناستی وي او په غټو تورو لیکل:
(فریتس د خپلې بیاله لري، د برتاي د خندا اغیز
تیاره ورسید، په جګړه کې ټول پلرونه
سربازان دي.)
اولا (۱۱۱۵) د خپلې ژبې څوکه، ترسزي
پورې ورسوله، ښوونکي هغه ووهله، (اولا تا-
جګړه په (ګ) لیکلې، په (ګ) لیکل کېسزي،
(ګ) لکه ګور، ماڅوچوخله درته و پلې دي))
ښوونکي یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په
وړاندې یې د چلیانته کینود، (د سبا لیاړه
دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي؟))
اولا وویل ((هو)) اوله ځانه سره یې زیاته کړه:
(عینکې یې وګوره)) د ښوونځي په حویلي کې
کارخانود د وږي لیري غوړول شوي ټوټې خورلې.

د دې سه شنبې په ورځ

دوم برید من اولرز د ټولې قوماندان وټاکل شو.
(تا سبا یې خپل سورشال لیري کړي، ښاغلی الرزګله)
(پلې ښاغلی جګړن؟)
(د همداسې ده چې ویی ویل الرزګله په دوم ټولې
کې دغه موضوع په چاښه نه لګيزي؟))
(ټاکل شوي ده دوم ټولې ته تبدیل شم؟)
(هو، او هغوي له دغې موضوع سره ښه نلري،
ته نه شي کولای له هغوي سره سم ولاړ شوی،
دوم ټولې له انضباط سره عادت کړي، له دغه سره
ښال سره په تاسووته مني، تونن هسه داسې کوم
شي له ځانه سره نه ګرځاوه.
(هسه ټی شوي؟))
- نه، هغه خبر راکړ چې ناروغه شوي دي، حال
یې ښه نه و، له هغې وړځي نه چې د تونن رښې

بیښلې وروښ وویل: ((هو، هغه کولای شي))

د دې سه شنبې په ورځ

تونن هسه یې په تسکړه کې له حشراتو سره د
مجادلی کوټې ته ونيو، د ننوتو د روزي پر سره
یوه ټابلو داسې لیکل شوي و: ((که جنرال یې
که سربازي، دلته باید خپل وښته وڅیړي))
د هسه وښته یې وڅیړل، د نرس او د یو وږي
ګوتې د غښ لاسواښو ته ورته وي.
د بند وښواوخوا یې لږ سره ښکاریدله.
هسه ته یې په کم شي باندې چې د درملتون
پوې یې درلود مالش ورکړ، ترس په خپل غښ ډوله
لاسواښو د هسه ښوونځي او وروسته یې په یوې ډبلې
کتابچې کې داسې ولیکل: ((تودوخه را، نهښ

د دې سه شنبې په ورځ

د سورشال یې له ځانه لیري کړ، سگرت یې
ولگاوه او په لوړ غږنې وویل: ((د ټولې قوماندان
دوم برید من الرزګله))
په همدغه وخت کې د بزغز پورته شوه.

د دې سه شنبې په ورځ

ښاغلی هانزن بیښلې سورین ته وویل: ((کو-
چې سورین د دوم محل لپاره باید ښاغلی هسه
ته کم شي ولیزو، لږ سگرت، یوڅه خوراک، د-
لوستلو لپاره څو کتا بونه، یوه جوړه د ستنکې اودا-
س نورشيان، هلکان زکام نیولی، زه هم دغه زکام
ښه پیژم، د پوره مننه))
(ښاغلی هانزن د هولد رلین کتاب څنگه دي؟)
- ((حماقت دي کړچې سورین، حماقت، نه ښه
په وي لږ څه ساده وي، لکه ولهلم پوښ او پیا
همدارنگه نور))
اته خو پوهیږ چې هسه له ساده شیانوسره ډیر ه
مینه درلوده، په مینه یې خندلې، تا سوڅوبه دي
پوهیږي زما خدا په دغه هسه څومره کولای شوی
رخاندي؟))

د دې سه شنبې په ورځ

میرمن هسه د ګاونډي د کورنګه وواژه، کله چې
د روازه خلاصه شوه، هسه لیک یې چې په لاس کې و
ونوراوه، مېرمن یې تونن شوي و.
په هغه لپاره کې د سر ودرجه صفرلاندې خولو-
ښت وه او دغه لیک نه ورسې په لاره کې و.
د پاکت بروخ لیکل شوي و: ((میرمن تونن هسه ته
دي ورسيزي؟))
میرمن هسه لیک جګه نیولی و، څو ګاونډي یې هغه
نه لید.

څلویښتو درجې ساره او تر شونډ ولاندې یې زمزه
کړه: ((بیچاره سربازان))

د دې سه شنبې په ورځ

د سمولنسک د ساري ناروغيو د سارایې روغتون
رښې د روغتون له سرطیبې څخه بوښته وکړه.
(هره ورځ څوکه...))
(پدغه شپږ کسه...))
اوربیس وویل: ((نفرت پارونکې ده...))
سرطیبې یې په خواب کې وویل: ((هو، نفرات
پارونکې ده...))
او هېڅ یوه ډبل سترګوته ونه کتل.

د دې سه شنبې په ورځ

د ((جاد ویر فلوت)) قطعه یې غزله، میرمن
هسه خپلې شونډې سري کړي وي.

د دې سه شنبې په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسې ولیکل:
(د خندا ایله مرستی پرته استقامت نه شي کیدای...))
څوکه چې اسپستان ورنژدي شو، له خایه پورته
شوه، اسپستان لکه چې د نړۍ د یوې وچې نیمه
برخه یې پر شا پاروي د سالون له منځه په کړ وپه
ملاتیر شو.

الیزابت له هغه بوښته وکړه: ((هغه ته باید
کم شي ورکړم...))
ډاکټر خواب ورکړ ((نه)) دغه کلمه یې هومره
ورو ویله چې تابه ویل له خپله ځانه شرمیزې.
اوروسته یې تونن هسه د باندې ولیز داوه، د پا-
ندي زیات غالمغال اوږدل کیده، چا وویل: ولسی
مړي په ارامې سره پرېمکه نه زدي، هر محل هغوي
له پاسه خوشې کوي او غالمغال جوړ یزي...))
اسپستان ته یو بستر نه بل ته یې، هره ورځ اوهره
شپه.

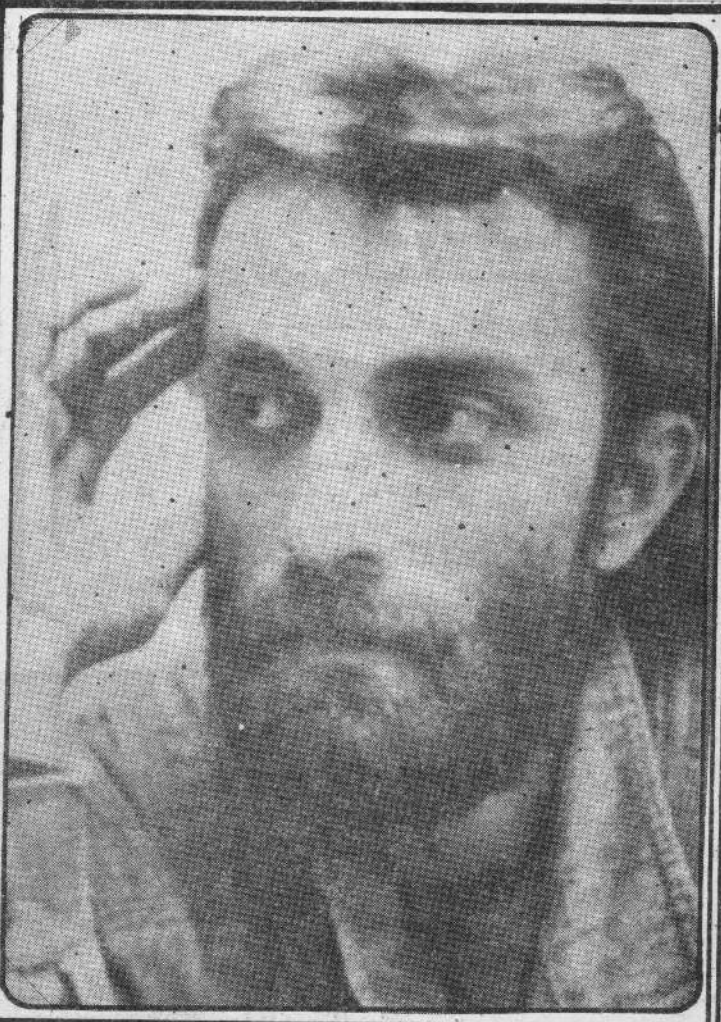
اوږدې ورسې اود شپې په اوز د وکې، لکه د هغه
چا غونډي چې د روند بار یې بر اوږد وي، کس و پ
د سالون له منځه تیرید،
د باندې، دوه کسه چې تشه تسکړه یې وړ لسه
سره خپې وړاو لیدل، یوه یې وویل: ((خلکورم
نمبر ریزش کړي...))

د دې سه شنبې په ورځ

د شپې، اولا په خپله کتابچه کې په غټو تورو-
داسې لیکل:
(په جګړه کې پلرونه سربازان دي،
په جګړه کې ټول پلرونه سربازان دي...))
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله، او جګړه
یې په (ګ) لکه ګور.

صاحبزادگان

لیلا، لیلا تو روز است خدا یاد دنیا کو روز است



نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان را در یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اند علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من.

— در یاد یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بخت موسیقی را در یوتلوزین که زنده باشند در روز های مایوسی را بروی من کشیده اند. همین حالا در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه دیده ام. انرا در طلوع سوزنیک ثبت میکنم بعد از از زبانی اگر خدا بخواهد که پذیرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما بوس گله و شکر به خوردن داد پس بد یعنی چه؟ بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یواغز کردید از همسان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت پذیرفته بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما، گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز است

همچنان اهنگ: قدح را سرگنیم شب را سرگنیم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت را زمین برگزیدم و گذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— یاد راول هاهم از طرف راد پور مشکلات داشتید.

— بلی: اولین اهنگ راد راد پور با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— با آواز مقبولی که در این ۷ پارچه خیلی کر نیست؟

— چه باید کرد کسی به راد پور تلوزین راه نمیدهد.

— علت انرا میدانید؟

— بلی میدانم. انانیکه از زبانی اهنگ ها را به عهده دارند نمیتوان خواست شانرا بر آورده به سامان اقتصاد من خیلی خراب است.

— فقط همین علت است.

— یک گپ دیگر هم است من نه کابی بقمه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد پور موجود است.

از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگنیم شب را سرگنیم) میباشد که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده گیام در یکی از عروسی

بمیانند کشور ترک کد او نخست به ایران رفت. در انجا با گوشتوش خواننده پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشقی قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعداً از انجایه فرانسه رفت و فعلاً در کالیفورنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک مینمود متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلاً هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در انجا فعالیت گسترده هنری دارد گروه او بنام (گروه کامیون) پلیمشود که در راه بین

وقتی میخواند آدم احساس می کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقتی او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقتی میخواند تومیگتی گلها میشکند و شاخه های خشک درختان شگفته میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور پیرو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۵۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید. و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقتی متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوزد نعیم پوپل را مجبور

ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

مرزهای دانش

آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (موسفیر) جزمین (در ارتفاع ۲۰-۳۰ کیلومتر سطح زمین - منتشر است، هرگاه آن از دیگر ترکیبات اتموسفیر جدا ساخته شود قشری با ضخامت تقریباً ۳ ملی متر را تشکیل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هوای تروپال به تقریباً ۸ کیلومتر میرسد، آزون - رادیواکتیو ماورای بنفش خورشید را جذب نموده، مانع ضرر به یونشکی - بالایی سطح زمین و مانع تغییرات حرارت در اتموسفیر میگردند.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشید کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هوای محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمین بر اقلیم اثر افکند و درجه حرارت آنرا کمتری میکند. از جمله دشمنان عمده آزون نور - روت و محیط بهر کرات مشترک کاربن و فلور و کلور میباشند. از ۶۰ سال است که در میخان ها و کولرها به شکل مانع مورد استفاده قرار میگیرد. این ماده زهر آگین نبوده، توت فراران کم میباشد. در ارتفاعیکه انتقال میکند کاربن را آزاد می نماید، یک اتم آزون را تخریب کند.

بر علاوه نور روز گاهای صفتان! کساید آزون و دیگر موادیکه تعداد آنها به تقریباً ۳۰۰ میرسد، قشر آزون را تخریب می توانند.

برای از دیداد معلومات خوانندگان محترم نقل گفتگوی خبر -

نگار روزنامه از ویستیا با پروفسور ولادیمیر زخاریف نماینده اتحاد شوروی در کنفرانس مونتهال که پیرامین اتخاذ تدابیر دروقیه قشر آزون از تخریب بعمل آمده تفسیر شدیم میشود: -

آهنک تخریب قشر آزون به چه پیمانهاست و آزون نگاه در سده ۲۱ چه چیزی را انتظار ماست.

در دهه ۲۰، که تا شعرات مواد مغرب بر آزون مورد مطالعه قرار گرفت، چنین پیش بینی بعمل آمده که در پایان سده جاری ۲۷ فیصد آزون کاهش خواهد یافت و مگر خوشبختانه این پیشگویی به حقیقت نرسیده است. قرار مساجات علمی، در صورتی آهنگ تخریب شدت موجود را حفظ کند، تا نیمه سده آینده از ۶ تا ۷ فیصد پوشش محافظه خود را از دست خواهد داد.

قدرت کم آزون اتموسفیر هیچگاه به یقین معلوم نبوده است، در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ مقدار آن صدمه دیدند رفت ولی در اوایل دهه ۶۰ فیصدی آن دوباره پایش آمد و پس از ده سال نسبت به دهه ۵۰ باز بلند رفت و از نیمه دوم دهه ۷۰ دوباره پایش آمد، فعلاً قشر آزون ۳ فیصد نازک شده است. - کاهش قشر آزون برای انسان چه تهدیدی را در قبال دارد؟ - لزوم نیست از حجم آنتاب نامت شوش داشت، چه لباس مادی - بپوشد (صفحه ۷۵)

آیاتصادم زمین بکدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنیای آهنگهای اطراف ما، که بانجم و کواکب مریخ گردیده، نمایشگاهی را مانند دران هزاران هزار کواکب سیاره پرتو افشانی می کنند. زمین که مراتب این اجسام جویانگرمات در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنتاب دور میمانند، نجات یافته است.

چه مشاهده خواهیم کرد - آنگهی از ستاره های جدار زمین تصادم نماید، علما اظهار می دارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا بر این در نزد و خلقت این امکان به میسر میسازد.

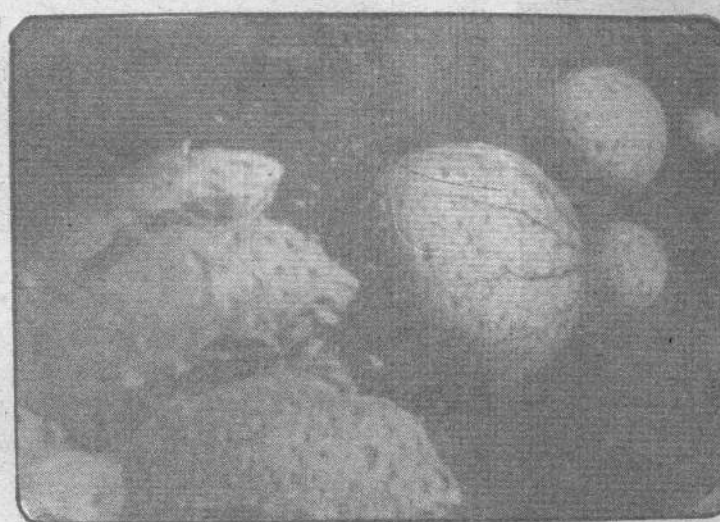
جمعیت پیوسته و نزدیک بود با دیدن ماه، که بانجم و کواکب مریخ گردیده، ستاره کوچک که شکل و حجم غیر منظم داشت و علما آنرا کوه های پرواز کننده می نامند، تکرار کرد یعنی ستاره مذکور با زمین تصادم نماید.

کوه های پرواز کننده اصطلاحات تلکی است، طبق اظهار علمای نجوم در باره این اصطلاح باید گفت: کواکب و کوه های پرواز کننده مدارات عجیبی را در خلال حرکت سالانه زمین بدور آنتاب انجام میدهد که این کار فرصت های نجات را برای تصادم با زمین میسازد.

طبایع سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایع خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مسارف ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبایع باید در کنار طبایع عمومی مورد بهره گیری قرار گیرد، برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم می گردد:

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش را اکثر آغاز می یابد. - ارچه؟ از همه چیز، سر درد میکند، خواب ندان، اشتها ندان، یابیس از حد معین غذا میخورم، تکالیف عصبی دام، بابت عالم اندیشه های و تعاسیم به خواب میزنم ولی فردا با کس خالی از خواب بیدار میشوم، قهوه میبینم تا خود را تسکین دهم، از دواهای مسکن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و ...

با وجود اطمینان به رحمت مندی - ام همه این تکالیف را دان. در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگری سازش نمی تواند. داکتر هرنگ میداند که امروز تقریباً همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست. - پس شما را از نقطه زندگی تان، که در ناهم نوعیت دارد، تدابیر میگیرم. داکتر بابت بیچکاری ظرفیت در آرای سوزن موماندنی به نافع مریخ نزدیک تر میگردد، جاییکه تقریباً همه از دست زدن به آن به تقاضای آید، درین اثنا داکتر در حائیکه سوزن بیچکاری را داخل ناف میسازد، بسوای انگیزن احساس لذت بخشی در بیمار دستش را بالای نهادن



علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره دیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰ میگردد مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر میماند. موجی زمین با بحرانات شدید از وی، امواج غبار و خراب، مواجه میگردد. این کوه تصادم ولو اگر در آب یا خشک به وقوع می پیوست تا شصت سال یا سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که به وفیات موجودات و خرابی کاینات میسازد. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره دیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰ میگردد مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر میماند. موجی زمین با بحرانات شدید از وی، امواج غبار و خراب، مواجه میگردد. این کوه تصادم ولو اگر در آب یا خشک به وقوع می پیوست تا شصت سال یا سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که به وفیات موجودات و خرابی کاینات میسازد. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره دیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰ میگردد مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر میماند. موجی زمین با بحرانات شدید از وی، امواج غبار و خراب، مواجه میگردد. این کوه تصادم ولو اگر در آب یا خشک به وقوع می پیوست تا شصت سال یا سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که به وفیات موجودات و خرابی کاینات میسازد. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره دیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰ میگردد مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر میماند. موجی زمین با بحرانات شدید از وی، امواج غبار و خراب، مواجه میگردد. این کوه تصادم ولو اگر در آب یا خشک به وقوع می پیوست تا شصت سال یا سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که به وفیات موجودات و خرابی کاینات میسازد. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره دیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰ میگردد مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر میماند. موجی زمین با بحرانات شدید از وی، امواج غبار و خراب، مواجه میگردد. این کوه تصادم ولو اگر در آب یا خشک به وقوع می پیوست تا شصت سال یا سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که به وفیات موجودات و خرابی کاینات میسازد. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره دیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰ میگردد مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر میماند. موجی زمین با بحرانات شدید از وی، امواج غبار و خراب، مواجه میگردد. این کوه تصادم ولو اگر در آب یا خشک به وقوع می پیوست تا شصت سال یا سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که به وفیات موجودات و خرابی کاینات میسازد. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره دیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰ میگردد مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر میماند. موجی زمین با بحرانات شدید از وی، امواج غبار و خراب، مواجه میگردد. این کوه تصادم ولو اگر در آب یا خشک به وقوع می پیوست تا شصت سال یا سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که به وفیات موجودات و خرابی کاینات میسازد. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

تحقیقات علمی در قرون وسطی این را پیشگویی میکنند که آیا امکان دارد تا دم یک سیاره با سیاره دیگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰۰ علی الرغم اینکه نظریه بالا تکمله جوانب وسیع موضوع در میان علمای قرون وسطی نمیشود ولی عده ای تصادم علمای آن صریحاً انهم ضمنی تفسیر این احتمال میکنند:

چهل و شش میلیون سال قبل کواکب شکلی از دوام گازها را در داشت که توسط آنتاب احاطه شده بود، که جذب یک جزآن توسط جز دیگر سبب تشکیل آنان گردید و در آخر در نظام شمسی همای شان - متناوب گشت.

علمای امروز نجوم به نظریه فوق الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، بسا در دارند هر آن اغانه میکنند: حدود شصت و پنج میلیون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

علمای امروز نجوم به نظریه فوق الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، بسا در دارند هر آن اغانه میکنند: حدود شصت و پنج میلیون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

علمای امروز نجوم به نظریه فوق الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، بسا در دارند هر آن اغانه میکنند: حدود شصت و پنج میلیون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

علمای امروز نجوم به نظریه فوق الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، بسا در دارند هر آن اغانه میکنند: حدود شصت و پنج میلیون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

علمای امروز نجوم به نظریه فوق الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، بسا در دارند هر آن اغانه میکنند: حدود شصت و پنج میلیون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

علمای امروز نجوم به نظریه فوق الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، بسا در دارند هر آن اغانه میکنند: حدود شصت و پنج میلیون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

در پی یافتن هموزن مردم کوریا نظریات خود را بر مبنای طول عمر، که از هنده سان بدین سو بر مبنای تدابیر مرغان و نتایج فنانیت بخش آن قایم ساخته بیان میکند.

با سابق تئوری عمای طب سوزن، هرگاه عمل سوزن زنی در نقطه مدیه دیده بدن، که در روی جلد نقطه فعال بیولوژیکی دارد، صورت گیرد میسازد آن صدها مرتبه بالا می رود.

این شیوه به صرف کمترین مواد کیمیاوی، احساس کمترین درد و حصول نتایج اعصابی منجر می گردد. به عقیده داکتر هونگ پیرا - مون موی بیوشد تئوریها و نظریات زیاد و گوناگون و همچنان برای جوان شدن نسخه های

وی میگرداند، تئورین تقریباً دو الی ۳ دقیقه ادامه پیدا میکند، جالب این که بیچکاری در ناه صورت گرفته ولی بیچار درد را در دو جناح چپ و راست و سپس در آلات تناسلی و در قسمت پایین معده میسازد Solar plexus نقطه دیگر زنده گی خرد احساس درد مینماید.

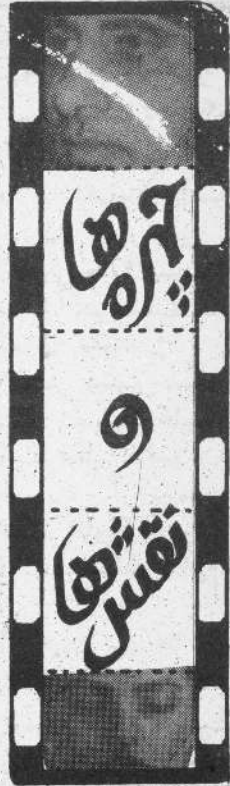
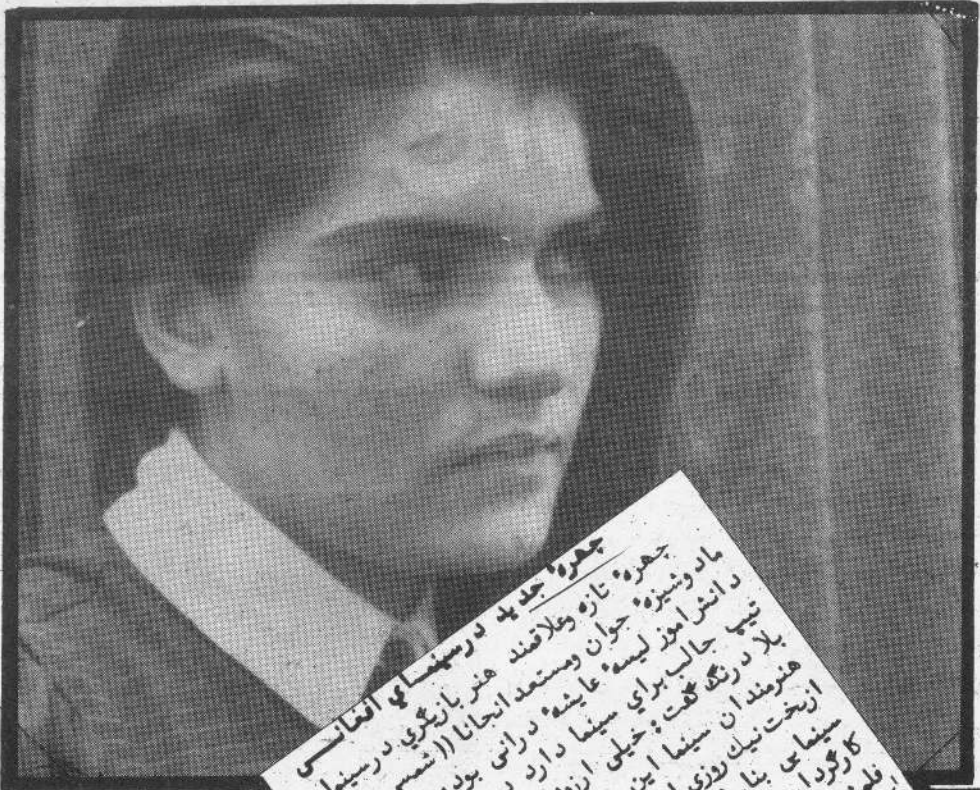
داکتور تئورین میدهد: ادویه جانب اعضای جریان پیدا میکنند وظایف شان مختل گردیده است. مریخ نیز احساس می نماید که در او مانند راکت رعبی شده به تعقیب هدایت حرکت میکند. داکتر هونگ چنگ اون، مسر محقق و امرانستیتوت طول عمر

داکتور هونگ چنگ اون، مسر محقق و امرانستیتوت طول عمر

با وجود اطمینان به رحمت مندی - ام همه این تکالیف را دان. در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگری سازش نمی تواند. داکتر هرنگ میداند که امروز تقریباً همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست.

با وجود اطمینان به رحمت مندی - ام همه این تکالیف را دان. در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگری سازش نمی تواند. داکتر هرنگ میداند که امروز تقریباً همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست.

با وجود اطمینان به رحمت مندی - ام همه این تکالیف را دان. در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگری سازش نمی تواند. داکتر هرنگ میداند که امروز تقریباً همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست.



چهره تازه و علاقتند هنر بازیگری در سینمای مادوشیزه جوان مستعد انجانا (انسی) -
دانش آموز لیسه عایشه درانی بوده است. او که تنها جالب برای سینما دارد در برابر پرده انزخت نیک رفتی خیلی ارزوداشتم تا رفتی در میان سینمای بنام (سفر) در دست تهیه قرار گرفتم کارگردان فلم در جستجوی کاکتوهای بوده است و صمیمانه توضیحات در جواب فلم بردارم و در سلسله جویبخت من منجبت فلم بردارم و در (افزیه) که یک کاکتو ثابت و در هرلوی هنری کاکتو بودم و بعد از آن سید اولی و دیگر اعضای بنام خانوادها و همجنان در فلم (عاصی) از ساخته های موسی رادمنش نیز منجبت هنرمندی همان نقش داشتیم. امیدوارم در رشد سینمای افغانستان با هم همکاری و سینماگران گامهای مشترک در آینده برداشته باشیم.



لیزا بیوی پرده

دوشیزه ایله ازمن شش سالگی با مادری که از جمله هنرپیشه های مستعد سینما و تلویزیون است، بنا بر توشیح بدش راهی هنرتمیل شد و گام بگام صحنه این راه، راپیمود و کون در سکوی موفقیت قرار دارد. او دوشیزه لیزا است.

لیزا در برابر پرده افزود: اولین مرتبه ای که در برابر پرده فلمبرداری قرار گرفتم، دلم شور و هیجان خاصی داشت، خوشنود بودم که من روزی مثل مساندن (خورشید) هنرپیشه شوم و این فلم (گناه) نام دارد از ساخته های انجنیر لطیف، باردی به فلم سینمایی (گام های استوار) به کارگردانی توریالی شفق بعداً به فلم سینمایی قرار - بقیعد صفحه (۷۱)



تصویر بردار

این جوان مهم ویر تلاش زمزی (سخی) یکن از تصویر برداران خوب تلویزیون است. او در زمینه کارش حرفهای دارد که با هم میخوانیم - قبل از آنکه رشته تصویربرداری را پیشه کنم نهایت علاقتند زیبایی های طبیعت و خوانش اشعار بودم، همه زیبایی ها را در ذهنم تصویر میکردم. بدین

علاقتندی تلاش ورزیدم تا در مورد دسترس پیدا کنم هماناد رسال ۱۳۶۲ بدینسو به هنر فلمبرداری تلویزیون رو آوردم که در مجله پروگرامهای اخباری روز موه را - فلمبرداری نموده بعداً برنامه های اداره هنر و ادبیات کارگرن و جامعه، جوانان، اطفال و پیشه وران را ثبت و تصویر برداری بقیه در صفحه (۶۱)

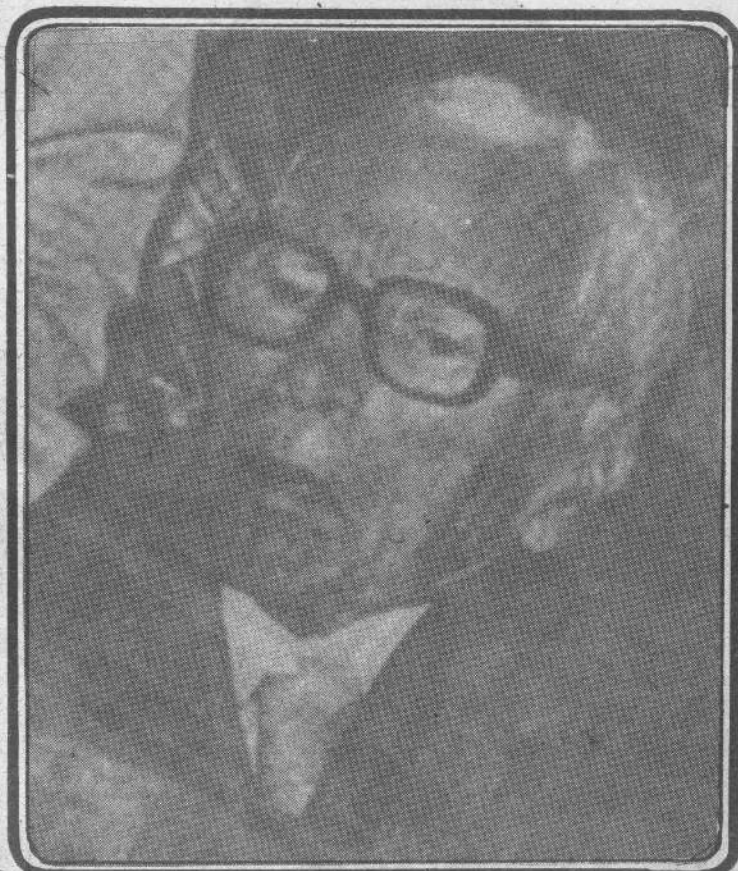


قافیه و قیافه

کوچک

درسیمای یک مرد

بزرگ.



چارلی در صد سالگی

استعداد و شهرت افسانوی
چارلی در سراسر جهان
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان
حیات خود به شهرت و محبوبیت -
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت
شماراند ، بخوبی کسانی چون
چارلی چاپلین که برای مدت زمان
شواری محبوبیتی پایان ناپذیر در
میان مردم جهان داشته باشد .
چارلی چاپلین بزرگ که در این
روزها در سراسر جهان با حرمت و -
ارادت نهاد به مقام والا او ، صد
سالگی تولدش را جشن گرفتند -
استعداد این شهرت آسانوی در
ضمیمه همین گردیده بود .
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی
برای نخستین بار روی پرده ، هر
خانواده از ناض آگاه بودند -
موسکها ، اسپا بازی ، کودکان و حتی
مسابقاتی به نام چارلی چاپلین
مسی گردید ، مردم رقص شبیه راه
رفتن چاپلین ابداع کردند ، ناض
ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند .
چاپلین سیمای جاودانه شخص
را در دل پرده سینما خلق کرد که
همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از
دیدن آن شادمان میگردد و کیف
میبرند ، کیدیهای او حکایتگر
نابسامانی های تجسم کننده تب
های معین روزگاران فلماهای
صامت و فلماهای ناطق ، روزتا روز
کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .
 - چه کارهایی که نکردم ؟ روز-
 نامه فروش ، شاگردی حروف -
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار
 های جانبی هرگز هدف غایی اکتور
 شدن را از یاد نبردم .
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-
 نوز از جلادادن بوتها ، شانه کردن
 موها ، پوشیدن پیراهن پاک و از
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک
 هاور) ایاتة وزیدم .
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند
 اودرحالیکه آخر میگاش را میجهسد
 وگرم تاشا ی دیکورسالن هتل بود ،
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه
 میل داری بیوت ، هرچه نکرکردم
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ
 کنم ، از میکاژ ولباس را بیوتی خوشم
 نی آمد ، درحالیکه جانب العاری
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم
 کلاه شیوی خوردی بسروکنم و صای -
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستیم
 که همه چیز باهم درتضان باشند ،
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خورد
 و بوتهای کلان ، تعیدانستم که جوان
 مینمایم یا من بخاطرم نبود که مک سنت
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم
 هنوز بر این روشن نبود ، مگر وقتی که
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نسا-
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین
 دارم ، تاظا هرشدن برور ستیژ
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛
 همینکه در برابرسنت قرار گرفتم با
 تپیم کاملاً ساینز کرده بودم ، در -
 برابری به جست و خیز و قدم زدن -
 پرداخته و صایم را حرکت میدادم ،
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی
 هان نهادی شکل میگرفت .
 بقیه در صفحه (۱۴)

تعیین کننده صادق

۳۵

حکایت

قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را میدید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انسد. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

تقسیم دیواری ۱۱ حصوت سال ۶۶ رانشان میداد. عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشت. بود. نضا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیهم گلوله های که از دهانه تفنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه دفتر کوید و اجازة ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: ((قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الهه نامزد کردم هفتوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاریخ ۵ نور دختر را در محل و خیفه اش لت و کوب کرد. بود بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: ((بگیر دخترت را، چله سرا پس بده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاریخ ۱۸ نور سلامت ۲۱ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهرم داخله کرد، نعمت الله بالای شوهرم تفنگچه کشید مرمی که از تفنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزة ۸ امنیتی هم از

موسم آگاهی دارند، در آنروز هم بدختر گفت: ((چله مرا پس بده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگیم. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

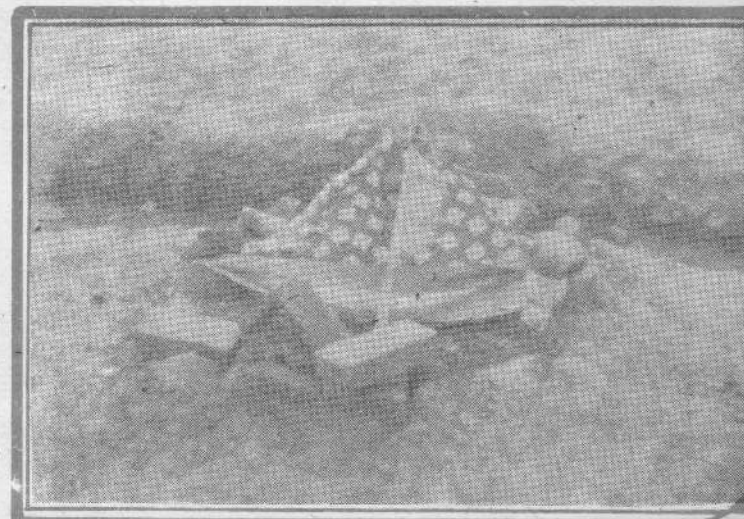
با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاریخ ۲۵ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و پالایش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچگی ها دختر بخانه آمد.

- آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟ - نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

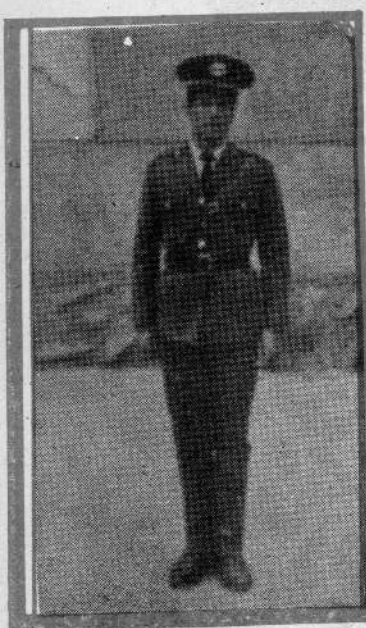
دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی نامیش رعایت نداشتند. وقتی با دختر نامزد شده دختر همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما او از همان نخستین روزهای نامزدی با دختر سر ناسازگاری را گذاشت، و هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

بقیه در صفحه (۸۷)

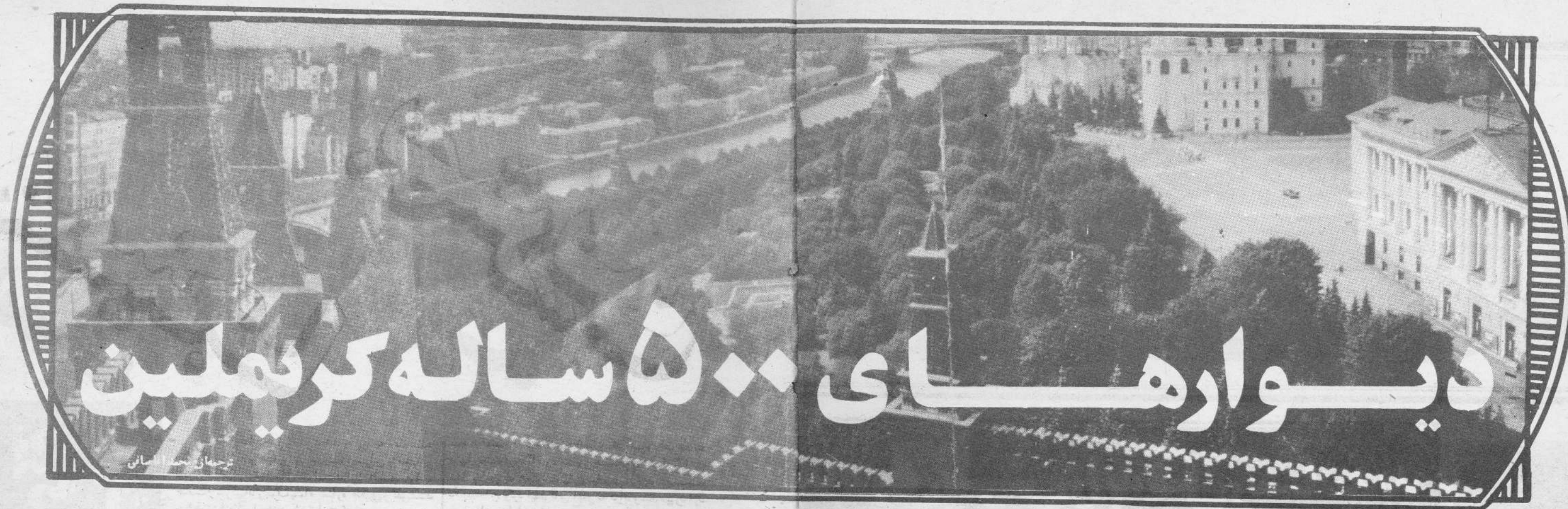
مرگ منتظر قاتل است



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان



خواهر جاوید نیز درین حادثه زخمی بود



دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

تیمارستان

کرملین اهمیت و مفهوم این کار در چیست ؟
 دیکی از انسانه های باستانی در باره آفرینش که تا به نهم آن معلوم نیست با رجوع به امپروسه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد یک قلعه مثلی اعمار خواهد شد (سلطنت سه بعدی).
 و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند و واقعا دیوارهای کرملین عینا به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است.
 الساق خط دومی استحکاماتی کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پایتخت - میدان سرخ - میباشد.
 کلیسای تروتسکی نه رود و مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سرخ گردید (که امروزه نام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کروتنه - بنیادساز تاجران از پروسه - برخانی قزاق ها ساخته شد.)
 قرن (شانزدهم و شانزدهم) عصر وسعت وسیع استحکاماتی سرحدات دولت جوان مسکو و روابط وسیع تجارتی بیرون آمدن اودر صحنه سیاست جهانی - مانند دول بزرگ اروپایی میباشد.
 در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی بی دیگری مانند قلعه نوگ گردید ایوان - گردید و کولونو ضریه احداث گردید.
 در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با آنهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند.
 بقیه در صفحه (۸۶)

جهان را آغاز نمودند.
 بیانه عظیم کارها اعمار برج های اساسی دیوارها و کلیسای کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت حتی امروز موجب شگفتی جهانیان میباشد چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست در نظر اروپاییان کرملین سمبول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد.
 اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعدا دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند.
 اولتر از همه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید.
 تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند بودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین را از راه آب اکمال کرد بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه یا) مسمی گردید.
 در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالوی (پتروک) دیوار دومی مسکو اعمار گردید قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید.
 در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) اعمار گردید این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان دیوارهای پانزده کیلومتری جویی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید.
 دیوارهای جدید یکجا با قلعه در قرن پانزدهم تا سیمیل واحدی را تشکیل داد بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساسا - دیوارهای -

دیوارهای کرملین در واقعیت امر به یک مخطط سه ضلعی گشوده معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است از همین نگاه است که سالانه منسومان رشته های گوناگون هنر شعرا و مساحان پیشماری پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشای آن حظ وافری برند.
دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد
 دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد سمبول دولت روسیه گردیده است در مثل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل - تپه پروویوتسکی از آنجا گرفته شده است در سال (۱۱۴۷ م) امپروسه (پوری دولگه روکی) درین تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت اعمار شهر در آنزمان معنای ساختن قلعه را داشت معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود طبق معلومات در اشر حجلات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمات بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپروسه (ایوان کالیست) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند اما معمارانم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دویتسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید.
 در قرن XV پانزدهم تحت رهبری شخص امپروس بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین، مارکو روجو، پیوتره انتونیو سولاری و الیگز فنانین و میلانتس) به همکاری استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

امبار گردید این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر داشت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت در سال ۱۵۳۸ دیوارهای دومی آن، بدور دیوارهای اولی پاثلت اولی، که میدان سرخ را احتوا نمود، ساخته شد قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سیزتموش شد در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود کلیسای تروتسکی نه رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد معموره چلیپا مانند ازبک و آهک ساخته شده که عملا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر آن بناهای بزرگی ندیده است در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا بهی بشمار هرود و وسایات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر سمبول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بنا کناری شد از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از پیشهای بیگانگان، به ساختن و تحکیم و تجدید استحکامات شهر پرداختند.
 کاخ کرملین مثلث انبرجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است.
 در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبذول گردید این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخیرود دارد، نخستین برج طوری ساخته شده که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا بهی بشمار هرود و وسایات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر سمبول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بنا کناری شد از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از پیشهای بیگانگان، به ساختن و تحکیم و تجدید استحکامات شهر پرداختند.
 کاخ کرملین مثلث انبرجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است.
 در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبذول گردید این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخیرود دارد، نخستین برج طوری ساخته شده که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

بناهای تاریخی کرملین
 اعمار گردید
 در پانزدهم و شانزدهم

فروشنده‌های سبزه‌ها در انگلستان

فروشگاه آناه‌ها در هندوستان

سخت اعتماد دارند * متخصصان کارآموده هر هفت
دیارتمنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران
بها و نادیده هر گوشه و کجایند نیاسفر میکنند * با
علاقتمندان و گردانندگان آثار به داد و ستد میزند ازند
و در حراج ها اشتراک میوزند *

انتونی سبزه ۴۹ ساله * امر د بیارتمنت
نقاشی * همین تماشای سالون فروشات اکتفورد به
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا * که
به صورت رنگه آبی کار شده است * برخورد و به آن -
چنان علاقمند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در
حراج آن شرکت جوید * این اثر هنرمندی گمنام از طریق
مزایده به قیمت (۶۰۰۰) پوند به سبزه تعلق
گرفت * چه سبزه حد سر زده بود که این اثر از -
نا بیغه رویایی قرن نوزدهم سامویل بالمر است * بعد
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید *

انتونی گاردنر * مسوول آثار هنری جنوب شرق
آسیا * ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید
و ترسیم نمود *

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری * یکی از مر -
یدان بود * از موزیم میانامی بنگله دیش آمد *
است * اومیگوید * (احتمالا این برونز رزمیان
حک هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد * صا
کاملا آماده ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقدمات
بنگله دیش تعهد بمانند که افراد موزیم ایالتس
بدون امنیت نگذارند ((

با امانده * مجدد برونز * سبزه مبلغ (۵۰۰۰۰)
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که
گاردنر آنرا چنین توضیح میدهد * ((آنچه را که ما
انجام میدهم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای
آینده است))

در حمله آثار افغانی مجسمه های از گند ها را
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود *
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کبیر
بشمار میروند * نیز در این فروشگاه وجود دارد *
گاردنر میگوید که تا این اواخر آثار هنری و منا طبق

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه
انگلستان از جواهر فروشی سبزه و سران واقع در
لندن * که (۳۰۰) سال قدمت دارد * استمداد
جست * شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلوند
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت *

این شرکت برای بیش از (۷۰) کشور جهان و
همچنان برای ملکه * شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر
موجب شهرت جهانی آن گردیده است *

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا
سالانه بیش از (۳۰) میلیون پوند سترانگه داد و ستد
دارد * هرگاه بهترین را میخواستید * همینجا است
گزانبهاترین آثار را میبایست *

تلفورد شوت * امرا داری فروشگاه اظهار
داشت * (این فروشگاه در سطح جهانی جالب
ترین نوع خود است *))

نمایشگاه های سه منزله و گالری های آن از -
مجسمه های شرقی * منسوجات * نقره باب * نقاشی -
ها * جنی باب * مسکوکات * کتب * مدال و تعداد
زیادی از ایشیا * و احوایر برانگیزند و جالب آنگند *
است * جالبترین بخش آن قسمت آثار چینایی و جا -
بانی است که یکجا با دیگر بخش های شرقی منبع
ثالث درآمد شرکت را میسازد * اجناس ترتیبی
از قبیل عاج * برونز و جنی باب چنان با نظم و شکو *
خاصی در آنجا چیده شده است که کویلا خان
میتوانست آنرا به شرکت * خویش در خاناد و انتقال
دهد *

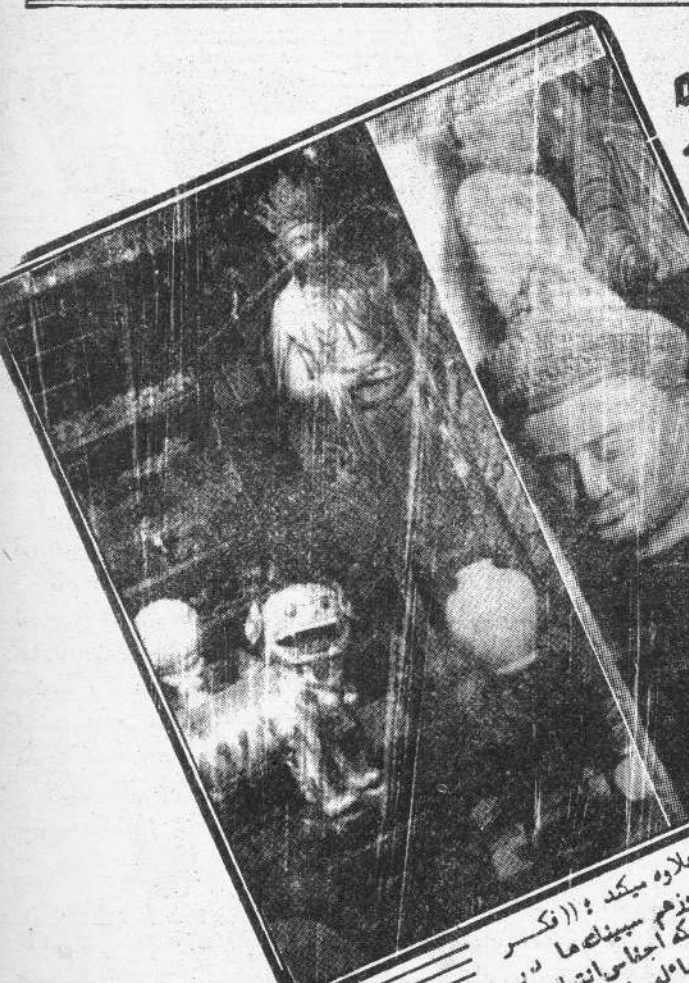
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -
است و روی آن شلنگ نقره ای که منقوش با جعره ملکه
سکات میباشد * در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آمد *

داشتن همجو اجناس در لکتر توجه علاقمندان
ماورای ابحار را بخود جلب نمود * است * یک امریکایی
سخت علاقمند است تا در برابر بدست آوری مجسمه
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند *
مشتریان خصوصی و موزیم ها به فروشگاه سبزه

مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فارغ التحصیل گردید از طرف صوفا پیش در امر تجارت



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوز هم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیک را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد که باید داشته باشند.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوز هم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) پوند بدست آورد.

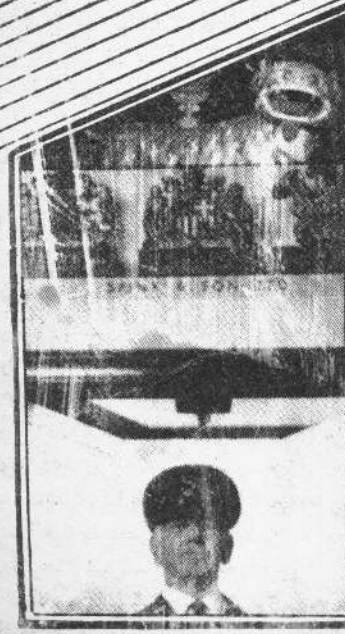
دیپارتمنت نقره ای، کاد موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برایم نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ پوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ پوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابه مهمترین بازار نقره میشناسند، در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیز دو م یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ از طرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته، میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) پوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سینر دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران بر تانوی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند، برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ پوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایل کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ پوند خرید و واژن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازندوی میبایم . شوهرش به جرعت اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است . نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گشته هایش نمیشود . به مشکل موفق میشوم که قصه اش را از خود نریشم ، میگوید : ((ما قصه میکم به شرطیکه تو او رو چاپ کنی که کل دنیا نم مره بفانم و فغانم که چی دل کلانی دارم و دگه مره ملامت نکن و نگوین که ما به دل خودم زن هر جایی شدیم و ...)) قبول میکم و او بازسان خود قصه میکنه و من با زبان خود می نویسم :

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه باشم و بی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم عمه بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزنده می درمن بدید آورد ، فضایی هرات زمین (زادگاهم) برایم تنگ شده بود . همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا (گل بی بی) خطاب میکرد ، گلی که برپرند - گلیکه یارای ایستاده می در برابر نسیم صبح نداشت . در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن - زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی ازقادر مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده سالگی آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانه گماشته شوم ، آنها در شهر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم جز یاد های از مادرم به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت . او مرد و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت . من طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، تازه د شناسمایشان گاهگاهی گوشم را نواز میداد - من تا حال از سکوی بلندی دست و پا زان برتاب شده بودم - هنوز به زمین نخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم . آنشب در دست شپش بود که نکته های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی دور از عفت رامیسم - آنشب نامزد جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی - هایش جز آزار چیزی دیگری را نمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر (گل بی بی) مادر نه - زن دوازده ساله بی بودم .

و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمرم آنقدر خود را ناتوان و ذبون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر دارم که راهروهای کارسرت کارت - سه کابل را با گریه و فریاد به استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهام به من میدیدند و شاید تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگریستم بیزنی با مهرانی دست به سرم کشیدو چنانکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی ارزش داده شود ، دلیل ناراحتی ام را بر رسیدن آنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیو مرا به خانه خود دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بییک سرگردان یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده می بود زیاد ، از این تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روزگند ؟ و من بدون هیچ پرسشی پذیرفته در حالیکه دست بیوزن رادریین موهای بی چرک لمس میکردم و لطف غرض آلودی را احساس میکردم ، راهی منزلش شدم ، در خانه محقر بیوزن یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این خانه محکم به پذیرایی وهم آشوشی او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : ((کالایته جمع کوکه ترو به جایی میسوم)) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت سوار سرویس سفری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به شهری حالا دیگر برایم مفهم نداشت چه من از خود نبودم - شاید اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم . در قند ها مرمد در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر دیگر کار میکردم ، مراد ریدل پول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازه - انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . (بخاطر آمدن بود که زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از وی آریزان تا خانه آورده بود و من فکر میکردم که با پاسر قیمتش را خواهند دانست هرگز) . من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غشته به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا باید محکم به زنده گی شو و اینبار تقدیر مرا دوباره به کابل آورد - نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی به کابل در خانه بی انتقال داد ، فکر میکردم شاید در اینجا تنها یک مایه داشته باشم ، اما در رخ که اینبار هر شب و یا چند شب بعد مالکهای موتقی را باید پذیرایی میکردم - با عین این آدم نماها خود را برایشان سرویس کتم ، در دستهای قهار و وحشی شان بلوتم و دره دره - وجود را ، وجود کوچک را برایشان تعارف نمایم صبح عا از کسالت شیهله بخوام

تعبه کننده صباح الدین رهش (۸۶)

سر گذشت یک زنده گی بر باد رفته

ازهریسی



پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زاپسک خاک توده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که برای زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

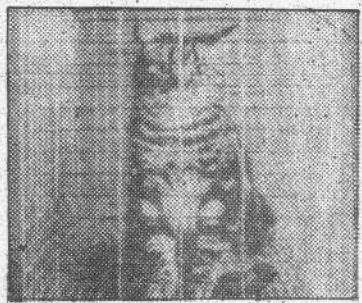
قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک هایی بهره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آسیب رسندگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود. قارن به شفاخانه اطفال در فلاورنسا در ایالت پنسوانیا برده شد.

دکتر اول، دسترمان دهن شفاخانه پس از معاینه پسر بچه گفت دو انگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوند می زند. این عملیات که دو انگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدند چهارده ساعت را در هرگزوت، دکتر دسترمان یک و پد دست قارن را نیز باورید ساژر او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد. این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالت متحده فرستاده شدند و با این احساس مصروف سیاستمداران از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشاده اند.

ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است



دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک با معمولاً این مرض را از حمله به یکدیگر میگیرند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمیکند. آزمایش روی انسانها به یک با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت میسازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در محلات عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلیمین در تعقیب آنان گماشته شده اند که مقررات را نادره بگیرند، و اگر چنین شخصی بدست پولیس بیفتد از ۲۰۰۰ پیوسته دالر جریمه داده روز زندان، جزا خواهد شد دید.

طبق این مقررات هیچ شخص اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیره و مقامات مانه لاد اولتر گرتش موترهای تیزلسی میخی پس را ممنوع میگردند که ستونهای از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را بازمی آورد.

لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلکینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به چشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت ظاهره رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید. آن کشور از دست دهد.

بخطرات جلاوگیری از قمچین کاری پدرش را کشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند. مسوول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر بخاطر تنبلی و اخسند نمرات پاییین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمچین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد. قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.

خانه جی هسا



یک سگ ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بد نیا آورد که رحمت عمه نوزاد - دان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزاد آن کم است به نیتا میباشند که بحالست

عادی نموی نماید و در تدا وی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بد نیا آورد.

تهیه کننده حسن نیر

آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هندسه آتش سوزی ۲۰ نفر را کشتند و ۲۵ نفر را زخمی ساخت. آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان هنریش هم در آنجا بود. سنجی خان ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد. علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت

حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. دکتران گفتند که خطری جدی زندگی او را تهدید نمیکند. قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

از هر یکجا

اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



اکیهیتو امیراتورجدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکا) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرومیتو بدست می آورد. انون بران ۲۵۰ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

همه حیوانات از خود حقوق دارند

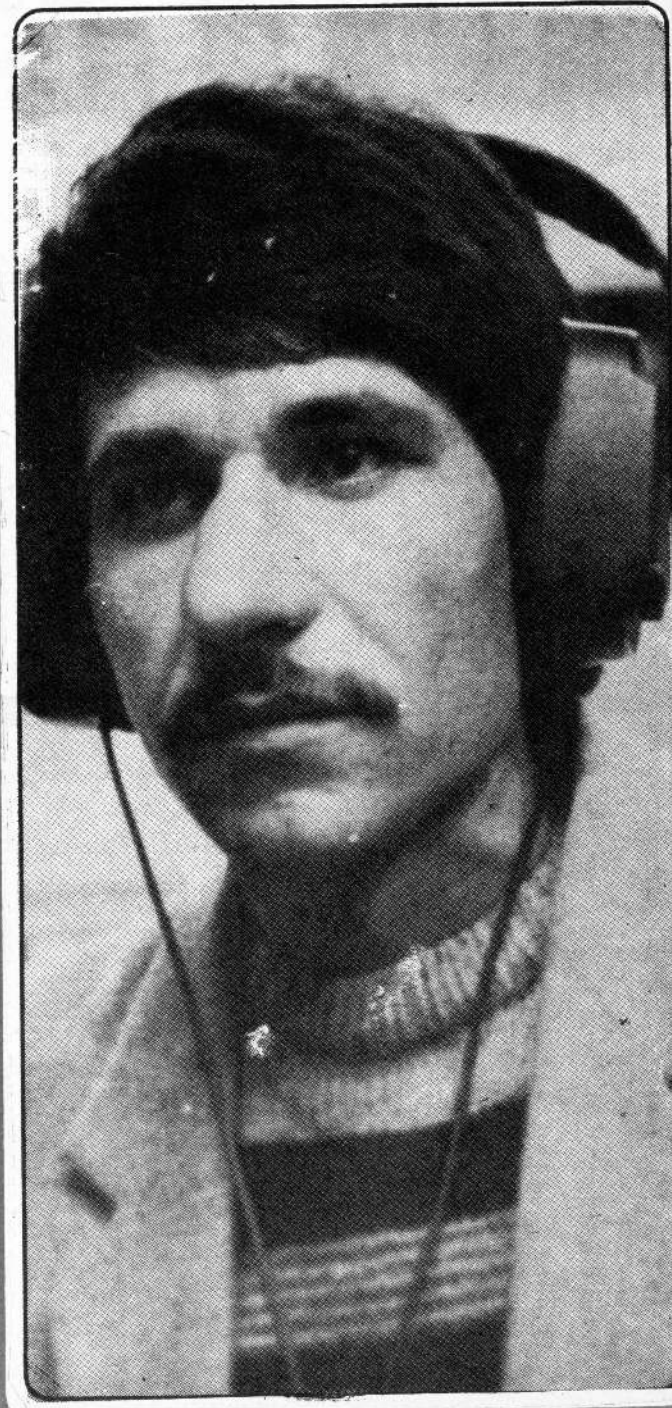
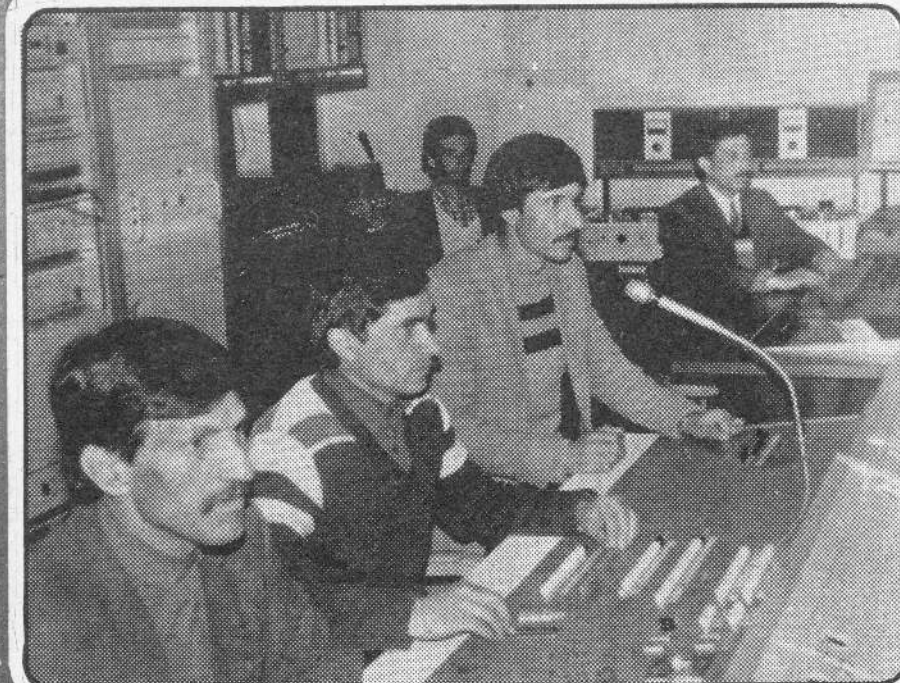
اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سازمان و اشخاص اصلا ذهن زمینیه چیزی نهادند. تعداد نهادی به این عقیده اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجای پانچ های علمی به منظور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجارب روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات به نهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپذیر است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه است که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگانهان باشیم.

مجله ناولوژی

مناصبه از اسد بدیح

سی از یک دهه

گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی مجله را تهیه مینماید



بایک تابلوی نقاشی از تیشه های طبیعتی - با الفقه در برنامه گنجانیده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سعی داشته باشیم، چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحات از بینندگان تلویزیون هست، چون مجله تلویزیونی در جایگاه یک برنامه اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا به بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تشریحات گویا و صاف با زده مکتب الی بالانتهی - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداختن های برنامه، موافق شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راهبری تلویزیون پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم داریم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام درجهان بگذاریم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتو ارسال بقیه در صفحه (۱۱۰)

تان باشید، کدام بخشها را بیشتر می پسندید؟

برنامه مجله تلویزیونی یکی از برنامه های اختصاصی تلویزیون است که در سطح بلند هنری ادبی انتشاری باید طبعاً این برنامه بنا به ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان بینی های فرهنگ کشورهای مختلف می پردازد، مطالب مجله تلویزیونی آنکسوبه معرفی و تشریحی هنری و هنرمندی و نام آن به مثابه یک نیاز حسی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای خواص و جوانب قابل تأمل آن، دستی یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارزشمندی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از زنده تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع - (پرویش هنری) است آهنگهاییک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آهنگ ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شمع

هنری اما با در نظر داشت محدودیتهای فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه پرویوس، صرفاً مستحق حکم فرموده ما من همکاری همراه است که لازم میدانیم از سبب بدین جهت و حاصل ما در قاتله اش سپاسگزاریم کم.

و اما در زمینه نوشتاری ارسال هم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه، کلا بدوش من گذاشته شده علاوه بر نوشتن بخش های درسی و بنابر عدم موجودیت نهی شده پشتو در اداره، ما نوشتن بخشهای پشتوئی برنامه را نیز به شکل ناگهانی انجام میدهم.

در گذشته نهی شده گان - دیگری چون شهره داء، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و آصف معروف نیز با من همکاری بودند که اکنون صرف مستحق سرورانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نویسند.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به روشهای مخصوصی به یک هرزه تشریحات خود، تشریحات میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشریحاتی رهسپار است؟ بیننده های برنامه، تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بیننده مجله

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که با تهیه، نوشته و دایرکت برنامه، مجله تلویزیونی بارادیسو تلویزیون همکاری دارم کار من در - تلویزیون، اساساً در دو جهت - شکل یافته است: کارگردانی برنامه ها و نوشتن گسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلویزیونی، برنامه کتاب را نیز برنام ((برگها)) اساس نهادم که نهی شده کی و کارگردانی اثراتینیه مدهه داشتیم، جدا از آن، دهها برنامه فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلویزیونی را تهیه و دایرکت نموده ام، البته در حاشیه، از نوشته ستایشی فلم داستانی ((سهند)) تیاتر تلویزیونی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلویزیونی انقانی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتیبه برنامه مجله تلویزیونی شما راهی گویی میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه مجله تلویزیونی همانطوریکه اصول تهیه آن ایجاد میکند، با مسئولیت و مشکل میبود، آنکس بی نهایت وسیع مشخص در تمام بخشهای فن و

که راه، موسم ستدر دوید برتو شده، کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد، از اصطلاحات هرزه، این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از آنرا هان فنکار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیک و اصطلاحی (شاید درست و شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگرداران - غیر مسلکی، تدوین شده است. اما، کار من وقتی کارگروه کبری از دایرکتوران تلویزیون، مبتنی است بر تجاریک حین کار و اصلاح بدت می آورند، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه اساس کارگردانی برنامه های تلویزیونی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که بارادیسو تلویزیون همکاری دارید، کدام برنامه ها را تهیه کرده اید (البته جدا از مجله تلویزیونی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من ترائیکی رشته ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلویزیون، در ایلام داشته های هم جان و نا پخته (روشن سازی هنری)، برنامه (مجله تلویزیونی) یگانه برنامه نفس کی و زنده، هنری ادبی است که صیقل معقول سلامت آرایه مؤثر را دارد بیشتر برای رانفان و رهبران هنر و ادبیات درخور قبول و پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلویزیونی) که خود، انبیا، نهی شده و شامسر است، نوشته ها و کارهای دهنق هنری - ادبی اش، صداق لبید صیقل روشنگرانه اش میباشد، گفت شنودی تهیه دیده ایم که پیشکی شامشود:

س - آیا در رشته دایرکتوری تلویزیون بهره در زمینه برنامه سازی - تحصیل بخصوصی کرده اید؟

ج - کار در تلویزیون طویبت که معایب و روابط خصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از ایلامی کتابها آموخته ام. اما در تلویزیون ما، همانطوریکه اشاره کردم، بسیاری از مواردی

دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب
 هرچه میجویی بجو
 بیکران بحرست ، گزهر بیحما ب
 هرچه میجویی بجو
 فارس گویی ، دري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 لفظ شعرو دلبري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 بهرمن تنها زمان مادر است
 همچو شیر مادر است
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست
 چونکه مهر مادر است
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم
 دوست میدارم و را
 چون نوازشهای گرم مادرم
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

کاسیر

بلبل به فغان چه کار دارد
 نه که خبر از بهار دارد
 قمری به طلوع صبحگاهی
 جشنی به چمن هزار دارد
 چشمش ز شراب ناب امشب
 پتگرکه چنان خمار دارد
 مردم زنگاه آشنیش
 گلگونه قبا ، نگار دارد
 اندام ظریف و نقره فامش
 بردل هو من شکار دارد
 آید بیم ز راه شوخی
 حیف است به غیر نظر دارد
 صید کشته بود و بناز و رامش
 خون شهدا ، وقار دارد

مشوش

من مرغ اشم
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم
 درمن هر اس نیست ز سردی و تیوه گئی
 من از سپیده های دروغین مشوشم
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار
 نشکست ولی غبار دارد
 پژمان شده اسپیر زلفش
 صد همچو منی بتار دارد

بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی
 درسی شوی دادی خیلی پیسرا گانی
 نه چی زما دعاوی تالره نیسری شوی
 چی ترکی تلی ستا دادا گان سو
 هغه لاری زما ستا تر منعه پسری شوی
 دما بنام له تیکی تیخ دهلال ووت
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی
 چی ورتل به سرولمو لکه اور پینتی
 به هغو بلهارو لکی هد پسری شوی
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی
 خاورو لاندی خه بنایسته نیلکی خیری شوی
 بیا به و سپری رسی د سرو رید سو
 که به سرو وینو خرویی می میری شوی

پوهاند زیار
۶۷۲۲۲

بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار
 بین زکان طبیعت به که سار سبزه
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار
 ببر کنسید و چمن جامه نگارین خوش
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه من
 جدا از وادی عشقم به جویبار چکار
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب
 مرا به بیک فریبند و خمار چکار
 فغان و ناله مرغان خوش ترانه شنو
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین
 مرا به سپروسفر سوی گل بهار چکار
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد
 شکسته شیشه قلبم مرا قرار چکار

مته، نیت

گرتویند اري دل م را حز تو یاری هست . نیست
 یاغم را غیر مهتر نمکساری هست . نیست
 گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست
 و برپرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست
 گر کسی گوید که درد نیا به دوش زنده کسی
 سخت و سنگینتر زه جریار یاری هست . نیست
 بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد
 چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

غزل

ماد خپل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی
 به مائل کانی وریدی دی به دی کوخه کسی
 به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی
 تامل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده
 داسی می لیرد پرخه کتلی دی بعدی کوخه کی
 سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه
 خه خطرناک قاتلان بنگلی دی به دی کوخه کی
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وریزی
 مائل د هجر زهر خنلی دی به دی کوخه کی
 توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو
 سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

دخوانی گلونه

ز یاد مینی بنگلی بنگلی پسانسی
 چی د سپرلی بنگلا پری بیه بنکاریده
 به مرمونولپوچو خوب ته بی سرنه تیتاوه
 د بپنشی عظمت نینه بی
 پرته خته کی وه
 دغه غرور بی د پیری بیرونو
 مات نه شوکر ای
 کره صدقه بی له زلفانو
 دخوانی گلونه
 خودغه تورماران بی
 کله د غاری امیلونه نه شول
 چایی دیانور زیدل
 به شپه کی ونه لیدل
 به جوانی برگ مینی
 د جاخماري نازینی سترگی
 باندی نمجنی نه شوی
 خودخوانی گلونو
 د جانا زکوبینوته
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

پروانه ها

پروانه های پروانه ها
 پروانه های خوشنما
 پروازتان بس دلنشین
 بر آسمان و بر زمین
 کالای خوشترنگ شما
 رقم شما، جنگ شما
 روی گل و روی چمن
 روی علف های دمن
 مستانه بال و پرزید
 بر روی من بر پرزید
 گفتم بگیرم بالکت
 آن بالک خال خالکت
 از دست من گشتی رها
 رفتی سوي تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش
 در شام تار طرز صدایش نخواند است
 اما
 زلفان تار دختر شب
 روی ماه را
 در چنبر طلسم سیاه کشید است
 اری !
 شاید که زنده کسی
 يك انتظار دخت شب خوابدید ما ست

حمید مهرورز

برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو
 آه ای خدای من!
 چون شاخه های خشک درختان
 در آستان درگه * تو با کمال عجز
 از فرط یک نیاز
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است
 دستم تعی مدار
 آه ای خدای من!
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست
 و اینسان غمین مدار
 هرگز رواندار خدایا که قلب من
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه
 هرگز رواندار خدایا که چشم من
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه
 مرضیه عدیل

شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها
 بوی تراب کلبه ای من می بیاورد
 من، لوح خاطرم:
 با قاف قامت تو،
 دل انگیزی کنم
 با یاد پادشاه تو،
 شهبازی کنم
 محبتی "سوزن"

لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی
 میگی خود د نه هدا روکی ناخسی
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا
 کلی گی نه شته دی بیوجه لیونی
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی
 کله کوی جاته سجده لیونی
 زهیز به کوریه لبی پلی وی لا
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

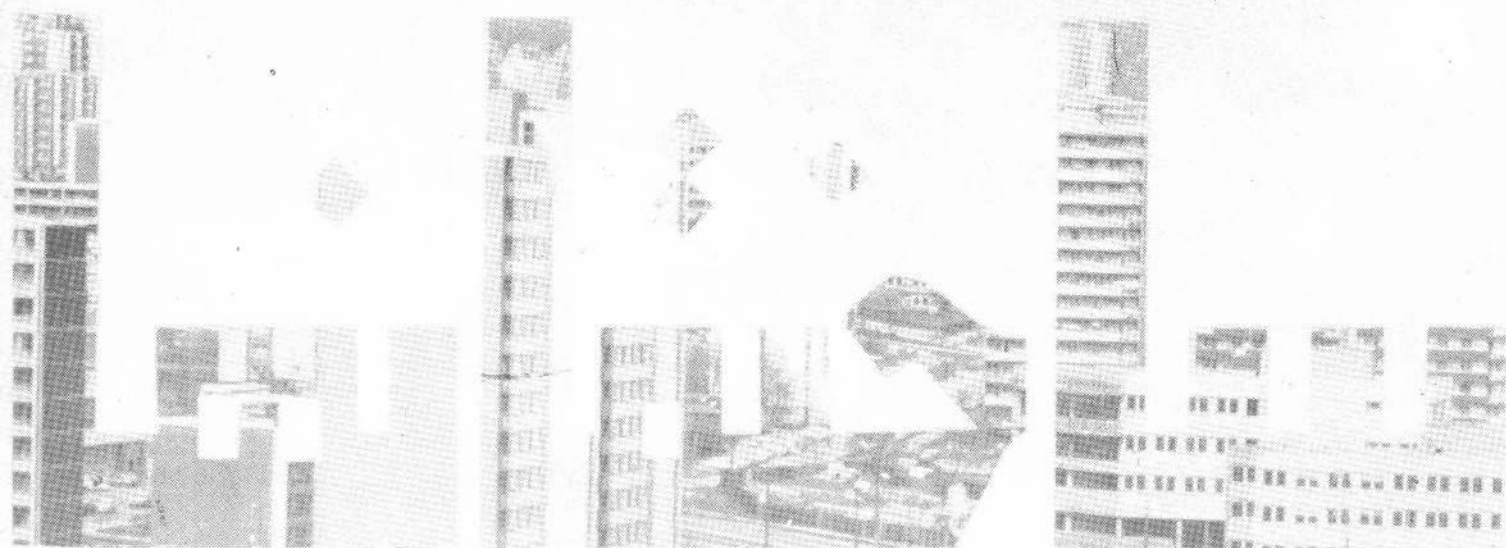
السمعیل

شبنم پاک سحر

واضح باز میانند
 نشان شیخ اندامت
 به دیوار دل پادم
 که می آیی به سوری من
 به دیت ابروی صفا
 و یاد ستان البرزانی
 خدایا، نه، چرا سر زان
 که شیخ است این که میگرد
 نه دستان سید مریم تو
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم
 مثال شبنم پاک سحر گاهم
 در آغوش نرمانوسم
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران
 به رویت باز میگرد
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

بهار و یار

یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 درختان شکوفه یار
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار
 من با ادب بوسه بچشم زلف او
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار
 وانگه بجام چشم اوستای من بنیاد
 یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 (لومان) تویی خنار
 ارسالی: محمد طیب (لومان)

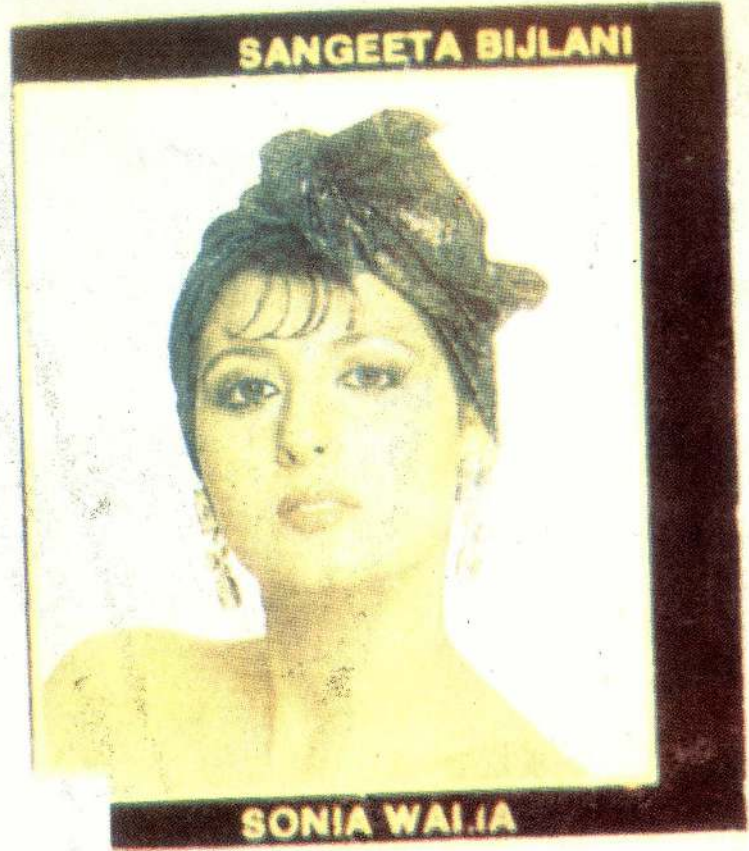


سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سرسبه
فلك كشيده درجهان آنقدر نهاد
نمست • مزارع آسمان خورش از-
همان آفازمورد تعجب و حیرت مدی
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری
نشاندهنده اوج ترقی تختک
دین هیا آن مرحله تاریخ است •
در آفاز چنین مزارع یک چیز
کامله لوکس حساب میرفت و ملتی که
آنها بنا نهاد ، بود به آن افتخار میکرد
ولی امروز مزارع آسمان خورش نظر
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل
اعمار چنین مزارع سرسبه فلك كشيده
میشود •

تا امروز با برج ایفل پیاده شناسیم •
این برج طی مغل مجلی بمناسبت
تعیینگاه بین المللی در سال
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و
طراح آن گوستاف ایفل منی شد •
این برج به جز جدا ناپذیر پیاده -
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -
مادل های این برج گایی و اعمار
شده است •
بکار در برج ایفل مدت نهادی -
شکستنده شده ، بالآخره در سال
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما
خراش کوسلر بلدیگ (CHURCH
BUILDING) ک ۳۰۶
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •
مزارع امپایر سیتی بلدیگ
(EMPIRE STATE
BUILDING) این مقام را برای -
نیویارک گونتی کرد ، این ساختمان
بدون آنتن که بالای آن نصب است
اولین برج فولادی با ارتفاع
۳۰۰ متر که مدت نهادی درجهان
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور
در شهر پیاده است که همه ما آنرا

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •
آنقدر زمان دیری نمی گذرد که -
ارتفاع فوق راساختن دوج مرکز
جهانی تجاری (WORLD TRADE
CENTER) ک ۴۱۲ متر -
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -
تهن ساختمان جهان که در شهر
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی
که در شیکاگو واقع است دارای -
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام
SEGRS TOWER یاد میشود •
در طولی ساختمانهای بلند
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار
شدند •
در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی
را برج تلویزیون شهر توکیو ک ۳۳۲
متر داشت به دست آورد • این برج
بقیه در صفحه (۷۴)



SONIA WALIA



از دنیای مود

تجزیه و تحلیل



حرف‌هایی از دومودل معروف

تازمانی که فلم

((خون بھری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تھین امیدوزمانی توام بادلھرہ جاس ۔ برای آتھ قہل ازاین فلم ، درنلم های ((تیرئ - شھرین)) و ((آگوشن)) نیزظاھر شدولی شمئ ازکار خود نگرفته بود ۔

وقتی اورادرد ((پانسوتی)) که زنده گی میکنسد

ملاقات کردم در برابرپوشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بھری مانگ)) برای - ثبوت اھلیت هنری من ، وجہ تعیین کننده یسی داشت)) ۔

ایمعدانھک وقتھ کوتاه ، به دنبالہ حرف هایش افزود :

((خوشحال استم ازاینکه ((راکش روشن)) درنلم خود برایم فرصت کار داد ویا این زمینہ سازی، شناختی بین ماپدید آمدوموقع یافتم تا مردم برای هنرواستعدادم تھمتی قایل شوند وازنمایش فلم به اینسوہ روزی رابہ یاد ندارم کہ زنگ تیلفون به صدا نھاید وازکارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نرتند و برایم تھریک نگھند ۔

عدہ بی راعتھدہ براین است کہ ((راکش روشن))

کارگردان فلم ((خون بھری مانگ)) ازمن به شیوہ نا-

جایزی استفادہ کردہ وکارحوش شنا با لباس های

((سکسی)) مرابہ انظارجلوہ دادہ استولی اقتصاد

من این است کہ اگر درکارحوض شناہ لباس شنا رابہ

تن داشته ام کہ به مقتضای صحنہ فلم است این چه

گناہ کپیوہ است کہ ازان حرف نامی بافتند ؟

آیا تھن یک پھتندہ این است کہ درکارحوض شنا،

دختری با لباس سوراپا مستور جا-ر شود ؟ ایادرمحل -

شناہ پوشیدن لباس شنا ، امرکاملآ طبیعی نھست ؟

اگر کارگردان مراد درکارحوض شنا ، با لباس های

کہ ((سونم)) درنلم ((وچی)) ظاھر شدہ است و ارد

ھکرت بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ

هنری جغای بزرگی بود کہ برمن تحمیل مھشد ۔

درنلم ((آگوشن)) نقش ن یک هنرمند به نام

رسیدہ بی رامتھدہ بودم ، نقش نہایت پرازنوامض

وایدامات بود ولی کارگردان ، مراشیوہ کار را آموخت

ومرا خوب یاری رسانید ۔

درنلم ((تیرئ شھرین)) نقش کوچک داشتہ یک

فلم هنری بود ودر تلویزیون ہم به نمایش گذاشتہ

شد ۔

((سونوالیا)) درنلم های نهادی ، درنقش های

مختلف ظاھر مھشود ، درنلم های ((جین داتا))

و ((مھاسنگرام)) یا ((ادیته پنجولی)) ودرنلم

((نمئری آدمی)) با ((متھن چکروتی)) درنلم

((مستروسنر ۴۲۰)) با ((راج بھر)) همبازی

مھاشد ۔

منافع براین ، یک عدہ ازفلسازان جنسوب

ھندوستان نیز رغایت او رابرای بازی درنلم های

جنوب حاصل کردہ اندکہ وی صھمانہ ومعدہ

ھمکاری به آنها دادہ است ۔

دراین بارہ اوصوف هایی دارد یہ این تحصیل :

((من عجلہ بی ندارم کہ درھن آن بہ اوج شھر

برسم ، برای تسخیر وتھاحرہ این مقام تامل وشکوبایی

فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی درنلم های

هم دلچسپی فراوان ندارم ، ازاینکہ همبازی من

کھست ، بسیار نی اندیشم ۔

برایم بسیار بی تفاوت است کہ درنقش مقابل من

کی قرار دارد ، مثلیکہ قہلا گھتم درنلم ((تیرئ شھر

مین)) در برابر ((مارک نیئر)) ودرنلم ((آگوشن)) مقابل

((اکھرخان)) ودرنلم ((مھادیو)) با ((وتودکننہ))

سائوہہ بازی شدم ۔

من بہ دراست وجرا ت این موضوع راتھید

مھکم کہ بہ هنرمندان نام نهاد ولی نامدار درگز تکیہ

نص نمایم ۔

حائز کہ ((سونوالیا)) دروازہ کاروبار مود را

بستہ ودرنمایش لباس های ، تمھگیرد ، خودش می

نھد :

((موقعیت کھونی حکم میکند کہ بعدازین ، سینما

وھنرنامی مرکز تمام توجھاتم باشدہ نہرا نقش راکہ

درنلم ((آگوشن)) ایذا نمودہ بودم رھصھرفرتہ قناعت

بھنر نبود وھماکہ فلسازان معروف بہ من چشم

امید دوختہ اند لانہ است من ہم تھن های فراوانی

ازخود نشان دھم)) ۔

درخھنر دنیای مود وھنشن ((سونوالیا)) عکس-

العمل خودداینگونه تھازم مھدھد :

((اگر پھشنهادی درمورد نمایش لباس برایم بوسد

ردنی کم مشرولہ براینکہ طھح ونحوہ نمایش قابھل

تاجهان سینما

سونووالیا و سنگیتا بجلانی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا
حم نیک و لوکه از ایشاد بولی ، قابل توجه میباشد))
«سونووالیا» از آنانی که در عیال اوسرف هسان
نیاسا من گویند ، در یو خون داشته میکند :

((نمیدانم چو آمده بی به عزتنامه و دیگرگون من
اعتزاز میباشد ، تردید ندارد که در لسان انگلیسی
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از آنانی
صحیح اردو دهند و هم بهره و فیز کالی دارم ، روی
این اصل توانم نیکم به انتقاد آنانی که عقیده -
ندارند ، اردو را به شیوه آمخته با انگلیسی اداسی
کم یاد میکنند بقاد آمیگ دارم .

اعتزاز میکنم که حضرت ارجهان مود به دنهای
سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادما درست
نیست که میکنند مود را لباس هاتراندند و هنر
ندارند)) .

((سونووالیا)) که از کار روزنامه نگاری حاصل
قام ((دخترهنگ)) پیوسته به ترقیات قابل آمده
میکند : ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند
به استثنای شمول در کارهای هنر سینمایی ، تا آنکه
سوانحار آنها را تمنع دادم و رعایت شان را در این
مورد حاصل کردم)) .

برای اینکه ، دین فرصتیکه من راه خود را در
سینما شخیر میکنم ، آرزو ندارم در محدودده ، نقش های
منفی گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش هسان

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او
با ((وتودکنه)) بجز هاسرید ، در حالیکه از این
رزمه ها کاسته شده است و او به راحتی نفس تازه
میکند ، در این باره تصریحی ندارم این شرح :

((من با ((وتودجی)) در ظلم ((معاذی)) در -
مسئله ((اوق)) صرف بازی بودم ، چون ((وتودجی))
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی
یک سان داشتم ، اینه خا بر اینکه با دیگر تازه کار
بودم ، به حشاک هنرمند تجربه کار و مسوخته ،
شماره خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میرسانید
که از این سلوک انسانی او خبر نگاران بدون در نظر داشت
حقانیت موضوع ، دست به شایعه پراکنی زده سانه
را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند .

این رهداد در حالیکه روی احساس ما ، تأثیر
ناگوار بی جا گذاشت ، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال
همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم .
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و انرا هات بی اساس
که با شایخ بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله
شکوهایی خازر الماده میخواند)) .

سونو والیا میگوید : ((من به خود باور دارم که در سال
های آینده ، به عنوان یک ستاره شناخته شده و
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشند تا
هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد .
بخوانم .

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه
میتواند پول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر
خدمتی را انجام داده نمیتواند . از اینروست که با هر
نوع نقش دلچسبی ندارم و اگر چنین میگردم امروز
در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی
نمی کردم)) .

و اما در مورد ((سنگیتا بجلانی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما ، موفقیت

قیهه رصفحه (۷۸)



سه بانوی تریا: اکنون سخن میگویم

سریال مجید

حافظه اول

تربیتی بی‌مورد

از جدایی من با شاه ایران که در سال ۱۳۵۸ مصادف بود با کودتای ۲۸ مرداد، من به تبعیت از شاه و پادشاهان در تبعید ماندم. در تبعید در شهرهای مختلف اروپا و آمریکا زندگی کردم. در این دوران من شاهد اتفاقات زیادی بودم که در این کتاب به آنها می‌پردازم. این کتاب به زبان ساده و روان نوشته شده و برای همه کسانی که به تاریخ ایران و به خصوص به دوران پهلوی علاقه دارند، مناسب است.

شاه پانزدهم ایران، پسر از شاهان سلسله قاجار، پانزدهمین شاه ایران بود. او در سال ۱۲۵۲ خورشیدی در تهران متولد شد. او در جوانی به همراه پدرش به قزوین تبعید شد. او در سال ۱۲۸۲ خورشیدی به تهران بازگشت و در سال ۱۲۸۴ خورشیدی به تخت پادشاهی نشست. او در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در تهران درگذشت.

خصوصی‌مندی

تربیتی بی‌مورد

از جدایی من با شاه ایران که در سال ۱۳۵۸ مصادف بود با کودتای ۲۸ مرداد، من به تبعیت از شاه و پادشاهان در تبعید ماندم. در این دوران من شاهد اتفاقات زیادی بودم که در این کتاب به آنها می‌پردازم. این کتاب به زبان ساده و روان نوشته شده و برای همه کسانی که به تاریخ ایران و به خصوص به دوران پهلوی علاقه دارند، مناسب است.

تربیتی بی‌مورد

از جدایی من با شاه ایران که در سال ۱۳۵۸ مصادف بود با کودتای ۲۸ مرداد، من به تبعیت از شاه و پادشاهان در تبعید ماندم. در این دوران من شاهد اتفاقات زیادی بودم که در این کتاب به آنها می‌پردازم. این کتاب به زبان ساده و روان نوشته شده و برای همه کسانی که به تاریخ ایران و به خصوص به دوران پهلوی علاقه دارند، مناسب است.

شاه پانزدهم ایران، پسر از شاهان سلسله قاجار، پانزدهمین شاه ایران بود. او در سال ۱۲۵۲ خورشیدی در تهران متولد شد. او در جوانی به همراه پدرش به قزوین تبعید شد. او در سال ۱۲۸۲ خورشیدی به تهران بازگشت و در سال ۱۲۸۴ خورشیدی به تخت پادشاهی نشست. او در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در تهران درگذشت.



چگونه از رضاشاه جدا شدیم؟

تربیتی بی‌مورد

از جدایی من با شاه ایران که در سال ۱۳۵۸ مصادف بود با کودتای ۲۸ مرداد، من به تبعیت از شاه و پادشاهان در تبعید ماندم. در این دوران من شاهد اتفاقات زیادی بودم که در این کتاب به آنها می‌پردازم. این کتاب به زبان ساده و روان نوشته شده و برای همه کسانی که به تاریخ ایران و به خصوص به دوران پهلوی علاقه دارند، مناسب است.

شاه پانزدهم ایران، پسر از شاهان سلسله قاجار، پانزدهمین شاه ایران بود. او در سال ۱۲۵۲ خورشیدی در تهران متولد شد. او در جوانی به همراه پدرش به قزوین تبعید شد. او در سال ۱۲۸۲ خورشیدی به تهران بازگشت و در سال ۱۲۸۴ خورشیدی به تخت پادشاهی نشست. او در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در تهران درگذشت.



برفراز تياتر ويا سينما

خورشيد



به جست
- خورشيد جان عقيد ه شما در
را بطه به داشتن يك سينماي
خوب چيست ؟
- بعد از لحظه بي درنگ افزود
بايد براي يافتن سينماي خوب
اولتر از همه در جستجوي فرهنگ
مليتها بود . در يك فلم نيز بايد
اندیشه بران داشت تا
محتوي از يك تفكر اصيل و فر
هنگ جامعه گذران زندگي مي
نمايم ، ما به داشته باشد .
- ستم شما در بهتر شدن سينماي
افغانی از چه قرار است ؟
- من بعنوان يك فرد درين عرصه
نميخواهم بصورت ديگري تفكر کنم .
فقط تلاش ورزيده ام با نهايست
صميميت و بي الايشي به اجراگر
فتن کرکسي سپرده شده ، روايت -
نظم و دي سيلين - داشتن اخلاق
خجسته و احترام متقابل ستم خود
زاتاهمين اکنون با صداقت تمام ادا
نمايم .
- ميخواهم بدانم کارکرد هاي
سينمايي شما از کد ام فلم و
چگونه آغاز شد ؟
- من با پيشينه کار را دي
ام با علاقه مندي که در
بقيه در صفحه (11)

- سينما يك شاخه با اهميت فر
هنگ بشمار ميرود ، دست يازيدن
بدان جرات ميخواهد و ايشان
جلاليش جنين بيگريه زيبا و انساني
منحصر به ذكور نيست بكون طبق
حکم زمان ، اناك جامعه ما
مي تواند در رشد و پيشرفت اين
بديده والا از اهميت با ارزشي
برخوردار باشند .
- اگر همانند همه زنانك كه
به سلام اين بيگريه رجوع كردند
و بعد بلاد رنگ و دواع كردند چي ؟
- شما مي دانيد كه جامعه ما يك
جامعه عقب مانده و رويه انكشاف
است و از چنانسي بديده سينماي
ما تا هنوز نتوانسته هويت ملي
خود را كسب نمايد و استند هداي
كه بنا بر تخيلات واهي گرا يانه و يا
مكن اشكالات ناشي از تعصب و
ريا ، باي خود را از عرصه تعاليت
باز مي دازند . ولي من پسند ان
مي انديشم كه نبايد عقب گرا بود
و سوي سايه رفت ، سايه بيگريه
سپوش به تاريخي و لغزنده گسي
مي انجامد . چرا ، خرد مندانه
به سوي خورشيد گام ، بگام پيش
نرفت و از خورشيد بيگريه اشعه
برفروزش همگاني است ، سود

اين بار در رابطه به ويژگي
هاي هنر و شناخت بهتر هنر
مندان سينماي افغانی ، با ي
صحبت هنرمند مجرب و مستعالي
كه پيشينه کارکرد هاي ايشان امواج
راديو آغاز و در زمره نخستين
اکتريس هاي (هنر پيشه گان) تياتر
سينما - تلويزيون باد رخشا
چشمگير جا گرفت و در آثار راديو ،
تياتر ، سينمايي و تلويزيوني موفق
از آزمون بدر آمد و تلاش بيگريه
و علاقه وافر از زمره موفق ترين
چهره هاي سينماي افغانی در
سطح کشور شناخته شد .
نشيم .
اين چهره پر درخشش محترمه
خورشيد است كه دعوت ما را با
علاقه مند ي و محبت پذيرت ايك
توجه عزيز خواننده گان گرانقدر
را به گفت و شنود اين هنرمند
معتوف مي دارم .
- ميخواهم نخستين سوالها
چنين طرح کنم :
- در نظر شما موجود
ديت اناك در بيگريه
سينمايي نو پيا خواسته
ما ، از چه اهميتي
برخوردار خواهد بود ؟

همپينكه اثری از خود به جا ميگذارم براي ما افتخار است
استعداد ده ها بايد به وقوع كشف كردند

اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و تقریباً حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و بیماری ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون بنا تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نهالیت خفید میباشد. نهالیت تمام نکبات و مسمومیت ها را از بین می برد. بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکویز ساتیوا می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل الميلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی خفید در سراسر جهان کاشته میشود و از آن استفاده میکنند.

ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً خدار نهاد منرال هاست. تحلیل این سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۰.۴) فیصد پروتئین، (۰.۱) فیصد کربوهیدرات، (۰.۲) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار منرال ها و مینرال های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فسفر (۲۰) ملی گرام فیصد، آهن (۰.۱) ملی گرام فیصد، نیاسین (۰.۲) ملی گرام فیصد، پتاسیم (۰.۲) ملی گرام فیصد، کلسیم (۰.۲) ملی گرام فیصد میباشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، منگنیکان، کلرین و آهن است.

خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۰.۵) (۶۴) فیصد منرال های القلی ساز و (۳۰.۹) فیصد منرال های اسید ساز میباشد. از اینجاست که خاصیت معالجه و درمانی این سبزی را در کربد بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادویه آوری طبیعی بوده که در معده و جگر را بهبود می بخشد.

نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قوی است. کمانه که به قبضیت دچار اند می توانند با خوردن روزی دو عدد بادرنگ از فوائد آن مستفید شوند.

اختلالات معده ای :

صاف بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخمهای معده و

باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی خفید است. در چین مواردی هر دو صفت به هم دیده اند (۴) تا (۶) اونس آن تجویز میشود. از اینکه بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صاف آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید و را خفلی زود بر طرف میکند.

بیماری های رایج :

صاف بادرنگ همراه با صاف

هنگامیکه با شوره لکه مخلوط شود بوی شکستادن و بوی ساختن سنگ در مجاری ادرار و تقویت اسید ادرار خفید است.

باید که با آب تازه تازگی مخلوط شده به مقدار یک یا دو اونس هیک ساعت بعد از بوی خفلی خفلی بوی رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسویب میگردد. این صاف مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اسهال بیماری کولرا مثل گردیده، حفظ میکند.

جوش ها و داده های روی جلد :

صاف بادرنگ در پوست خفلی ساختن جوش ها و داده های روی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صاف های زودک و کاه را با صاف به صاف بادرنگ مخلوط کرده، اضافه کردن مقدار کم صاف، شکر در بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر میسازد.

بادرنگ بخانه داده حفظ زیبایی

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵) تا (۲۰) دقیقه قوی خوب برای پوست صورت است. بخاطر استفاده از صاف آن با صاف تازه بادرنگ که با آب تازه تازگی مخلوط شده به مقدار یک یا دو اونس هیک ساعت بعد از بوی خفلی خفلی بوی رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسویب میگردد. این صاف مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اسهال بیماری کولرا مثل گردیده، حفظ میکند.

جوش ها و داده های روی جلد : صاف بادرنگ در پوست خفلی ساختن جوش ها و داده های روی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صاف های زودک و کاه را با صاف به صاف بادرنگ مخلوط کرده، اضافه کردن مقدار کم صاف، شکر در بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر میسازد.

صاف بادرنگ در پوست خفلی ساختن جوش ها و داده های روی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صاف های زودک و کاه را با صاف به صاف بادرنگ مخلوط کرده، اضافه کردن مقدار کم صاف، شکر در بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر میسازد.



خورشید بر فراز

بقیه از صفحه (۵۹) زمستانه تمثیل داشتیم در سال ۳۰۰ راه موسسه آریانا فلم راد ریش گرفتیم و با آشنا سحر انجنیر لطیف محترم عباس شیان، محترم نوربالی شفق در فلم های چون: سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ، مزه سبز، مرد هار و قول اس، گام های استوار، فرجام، صبور، سر باز، فرار، گناه، برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشتیم و داشته های تلویزیونی ام میارند از: فلم هنری کفر، نوای تشلیق زن عروس، دلبره لور، شمع زن، دهکده، من و شما، پستانها و تیاتر تلویزیونی: غم مانی، زهره و عید الله، امضا، وزیر زن، زمین، مرگ المازوف، آدمهای عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر...

دخوان اتل) در آنگه به انتظار به تال کی کینی ده هغه در آنگه لاریخاری اوبه گزار کرارحان زنگوی خوله بده مرغه چی به تال کی چی خوب روی او همداسی ویده بانی کیزی. داهم اسطوره ده چی دسرلی طلسمی به جادوی خوب خوبولی کوی ده. نوروز خوان راحی اوتیزیری به باغونو او راغونوکی او گلزارونو. دسرلی دگلونو ناوتیزیری ته خان رموی. خونوروزی بی بی خوارکی چی کله سترکی برانیزی. کوری چی ددی له بی بروایسی خنجه بی یارد نوروز نیزی و کسی لویدلی دی. دغه حال نه نس زغملائی. دلیونوب خیره بری راحی او خان له تال خنجه اجوی. که چیری به اوبوکی لویده نوهغه کال مسوزاد برکتونو کال ویا و که چیری بی به وجه کی رلویده هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال وی. د همدغی فولکلوریک کیسی برینستی هیله من یوچی سز کال به اوبوکی لویدلی وی خوز نس کال موز ته برکتونه اوسوگالی د رالی کری.

دنوروزیه

د (۱۹) بخ پاتی نوبه عی. اورد نوروز سندی و ایسی دچی: خاوند به بیاد دسرلی کس له وجه د اگد لونگو بوی راحینه دسرلی به ریحوراشه چی تورکری د رته کیزی و غورویه خوانان هم به دغه و ریخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توستک را خلی. تا کلیومیله خایونوتسه عی. اتیونه کوی، بنی ولی او. سلنگی وهی چی دنومور ولوبو اتل ته د کلی د سبب زیری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپورکی حیوانی بیغلی خیلونامزاد شویمو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی اوتوتسه هغوته ورکوی)) د هزاره سیمه کی برعمومی دود و نورسیرول خانگری دودو ته هم ترسترکوزی به دی باب د هزاره ملیت یونن و ایسی

گاهی اندیشیده اید که تارک دنیا شد؟ چرا این کار را بکنم؟ خوش ندارم هنگام بریاگر ربه میخواهم که سوگند تقدس بدارم. اما میخواهم زنی باشم که با خدا و هم عاشق باشم. من در کدام شهر واقعا میخواهم صورت ترا بنگد آرند؟ در ریهایی سپری کردن موسم در نقاط مختلف جهان است. یکماه در بهشت، یکماه در لندن سپس در سوس، در استرادم، سندی و هاتانگی. فکر کنم با هوا بمانم از جایی بجای دیگری همواره در حرکت بودن با چیزهای دیدنی و شگفتی برخوردار نهاد خوش آیند باشد، به هر حال، بهی راهان دوست دارم، شهر دلپذیری است در دنیا انسان با وجود انبوه رقبا احساس دلپایسی نمیکند. البته یگانه چیزی که مرا در اینجا می آزارد توارد داشتن نوروز در زاده باشندگان صارات هموار است، که ناگه هم صافز پرده های با تمام راهشده گشده نگذارم.

بقیه از صفحه (۱۲) رسیده باشد در غم آن شکلات نهادی مایه خواهد کردید، به هر صفت تاردوانن مناسب نمیشود. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلانته نیست. من به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟ چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد میتواند ابعاد گسترده تری از سکی داشته باشد. من در فضا شغور چهره بی صاف مردی گیر میاید، چه راست کرد؟ ج. واهله، دیوانه خواهم شد مخصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پوت همک تا از آنجا فرار کنم ولو بدنام شاکها زنده بلمع می کند. من شما در نگاه انسان خفلی معصوم و پاک جلوه میکنید، آیا

مرد ها را خواستند

40 مینرنا

آیا فحاشیهای فیزیکی خصوصاً زنده گی زنانه را اصله میزنانه

جهنیکولوژی خاخر نشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی راجحاً یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرا بلعهای سی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجی مترود بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گی اولین علامه حمل است . ولی کریستیانسین قبلاً نیز عادت دانت که بعضاً قاعده کی این بس تعویق بیافتد .

میانمسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها کسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه ایستروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را با خود دارد .)

برای آنکه سطح ایستروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلات شان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یا سبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها حاکی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه کی زنان نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله گی و خطرات - نریسهای فیزیکی رایی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در این زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مرد ها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصاً زنانی که زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله گی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

نیمه آدم نیمه حیوان

اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان را به خود مشغول ساخت و به متابعتی بدون جواب و سرگنج کند مای باقی ماند.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرتیوانزد یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود. شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند. تغییر چهره میدهد. با تمام این یاها و وقتیکه حرکت میکند سرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تویا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند. زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اودیپ معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعد از یاد و باوا از طرف شب به اسباب قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد. به پایان میافتد.

اودیپ مورد نوازش قرار میگردد و یوه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در بید این موجود اسرارآمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سگد و سوز اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گله های یونان باستان تصویر گردیده با برنده آن اودیپ بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره بدیترانه آمد. زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تیا قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون جا داشت زن است با تنه از شیر، باقیافه زن و دارای با

لها و ابوالهول مصری بال ندارد و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانیس و پیش نمایا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاهی پیوند مییابد. در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر لب داخل اهرام که بنام خود شرمسی است بفرشد. حالا حیوان شاهی مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نوزدهم بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیبنیم که در اول بود. ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان برسد. های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعدا

نه شیر در مصر قیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی دروازه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات، غمناک حکمت مند همی در تشریفات نیز از آن استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزار هانوس اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نموده که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. صد هاسال بعد در سوپوتا میسا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت دنیا قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعد از او دیپ معمار رسید تا که در آینده خود ش به یک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

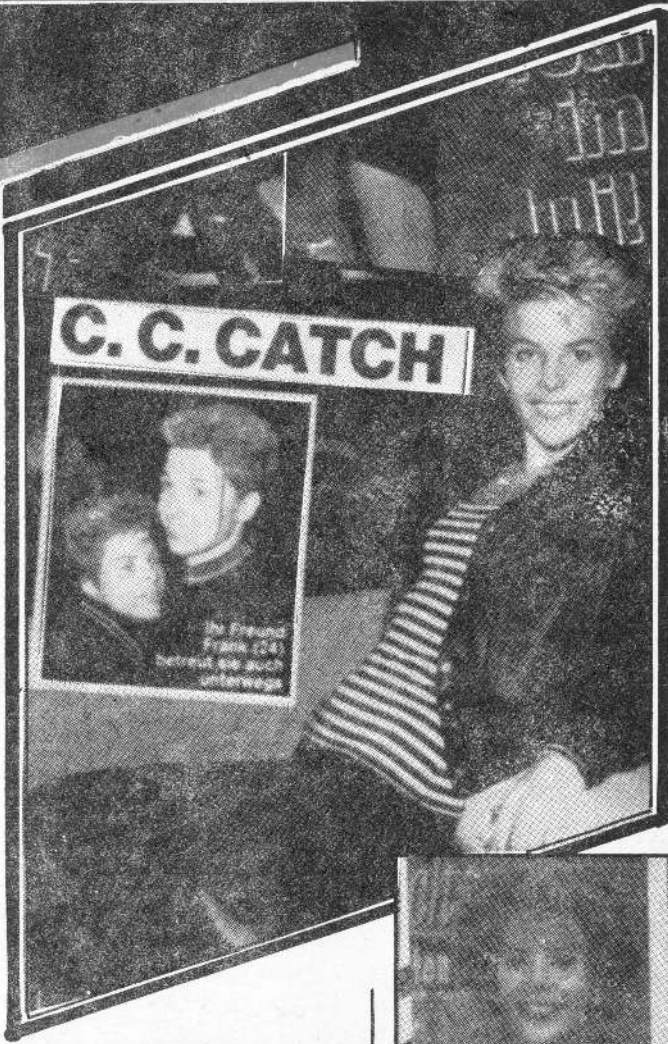
ملک جهانی که بزرگ می‌شود

«من می‌دانم قلب خود را قدرتمانیم»
آهنگ تازه بی‌ازسی سی تیج

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیتز بولن از برود یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و همیشه در سفرهای هنری اشتراک مینماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه مینماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش میرسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت مینمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسران آلمان دیتز بولن تعجب مینماید. تودرن تلاکنگ یکی از برود یوسران آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر غنای آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می آورد ستایش و استقبال گسترده می‌آید. شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیتز بولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می آید. با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است ((در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور مینماید که تصور و بینش آن مشکل است)) در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روزه تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد. تاننا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری امرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



مینمایم

در یک شب مقبول بچیت هنرمند د یسکو تبارز مینماید. خواندن زیبایش با همون میتوانم قلب خود را قدرتمانیم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نموده بچیت د یسکو زوگرم در تمام اروپا شهرت یافت نمود ریک نمایش تلو- یزیونی که د یسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه د یسکوی ای خود شهرت بسزایا کسب نمود. این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته فعاله در آلمان غرب زنده گی دارد، رنگ دوستد اشتیاش سیاه است و برای لباسهایش رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب

د نیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پر تلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی- اش سروده ها و پارچه های رابره میگیرند و آنتی نوس های بیکران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج بخش و نشاط آنزای ره می سپارد. اینک باد ست یازدیدن به جهان موسیقی- گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی میگیرم و هنرمندی رابه نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شما معرفی

لرغونې نوروز او

نوروزي دودونه

د ليمه ليکه



کال له سختيسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زمري په ميواو کي نوموړي - دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نماخل کيزي او تراوسه لا زمري خلگونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي رايه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نماخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي په دي باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سيا مندي - بابرباغ، د سخ او دنيا لگير داينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خيل او پير برتم عمداسي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر بل مالان خواجه سپاران خواجه صفا ريگ روان په خانکر و ميلواو خو سيو سره نماخل کيزي په مزار شريف کي د گل سرخ ميله جي خلويست ورخي روانه وي په دغه ورخ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي جي په گابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عمدغه ورخ پورته کيزي

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملگري جي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نمري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي په گند هارکي د شالمار بابا ولي، جهل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا اوسه ننگر هارکي د ولکي بابا ميلو د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي او نکلکي کالي اتوندي تمبل وهي زيارت ياتي په (٦١)

دغه اوسني تاك ووايموه يي په خپل وار انگورشوه باجاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيد کينه لسو دود پيل کي اوداي په گوته کره جي هرکال بايدغه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي .
 د ((سيزده بدر)) له نيو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي جي هغه به يي دنیکمرغه قال په توگه ياد اووه په ديار - لسمه ورځ جي دنوروز باي وهم لولول تر مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ميلونه به يي وهل زړه وينخوا ويند و په خپل وخت به ندرنو هلنگر نو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولوياندي تياروه بخوانسي نجوني او پيغلي به په دنوروز جو کي به شيلو کي کزيدي په شيلواو سمور کړوند وکي به يي خوښي کولي اود را توکيد ليوشيلو پاني او څانگي به يي دنیکمرغه ښک به نيټ غوټه کولي له لگيد لو او بلو خوا وروڼو څخه به يي په خاښوانو زياراد اگانو توپونه جون کله به يي جي وايه سره غوټه کول د هغو غوټه به يي د خپلي مينی او بلاتي ور عنوان په نامه اېوله دنوروز به د رښل ((سيزده بدر)) کي به دي باندي باور و جي ټوک يي دغه دود نماخي او نه يي ميروي هغه د تياروزار -

لومړي شپي مراسم يي د سندان تيار يي به نيول کيده اووه پوله ميوه به لند يده اووه شين د سترخوان به وغوړيده جي بيل به اووه سين باندي واوښت پير سيره برهڼوبه يي باکي اوسه هم راوړي ياد کال د اوښتون په شيبه کي به جي اوه ونيور يي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه دنه روزبه ورځ به د بزگر ميه هم جوړ يده دغه ورځ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړونده بولسي .
 په دغه باب لرغوني انسانه ده جي وايي : دغه پاچا د ليدني کتنی ورځ درلوده جي دروازه يي د عامواو خاص ورځ پرانيستی وه هوکي پرانستی وه ځکه جي تر شنه آسمان لاندي په ازاده فضا کي دي ليدني کتنی صورت نيوو جي دعاسي ميلي بڼه يي نوره کر پوه د ميلي به خوښواو تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتنی راهيت شواو هغه څه جي يي په مښوکه کي وود باچا په قدمونو کي و اجول او وروڼه يي وغوړول کوم شي جي مارغه راوړي و پوهانو ترخپري لاندي ونيول او د نبات دان يي تشخي کړي باچا حکم وکړ جي دغه دان يي بايد سپين پيري او پوه بزگر په ځمکه کي وکړي د کرلونه ديارلس ورځي وروسته هلته نيالگي را توکيدلي وو جي -

ترکومه خايه جي زمري د خلکو او زمري د بلرونود ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) اود هغه اړوند مراسم زمري په فرهنگ کي د باطرنی وړ لرغونتيا لري ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليز ول شوي او تر زمري پوري رارسيدلي دي د بخوانو اريايانو په زمانو کي به جي کال پاي ته رسیده د کال وروستی چارښبه به يي په برتم سره نماخله دغه چارښبه د سوري چارښبي په نامه سره ياد يده او په هغی کي به يي ميلي کولي ځکه جي داد بسترلي د برتم په درشل کي دنوروز د ميلي پيل و په دغه ورځ به يي اورونه جي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي اوگري يي جي پښي ((مهرگان)) به جشن کي به يي لغلي نه لکول به دغو ورځو کي به يي ماتول داله ژمي او ارامی سره د خداي پاماني ښه و په استور وکي راغلي دي جي له سوري چارښبي څخه ديارلس ورځي وروسته واپه به فارسي ژبه د ((سيزده بدر)) په نامه ياد يزي زرد شتيانود د دود يار لسو زونو پيل د ((اښاد)) او پاي يي د ((پهشتوار)) په نامه ياد اووه اووه دغو ورځو کي به دنوروز ميلي وي له سوري چارښبي څخه وروسته به بيا د کال د

شاید خنده گنید

روزنامه بایین بیاید . دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت
 ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان .
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند . دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی . بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شما را مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



اخبار سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافل میزاشا اخبار که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالص می باشد ، برای این شماره این اخبار را تهیه دیده است :

* در اثر زرد و خوردی که بین احمد خان و برادرش (فرید خان) در اتاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اتاق شکسته و قسمت اعظم فرش و ظرفی که موجود بود از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را زد دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نماخانه انتقال داد و در نخستین روز به تمام معاشین را که بعد از آن ماه عرق ریزی به دست آورد ، بود مصروف نمود ، بلکه چندین هزار افغانی قرضدار شد .
 خبر می افزاید که برادران زد و خورد میکنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاعره شان را نمیدانند .

از تیلیفون نمبر ۴۵۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :
 بیننده گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تمبره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذرت داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد .
 * * *
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ
 - بفرمایید ، تلویزیون است .
 - اوه نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید ؟
 - امر مقامات بود .
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۴۵۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ کانم شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتران فعال خود گفتوگوهایی را بلی را ثبت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰
 - بفرمایید ، اداره ، نشرات تلویزیون است .
 - نشرات تلویزیون است ؟
 - بلی ، بفرمایید .
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .
 - بلی درست است .
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید پوکست در خانه تماشا کرد ، ام و برای فامیل ماکراری می باشد ، امرو می کنم و آن فلم هنری

(لو ستوری) را ناسر کنید .
 - ببخشید ، آخران فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما نندار که آنرا ناسر کنیم .
 خاموش با سر مامورت مستخان نکن .
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من (. . .) استم که امرو کم .
 اوه ببخشید صاحب ، صاحب ، حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ، ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نشیمن



از خود شما

سوال
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟
گفتم: نامردم و جواب نمیدهم.

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی هماپرویز از بونهعی
ژورنالیم ویان برویز از بعه بلخی

((امتحان))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار. خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نفرت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

((در صنف))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشت؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارکرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که: خشمم مثل روزنامه است.
- چگونه زیاد حرف میزند؟
- نه هر روز به خانه ما می آید.

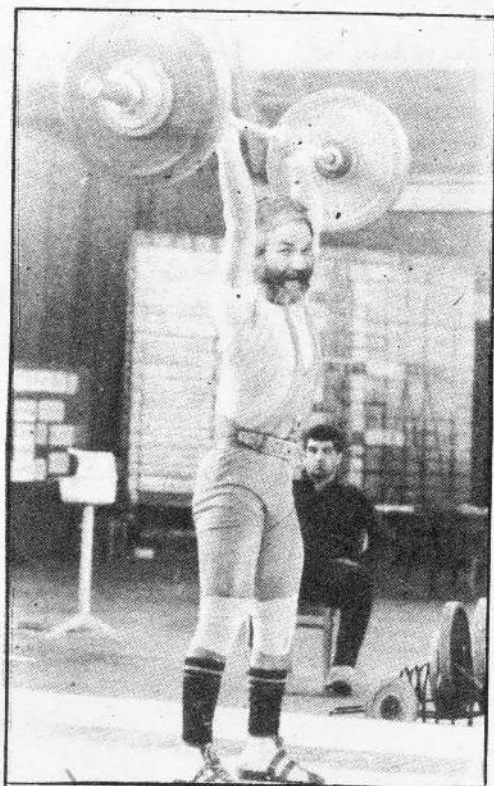
راه حل

رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:
- حالا چطور به رئیس عمومي بگويم که تحويلدار پنج مليون فرانك موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟
معاون: همگام چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.
X لقب نهرمانی را به دست آرند.
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.
X عرمه گردد تا پارهائی از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گي بنالند.
X خاموش باش، معازره مای کوبونی نوشته: جاله

نورانی بوموقع



ملا صتم خوب است

همسایه بپ

د بیوزیک تن از دست پیل است کمترین تم به بداران که نانسند و گاند اران و یگر تا رئیسند با بیب انجسا همکاری نمایند خود را به خانه رسانده، خود پس نمود.
خبرس از یاد نه خبریان کابین از این خود کشی به جانیه موقع تغییر احب سوسوف لبرازخوس و قدر دانی نموده، از روند انامه این سلسله در ریاست بدنه می باشند.

خبرنگار: میرزا شاخسار

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر همسایه بد دارم دیشب تا ساعت ا شب با مشت به دیوار اتاق میگوید! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بختانه نخواهید بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.
ارسالی عطیه

مینیاتوره‌های طلایی

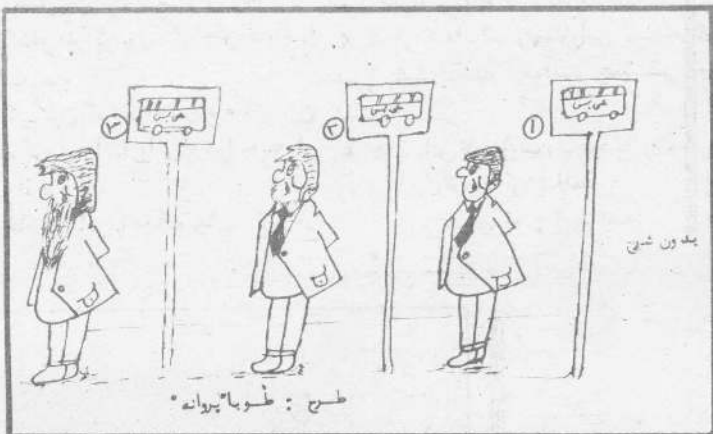
اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .
 به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .
 چیزی که امروز حقیقت است فرد انسانی تخریب پیش نیابد .
 اگر واقعیت ناخوش آیند را بغیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارد .
 بهترین منطق ، منطقی است که بعداً بوجود آید .
 تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .
 به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .
 از تمدن گذشته ، نواری های آینده به وجود می آید .
 زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد ، زیاد گفته شده .
 از اندازه عملی شده .

مادر کلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنود ای بیرون آید .
 خوشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی :
 بیکار : حیوانی که وقت را می خورد عروسی : (عقد) قمار که مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .
 جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .
 دشمنان : مگوری از دوستان که نمیتوانیم خود را از آنها دفاع کنیم .

کارتون



طعم است



نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شو میشمرد .
 یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :
 دوست عزیز در جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلور ، تشین و کلاد استون .
 مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مردند .
 امیل زولانزد ، اکثری رفت ،
 دکتر برید : چه شکایت دارید ؟
 خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .
 دکتر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :
 ای تابلیت ها برای اشتهای تان کف میکنند .
 امیل زولانزد را با ناراضی شورش داد و گفت :
 دکتر صاحب این تابلیت ها برای من کف نمیتواند من اشتهایم را ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .
 محمد سرور خیرنکار که به خاطر تکیه صاحب ، نسبت به دیگران رجعت نیادتوری را مقبول شده بود به آشخرف گفت :
 چند روز پیش مدیر صاحب برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان تشریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجایه اند ؟
 معاون شعبه گلشن را مصاف کرده گفت :
 وله راسته بگویم ، من هم نیامدم که مدیر صاحب کجایه ، مگم دیروز در راه آموا صاحب حلیا داد که ده سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشن .
 محمد سرور که گوی خشکی

بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و ترو صغ فارجه ساخته ای طی مکتوب -
 رسمی از خیرنکاران را دیو و تلونسون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او و جارا امر مربوط مدیر پیش صاحب تعیینند .
 روز موجود فرارسید ، مسئولین تلونزون با هزار جار و سفار ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران تشکیکی رفتی را آماده ساخته آنجا رفتند .
 همین که داخل شعبه شدند به جرات شخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئوسید :
 ای پسر به شعبه خات آمد ؟
 معاون جواب داد :
 ایزه خوب میخام که تنی ، به خاطر که مدیر معادلت نداده وقت که بر آمدن پسر بیایم .
 تمام خیرنکاران و همکاران تشکیکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلونسون حرکت کردند .
 در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :
 اویسه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کردن ، نام کار می کنیم که تازنده استر یا دشان توه ، او هم ای که برشان می گم که روزی کنیه .
 آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخته سیلواز خود مقابلهت نشان نمیدید اما ممکن است حین بالاندن به سرسری ملی بس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رفع خواه شد .
متولدین ماه سنبله :

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تینگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاطر میباید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس انتقاد بدی تان را تقویت میکند .

متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران اکتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .
متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتری بر موقوف خوبی داشته باشید از همین رو با دیدن جالبی به لگن موتسری جمله ورمیشود اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .
متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتسی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن



فالی که طنز نویس دیده است

متولدین ماه حوزا :

ارزوا یینه به خار به دست آوردن کین لیت به سر میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انانسه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .
متولدین ماه سرطان :

شما دم خون خرق استید بوی وگده گیاه کارسری در شما اثری نمیکند ببول صفای را در مواقع معین میبرند از بد بجز واسطه ها واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

متولدین ماه حمل :

امید و ارزو هم وقتیت کوشش از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز میکند در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .
متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متاز به بر خورد صمیمانه دارید خوبست به خاطر رفتن تان وقت تراز خواب برخیزید تا با اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

را انعام میدید مثلا شما قادر استید به اسر وقت از نانوای نزدین خانه تان نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه شمس است .
متولدین ماه جدی :

ناراحتی های که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف سرورت دارید بی فایده است در اینده نه چندان دور انیز خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنوسد زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شده بد دارید .
متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید . کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارا متاثر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پتغادی شده است شما هم مانند مسولین در زمینده معافیت حاصل نمایید .
متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوایی مصروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال تان بیدار میشود ، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوایی بگیرانده ادامه دهند از لیل سعادت

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، در روزی که ماهی آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تان را جمع کنید تا با آنها دم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشیت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونسل تحمینی مسندا تهیه کنید .
برای سرفرازخان بکجید کارهای را که کفتم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی آیم .
معاور گفت : به چشم و حتما برشان هم روز موعود فرارسید اما هیچکس براد صاحب به شعبه سرفرازخان نرفت .

روزی که رسید نصیم همه در حالی که لهخندن بر لب داشتند قبول کردند .
همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت :
معاور صاحب محترم ، از کسه تمیه صاحبیهت شما با اتمه مهم اثر ، بری مدیر صاحب سرفرازخان و امیر شعبات شان بکجهین (لینا یادداشت کجهین) که مارونیک شنبه آینده ساعت (۱۱) می آیم ، مارو بر سرفرازخان و آمرهلس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریف و تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جانر باشد ، بخشهای مختلفه





دوهامې برخه

د راديو-مجلې پسرل
پسې داستان

سرپرست رئيس

نطاق: د راديو جوړېدې پرله
پسې داستان د پروگرام اوږد-
ونکو لوستونکو سلام!
تاسې په تيره گڼه کې ولو -
ستل چې د بېتا توشېنولو د رڼا -
ست رييس د مقاماتو د لزم د پيد -
ياد ناغې يې له کبله برطرف شو.
بې له دې چې بل رييس وټاکل
شې او ياد رڼا ست د کوم مرستيال
د سرپرستي مکتوب راشې. د رڼا -
ست د چوکې د نيولوبه خاطر د
اداري اوښي مرستيال ترمنځ
رقابت او کش وگيرمنځ ته راغې. په
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي
پورې ادارې مرستيال په چوکې
پورې نېستې و. خو کله چې د -
پنځو دقيقو له پاره له چوکې پورته
کيزې اوډ باندې وځي. نوښي
مرستيال د رڼا ست په چوکې پښه
پاتې (۱۰) مخ ته



نانوای

دغه مهم اوحياتي لغت په
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -
ضیح او تشریح شوي دي:
(نان)) د ډوډي او -
(واي)) د واخ مانا لري.
يانې کله چې خوک د پښار په
نانوایانو کې په پنځو ډوډي پيسې
(واخ)) چيغې ووهي او هغه
هم په لاس ورته ورنه شي.

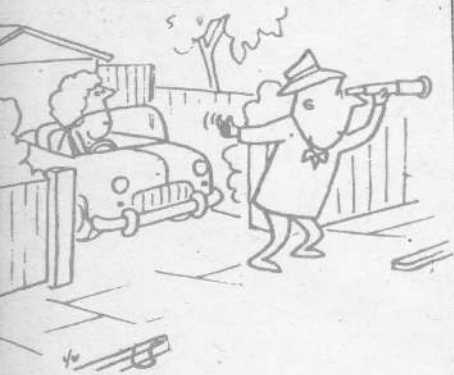
غور خوره . غوري وايه . خو په
غور وڼه تير وځه!



علمي تخييلونه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غروموي د ښوونځي په دوران
کې د ناپيژندنې دوران حالت د بېولوژي په کتاب کې ترسترگو
شوي دي. خود لته د ناپيژندنې پر مخ کې د پوي بلي ډيري مهمې
اوحياتې مادې د دوران په باب غږيزو. دغه مهمه اوحياتې
ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډوډي دي چې هره ورځ
په زموږ ښاريان په دوران کې ډول دخولي اوږي له لاري سزاو
کولمونه ننه باسي. اوډالري ترهغه روانه ده چې خود پښار
په واټونو کې دخټو او ډوډو دغه حال وي.
له دې خبرې سره داخبره يې لا پراخه په ثبوت رسپيزي
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه په بل حالت بدليزي او خپلي
بقا ته دوام ورکوي.
راغې چې په دې باب په خپله دغه دوران حالت ته
ورنښوئو:

نردی لیدونتی هییره او د سنخی و ریوری



دیو اگانو غوبنتلیک

د راپیو، تلویزیون، و راجیا سو،
مجلو او جرید و محترم موسولینو!
غره ریخ وینواو اوو سی سسه
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو
او حیوانانو له باره څانګړي خبرونې
خپریږي او هم به مجلوماتوکس
دغه ډول ګلیشې ترسترګو کړي.
خود بوډاګانو خبرونه تراوسه نشه
چالیدلی، نه یی اوریدلی او نه
یی هم لوستلی ده. ایا بوډاګان
غوز ونه نه لري، زه ونه نه لري،
اوستری نه لري یی خوب یس
د دې ډول خبرونو تمه خوري،
د ایه موسور او ریډلی وي چی:
زاره به خواږه، مرګه یی د یی-
سار، خواږه د امانانه لري چی
سړی به مړه کیده، لیتی یا اوکوره
و خوري، بلکی روحی خور و نه چی
د خولی به څنای د سترګو او غوزونو
له لاری کولموته ننوخی هم اړ تیا
ده. هیله کړی چی د دنیس
اړ تیا به پام کی نیولوسوه (د بو-
ډاګانو نړی) ایه نوم خبرونه به
خپلو خبرونوکی وریاته کړی.
ستاس اجزا توت غوز اوستری
به لاریو.

بریالی اوس

کاکا سفندرد بوډاګانو د تولنی
سرسرست

وکل شو!

د بوډاګانو دغه غوښتنه به څنای
ده اوله عمدی شیبی وروسته به
د بدجاره هنی هنیوال د بوډاګانو
د نړی به نیم یوه ټوکرې به هنی
کی وریاته کړی.

ګندنه

زه مجنون د ګندنی م، ګندنه زما لیلاد ه
به لاسونه راغی ملګرو، کبرجنه بی وفاد ه
اوس بی مینه بازاری ده، له پتی تللی د ګان ته
به مفلس مین شرمیز ی، ښکته ماغنی اجداده
د مهران مودی اوز د ی شوی، د وصال په طمعه طمعه
زه د یواښتک به هیله، تیرم میاشتی ګندنه
داله څمکی نه عواته، پورته شوی به هوا ده
لاهم ورځ به ورځ جکیزی، یو غیران رانیتنه شوه
د نړخونو په سیالی کی، ګله ګله له (پامپا) ده
به مړه کیده، عینکله، ماونه خور، به مینه
د اچی ورکه ده له مانه، نوله ماورکه د تیا ده
که یی نړخ راکښته نه شی، د خوراک عیله یی به کړه
ای مفلسه حیبت ته کوره، ګله خوراک ګی اشتهیا
بخوانی مینی اوسنه شته، زه د ی عیله یاری کړه
اول نړخ کوره بازاری، ګندنه یی مینی ته سودا ده
غسی نه چی لیونی شی، به کونوبه بازارونو
غده به لاس درله درنه شی، د ابله تما شان ده
نورته افریاد ونه کړی، زه مړه کیده، صبر ګندنه
ای مفلس ګندنه خوره، د ازما درته وینا ده



میږز له میږسره څخه خپلوی لری؟

میږخوتول بیږنی چی د دفتر
به کوچ کی به څلور پینو ارام
ولار وی اوبه رمسی وخت کسی
میږزایان ورباندی خپل سرز دی
اویده کیزی.
راعی وګورچی میږز اڅه ته
وایس: میږز له دوه برخو
(میر-زا) څخه جوړ شوی دی
چی دوه لاسونه، دوه پښی،
دوه سترگی اودوه غوزونه لری.
اوس که (میر)، (میر) او
(زا) د وار په سره یوځای کړو
نوبه پتو سترګو ویلاي شو چی:
میږز اڅه (میر) دی چی له
(میر) څخه زیږیدلی دی.
(خبرکی)



دیو اگانو نړی

یوه اوږد پخوانی ګره ده
پوډی ګاسی ته باغی و اړه
پوډی یی خور له
دوی د وار و نه خوله شخوند
راهه اوبه سترګوکی اوسکی توپلی
یوس چی ددی عجیبی بیبی ته
هت پت پاتی و له بوډا اڅخه و-
پوستل
- کاکا خانه (ولی زار ی)
- بچیه بوښته نه کوه... نه پامه
خوله کی غاښونه نه شته اوسه
پوډی شخوندنه شم وهلا یی.
خودغه پخوانی چی غاښونه لری
توله پوډی یی راغی رڅوړه
پخوانی چی خوله یی له پوډی
پکه وه، به پک ستونی پسر ی
ا و دانګل:

د روغ وای وروزه! زه چی غا-
ښونه لرم، نوبه پوډی شخوند
وهم لږ دم یی، خودغه بوډا اڅ-
ښونه نه لری او پوډی ژوند یی
ژوند یی تیوی.

یوشن میږز ته لار خو خپل بوډا
پلار ته لیک ورباندی ولیکی، میږز
دغه وویل:
میږز- ته وروزه! پلار ته دی په
لیک کی څه ولیکم.
سړی- سلام... ګرانه پلار...
میږز- ولی چیغی وهی؟
سړی- ددی لپاره چی بوډا-
پلار یی په غوزونو کړی دی او
ورخبره نه اوری.



علی مشتری سفر پر ماجرای رابه دنبال عشق خود از سرگذشتانند

مجموعه شعرهای علی مشتری

خواننده گان عزیزان در شماره های قلمی مجله باغ رشک با سفر
علی مشتری را دنبال حشمتی در هیاللا به غنای خوانندگی اینک پیش
بهری این همه را برانید

شب فصل بهار و ماهتاب است
نغم باغ رشک مشک تاب است
شگوفه دامن افشاده به گلشن
زخون لاله شاخ گل خضاب است
بدیده تان ((ماه در بسا لا))
ز خجلت ماه تابان در حجاب است
نغم آهسته تبرنگ رزگوش
که ((منازجهان)) من بخواب است
درین فصل بهارای گلشن نساز
زهجرت مشتری اندر عذاب است
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود
بیوگرافی مدهو بالا را بطور مکمل تحت عنوان هللی
مشتری ومد هو بالا بدست نشر سیرده که چند
صفحه از آن مجله بصرف ووزین را گرفته است
جریده انیس هم زیر عنوان ((علی مشتری رایشنا -
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده
و عشق عصری قرن بیست وموضوع مدهو بالا تشریح
یحات مفصل داده وهم چنین موضوع روز را اطلا
جمعی افغانستان بود واکثر روزنامه ها و جراید
درین باره مضامین و اشعاری بدست نشر
صی سیرده که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگشته واکثر آنها فراموش گردیده اند
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنری
فلسی وادبی بود در وقت و زمان خود شهرت خوبی
داشته، صاحب و راپور تازی مفصل و نظریات خویش
را بدست نشر سیرده و عکس هائیکه مدهو بالا در آن
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود
وهم چنین عکس های از من در مجله ننداره به
چاپ رسیده

واین است راپور تازیکه در شماره دوم سال دوم
مجله ننداره که مدبرمسوول آن محترم شفیع رهگذر
بودند - نشر گردیده، یک قسمت آن بحضور
خواننده گان گرامی سپاروین، زیلا، تقدیم میشود

((یک راپور تاز و دلچسپ خواندنی
گفتوایی با علی مشتری))

((عشق))، امید ((و آرزو))، سه کله خوش
آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهراهنه و بالاخره
سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز
دن می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسا خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نغم
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است، گاهی در
صحاری خشک وریگه بیابان رگه با پای برهنه
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را در دی
وشت پای او را گردی نصب نموده است
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت
داده اند که اگر غلط نیست، عجیب ضرور است
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای اوسر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بوشق نفرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری را دو - سال تمام از یاد او دیار بر برد و جای او را در محافل ادبی و هنری و محفل انس دوستان خالص ماند، داستان اینکه وی در راه یار غربت چها کشید، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگز برای خوانندگان مجله دوستداران مشتری، موضوع معتنا و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که - مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو امثال تو بپسند جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فلی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فلی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما تو را شناسند و دیدار سنتن ما جرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم. س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم. س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟ ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند. دارویی بنیابی یعقوب را یوسف کشد. س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دروسال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی ستیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر - مندان را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم. س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مفسل و هوش رنده بدیده بازماندی یک انسا یکلوبیدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخش هستند و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، یلراج سعانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهو بالا، نس، وی - جنتی مالا، نلقی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم.

س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تاجیزی درین نباشد مردم از آن چیز هائی سازند، محبت و علاقه من به مدهو بالا یک - بقه چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت ستم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و توانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهو بالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله ستم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هائیکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهو بالا و اهل خان بد را و بجای سپرده اند چاک از اینک - مدهو بالا به ازدواج با توبی میل نموده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انبوهاتی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهو بالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو بخلاف

مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محب است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با اهل و اواله خان نیز در استان دور و درازی دارد ولی مختصراً همان است که جریده آرزو و بگر جراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیریم.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میگویم نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبای طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مدهو بالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیز هائیکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیاد بی اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟ س: مثلاً میگویند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هندی بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت
 ((ا)) گرم
 هفته گذشته ماره سرگردان
 ساختن ، ما آمدیم شمانودین ،
 خیالی دیدیم که چلو تصد خوده
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر
 صاحب صرف ساختیم ، آخر
 هم دیروز نامدم
 سرفرازان که این حرف ها را
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی
 کرده گت :
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم
 نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۲
 شوهر من فلمدارک در من
 حال به حث بدبختی نگاران -
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک
 روز بعد گویی را برداشته سزای
 سرفرازان که همان روز در شب
 بود تلخون کرده گت :

بقیه از صفحه (۷)

مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به
 تد اوی شرط اول تد اوی است .
 برای تد اوی معتادین باید برنامه
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه
 های توانموتش باشد . برعکس
 فلم های تشویق کننده یک
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید
 خانواده ها و استادان مکاتب
 و همروسه زیرط سم بگیرند
 یعنی منظور این است که اولاً
 برنامه و قایون داشته باشم
 نه معالجوی . بسیاری از صاحبین
 می توانند داخل پسترس شوند
 اغلباً دیده شده که انهمالاز
 طریق همبره های سابقه به مواد
 مخدره کشانیده شده اند .
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی
 اجباری این انفراد مفید نیست
 معلوم کردن معتادین هم چندان

لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)

نمایشنامه ((اودن نیست))
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون
 و رادیویی نشانهای داشته ام
 - لیزارجان کونکه به آرزوی تان
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام
 است ؟
 - فلم جدید اینکه من در آن
 نقش برارنده ام ، ((سفر))
 نام دارد به کارگردانی سعید
 ورکزی وهم اولین بار است که
 رضایت کارگردان را جلب
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من



باز رایت و هوشیاری با سح
 داد :
 - از هنر ، هنر زنده گی کردن
 را موختم ، نه تنها به درسهایم
 میروم بلکه در منزل با مسادین
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تحصیلات
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش.
 - ما شما این بیروزی را قبلاً
 تیریک میگویم .

آنرا اجرا میکریم نهایت خوش
 آمده بود و از سوزنی شرح و کسار
 دقیق کارگردان و اعضای یونت
 فلمبرداری ماسپ شد که من
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده
 شده قرار گیرم .
 - قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -
 پیشه گی تان ادامه خواهید
 داد یا چطور ؟

به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه
 موسیقی را دایرکت کرده ام .
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟
 - شاید در حدود دوصد پارچه بوده باشد .
 - پس در بخش دایرکت باید تحصیلات همه جانبه داشته
 باشید میشود از تحصیلات ثان بیوس ؟
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف
 تحصیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک
 کورس ماهه را تمقیب کرده ام .
 - در بخش دایرکت بن ویا مردم کدام یک مؤفق تراست ؟
 - به نظر من زن مؤفق تراست .
 - چرا ؟
 - زیرا که زن میتواند بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش
 دقیق تر باشد .
 - میخواست بیوس دایرکت آهنگهای استاد هوشی بوشو
 وسما ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده
 با فضای که خواننده در آن قرار دارد هم آهنگی تلم دارند ؟
 - کار من است .
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟
 - فعلاً در خانه .
 - چرا ؟
 - مشکلات دارم .
 - در نظای مؤفق تراستید ویا در دیکله اشعار ؟
 - فکر میکنم شعر را خوبتر میخوانم .
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟
 - بل در فنشوال و در گاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟
 - پروگرام زن و جامعه را .
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش
 می بردید ؟
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون
 بودم .

آیاتصادم زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد ؟
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول -
 ساندرف) از وی چنین سوال
 کرد : چگونه میتوان زمین را از
 تصادم و آرهانید در صورت تیکه -
 هشت ماه به تاین وقوع این
 تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود
 راکت های دوگلوله ای را غرض
 انفجار ستاره به خاطر تغییر
 میرای سیمون بکار برد ؟
 بعداً ساندرف اظهار داشت :

دفع گردید که در نتیجه چهره عالم
 تغییر یافت ، زمین لوزه ها ، انفجار
 در که های بزرگ و تواننا به وقوع
 پیوست ، طبقات غبار سنگ های -
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و آن
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و -
 حبابی در برابر اشعه آنتاب -
 گردید . درین میان به اثر توقف
 ترکیب نور هزاران هزار موجود
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره
 های کاملاً حقیقی به شمار
 می آید لیکن میتوان آنرا کاملاً
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد
 (شویسکر) ستاره ای که قوت -
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد
 امکان تصادمش در خلال صد هزار
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که
 متادل تو انفجارش فقط یک مگاتن
 باشد امکان دارد بعد از هرس سال
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات
 دور دست سالیپها جسم طمعی با
 طاقت انفجار هایدروجنی دوازده
 مگاتن عبور کرد این حادثه سبب
 تولید امواج زلزله در منطقه
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور
 انداخته شدند ، غبار و تند بساد
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .
 از همان وقت تا امروز از طلا در ساره
 سبب این انفجار و شش . ناسجه
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم
 مذکور رأس متلاش شده . مذکور
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره مخبره
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با
 این سوال مواجه اند آیا در صورت

ستاره های پرواز کنند :
 مای بیهم بعضی از زمین
 شناسان را که این کار را نهاد
 موجب اظهار نسی دانند

ساختمان ها

سریر

آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

به مناسبت بازهای المپان توکو
 امارشاد . چنمین زلزله را از سر
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۲ این
 یکبار به سکونت انتقال یافت . دهن
 شهر اتن تلخون استانکون -
 بالارفع ۵۴۰۷
 متر امارشاد . این اتن تلخون
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن
 رستوائت واقع است که چن مخود
 این رستوائت منظره بسیار زیبایی
 به شهر مسکو نصیب مارجم -

گفته شد کاری ساده نیست
اداره ماصرف درحالاتی میتوانند
آنان راحت تدایو بگیرد که
از جانب خانواده های شان
یا بطور داوطلبانه از جانب خود
شان مراجعه صورت گیرد .
س : آنانیکه بعد از تدایو
معتمادمی شوند آیا بازهم چانس
صحت یابی رادارند ؟
ج : آنانکه دوباره بعد
از تدایو به مواد مخدره روسی
آوردن کسانی اند که باز نخست
به زور تحت تدایو قرار گرفته اند .

وطبعاً مصاب شدن شان بسیار
دیگر خطرناکتر است زیرا برای
ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی
و علاقمندی شخصی باید وجود
داشته باشد .
س : معتمادین چی نوع برابلم
هاراد مراجعه به میان میاورند ؟
ج : برابلم های ناشی از
معتمادین وسیع است .
از نظر جسمی خطرات جدی
بیماری های کشنده را بوجود می
آورد مثلاً بیماری های ریویم
و خطرناک جگر که از استعمال

مکرر مشروبات الکولی پیدا می شود .
خطر سرطان نزدیک است
به دود کردن دارند . بوی دهن
چنین افراد سبب از پتدیگران
می شود . زرق داخل رور سدی
مواد مخدره زمینه انتقال
مرض خطرناک اید سر برابلم
می آورد . حادثات ترافیکی ناشی
از همین موارد می باشد . از نظر
روانی نیز مشکلات بوجود می آورد
از نظر اقتصادی چنین انحصار
کاری کمتر داشته و باید شانرا
را صرف مواد مخدره می نمایند

طبعاً خانواده ایشان دچار
تنگدستی می گردد آنها بیشتر
اوقات خوشتر را با دوستان همردیف
خود گذراننده اطفال شان از مهر
محبت شان محروم می گردد
گاهی اطفال شان نیز مصاب
به این موادمی گردد . تناسبات
خانواده گی آنها نامطلوب
گردیده سبب ایجاد جنگل و جنجال
ها بالاخره به طلاق و جدایی
منجر می گردد . انسانها ثروت
جامعه اند طبعاً انسانها معتمد
ازین ثروت گشته می شود . رجایی

زنده گی برای آنها محدود میگردد
بعضاً بخاطر بدهی است گورده ن
پول غرض خرید اری مواد مخدره
آنها مرگب جرم و جنایات
مختلف می شوند . حتی تا سرحد
قتل و زندی های بزرگ بعضی
اینکه برابلم ناشی از اعتیاد طفیل
وسیع دارد که برای درمان آن
جهاززه بزرگ بکاراست چی ضم
مادران و اطفال مسووم
جوانان و سرانجام مصیبت یک
جامه ناشی از اعتیاد به
مواد مخدره می باشد .

نقطه مرگ

بقیه از صفحه (۲۶)
گویی چنانکه سوطون عمر
را گویند یاد میشود و شامل
۱۲ نیمی است که از نباتات
و حیوانات بدست آمده و هیچ
عنصر منحصوی کیمیاوی در آن وجود
ندارد . عبارتند از : عصاره
جمله سنگ پشت خاور دور ،
عصاره شاع کرگدن ، خسته
های نباتات *Armenacae*
Juulperus-Rioids
لیومی چینی ، خسته قیسی
و شنبه های که در کشور ما
نیز پیدا می شوند . و از روزگاران
پهلوی سینای بلخی مورد اعتقاد
قرار داشته اند .
از نامبرده برتنش بعمل آمده
که : آیا ممکن است که عصاره
طولانی ساخت ؟
اینگونه پاسخ میدهند :
بلی ، با قویه سیستم های
قبلاً ذکر شده ممکن است . زیرا
تضعیف فعالیت آنها باعث
بیزی میگردد . طول عصاره
میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن
هم بالاتر برد . بالای اشخاص
بین سنین ۶۰-۷۰ که وظایف
تمام سیستم های شان تضعیف
شده بود ، تجاری انجام دادیم .

با انکفالمیت جنسی آنها از ۵۰-
۷۰ میقد کاهش یافته بود
توانستیم که آنها را با نرسدایو
بحال نورمال برگردانیم .
برای اینگونه تدایو عموماً
تطبیق دو یا سه کورس لازم است
قسمی که کورس از ۱۰ تا ۱۰ بار
تطبیق میگردد و تطبیق پیچکاری-
ها چند روز را در بر میگیرد
در حله اول پیچکاری ها در
نقاط فعالی صورت میگردد
که بیمار از آنها شکایت
دارد . چیز هم در تطبیق این
سیستم است که نقطه مورد نظر
جد نیصد پیدا می شود . در
حالیکه درسوزن زن عادی
تقریباً ممکن نیست . داری تر-
ریق شده خود بخود زیر جلد
انتشار یافته و خود رابه نقطه
مورد هدف میرساند .
کورس اول تطبیق پیچکاری
در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه
میدهد و نتایج کورس های
بعدی همتر و بهتر خواهد شد
سپس نظریه وضع چهار کورس
تطبیق پیچکاری
بعد از یک سال یاد و سال و یا
سه سال تطبیق گردد . بعضی
اشخاص در اولین تطبیق
پیچکاری صحت یاب میگرددند .
تلاش طبیعی کوریا به تزریق
دو نقطه لان طول عمر محدود
نمانده درصد پیدا کردن نقطه
مرگ نیز استند .
داکترونیک برامون نقطه
مرگ چنین عقیده دارد : در یک
حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز
وجود دارد که از آن هورمون
مخصوصی بنام هورمون مرگ
ترشح می کند . هرگاه این چشم
سوی از بین برده شود آن حیوان
برای همیشه زنده خواهد ماند .
فرض کنیم که پسر شدن انسان
هم که معلول فرسایش اسج
و جگره ها می باشد . از هورمونی
بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته
باشد . هرگاه بتوانیم ترشحات
این هورمون را زایل کنیم و یا
لااقل کاهش دهیم به جلوگیری
یا کاهش بروسه پیری نایل خواهیم
شد . همانطوریکه هر عضو
بدن یک نقطه فعال در روی
جلد دارد به احتمال قوی
هورمون مرگ هم باید نقطه
فعال در روی جلد داشته
باشد .
به نظر او این نقطه با لای-
خطی موقعیت دارد که بنام
خط طول عمر پداسی شود و از
گلو شروع شده پس از عبور
از معده و ناف به آلات تناسلی
ختم میگردد . بین ناف و -
استخوان جنسیخ نقطه
طول عمر ، که از قدیم ها
تصریف گردیده ، موقعیت دارد
مهمترین آنها نقطه چپانگ
است . داکترونیک نقطه
جدیدی را هم کشف کرده که ۲
تا ۴ سانتی به طرف پایین
ناف موقعیت دارد و بنام خود روی
نسی است در تحقیقات بعدی
خود تصمیم دارد که نقطه مرگ
را هم درین منطقه پیدا کند .

بقیه از صفحه (۲۶)
چونند انسان را از نظر اشعه
ماورای بنفش حفظ کند .
درجهان حیوانات و نباتات چه
اثری خواهد داشت ؟
همین سواحت راتما از ضلعین
سوی حیوان صورت گرفت . هرگاه
انسان بتواند خود را تا اندازه ای
از تشعشع محافظه کند . کی آن
بر حیوانات و نباتات اثر گذار نخواهد
نمود . طول مطالعه سطح حاصل دمی
حیوانات غیر نطفه ۲۰ نمد حاصل-
خیزی بعضی نباتات ۳۰ نمد
کاهش خواهد یافت . شد تشعشع
ماورای بنفش امکان دارد نفا را بگونه
مناطق صنعتی و آلود سازد .
این امر ممکن نیست پس از ۵۰ سال
صورت گیرد و نام در صورتی ثابت
ماندن انسان در برابر آن .
معلوم است در سالهای نزدیک
نگهداری این از خطر تشعشع اقداما
شروعی در نظر گرفته شده است .
آیا بعضی حیوانات خوش بمانه شابه
صل دانگنی شیه نیست که از -
بعضی مرض جدی او را بمانان -
نگهدارد ؟
- گنه های من نه تعابیهانته
های تجارب طی هیولانم بلکه
بر تلیج پژوهمانی جهانی آشوار
است ، تجارب و آزمایش های چندین
ساله پروگرام انگسانی مل متسد
(UNDP) سازمان مترو لوی
جهانی میانگرجان تطبیق است .
- از ده سال در هر پاییز بالان
قطب جنوب شکاف آتونی پهنسدا ر
مگردد ، طت چیست ؟
- در برابر این پرسش هنوز پاسخ
تفصیلت بخش وجود ندارد .
در زبته این فرضیه ها تمام گردید
است : شکاف آتونی شاید زا ده
جهان کیمیاوی باجهان دنیاکی
باهر روی آن باشد که بالان توصیف
صورت میگردد . بعضی هالین موضوع
را با اهتزازات رزم حرارتی و همچنان
با اعمال شدن خوبشید پیوسته
مدهند و هیچکس تاکنون به تشعشع
مناسب آن توجی نمانه است .

بقیه از صفحه (۲۶)
پژوهشها و آزمایش های بیشتری در
کار است .
تحقیقات بشرک شیوی ، آلمان
دموکراتیک ، بلغاریا ، یوگوسلاوی
هند و ایالات متحده روی دست -
است .
- در سال حاضر چه پیمانه مواد
تولید کننده آتونی درجهان تولید
مگردد ؟
- تعدادی روی ساله در حدود
یک میلیون تن (۴۰ نمد آن در ایالات
متحده ، ۳۰ نمد آن در ایالات
۱۰ نمد آن در جهان و شیوی) -
تولید میشود .
تعدادی در
شیوی ، ایالات متحده و بعضی کشور
های دیگر مواد الترفاتی آن تولید
مگردد .
- در کفرانس مونتهال چه مصامی
اتخاذ گردید ؟
- مصام حق قبل از آن در سال
۱۹۸۰ در هائیا هم اتخاذ گردید .
چنانچه طبق آن تحقیقات سراسری
جهانی رویدت گرفته شود در -
پروتوکول آن ۵۰ کشور امضا کننده
تعهد میگردند که تولید مواد
تخشب کننده آتونی را قطع نمایند .
- تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید
مواد ضربه قطع خواهد شد ؟
- در کفرانس مصم گرفته شده در
سال ۱۹۸۳ از تولید نوی رین ۲۰ -
نمد در سال ۱۹۹۰ به اندازه
۵۰ نمد گامه شود .
- آیا کاهش های در نظر گرفته شده
کافی است و چرا تا ختم شده جاری
نمیشد کاهش بیشتر اند ؟
- هرگاه برنامه وضع شده تطبیق
گردید و تولید مواد تخشب کننده
آتونی افزایش نیابد پیمانه تخشب شد
تشر آتونی مایه نگرانی نخواهد بود .
- با کورس هلیک پروتوکول مونتهال
را تا هنوز امضا کرده اند چه معاطه
صورت میگردد ؟
- نظریه موافقه مونتهال تکلیفی
روسیل تولید نوی رین در اختیار آنها
گذاشته نخواهد شد . البته
مقتضین با مسازات جدی اقتصادی
سریزش خواهند شد .

رستورانت میشود .
اخین حرف تخشک به شهر
توتوتو
کشور کانادا اطلاق -
میشود .
۱۹۷۵ دین شهر
برج بزرگ تلوهون با ۵۰۰ متر
ارتفاع خود انبزرگترین ساختمان -
جهان از نوع خود میباشد . در ارتفاع
۳۴۷ متری این برج رستورانتی
ک دارای ۴۷۶ چوک میسرایی
معانات بوده و واقع است .
معانات این رستورانت توسط لفت که در کنار

برج واقع است و اطرافش را شیشه
اسطه کرده انتقال داده میشود
معانات میتواند از لفت به منظره
نمایا که به شهر توتوتو خواهد شد
لذت ببرد .
شاید برایتان غیر قابل قبول
باشد اگر بگویم که درجهان تا حال
دهوار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع
تجاوز شده .
این دو ساختمان -
مرغج چارت انبازه های تلوهون
بوده که یکی در اراکت شدالی در

ایالات متحده امیکاکه ۸۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و آراسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلاً نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گامی به
اسمان هانزینک خواهد شد .
همین الان پیروز های نوراگراست
که در صورت آسار آن ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکاکه ۸۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و آراسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلاً نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گامی به
اسمان هانزینک خواهد شد .
همین الان پیروز های نوراگراست
که در صورت آسار آن ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکاکه ۸۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و آراسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلاً نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گامی به
اسمان هانزینک خواهد شد .
همین الان پیروز های نوراگراست
که در صورت آسار آن ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .



جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالخ

اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱- به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید - بود)

انجنیر بل توسط امیرحبيب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید . هر چند برای یکسال - آند ه بود اما هشت سال زادن سر گرفت تا کارش تکمیل گردد .

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها .

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد . البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد . بل در سال ۱۹۲۵ از میان رفت . یادداشت های او زیر عنوان :

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منیسوتا منتشر گردید . این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ در باره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است .

مخاضل خوشی میخواهم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند . میخواهم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعجب مینمایم به حیث آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم .

وی در مورد سوال دیگر گفت : در مورد انتخاب شعره کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده می کنم . راه خن میدهم و از اهمل ادب کک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میبالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارند .

می پرسیم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد ؟ میگوید : تا حال عاشق نشده ام ، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد . به امید موفقیت های زیاد

ورقایت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم . زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت . و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم ، اما زیاد میخواهم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم .

جواد در مورد سوالی گفت : در شهر مریه تن دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرمندی دارند که به همه شان احترام دادم و میخواهم رقابت سالم باهم داشته باشم . خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مزار شریف هنرمند بر آوازه بی محاضل خوشی شهریان دیار مولای رانگیر ، سرمی سازد که صدای خوب ، گم و گبرایش شنونده - گانی دارد ، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد .

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشم ، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظره علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم ، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنم و صدای بی

مردها نخوانند

بقیه از صفحه (۶۴)

سطح رحم میتواند که زمان کوتاه قاعده کی را توضیح کند .
 میگویند دوم عبارت از این است -
 بودن سطح هورمون LH
 (Luteinizing Hormone) است. این هورمون که از غده های مغناطی تراش میشود، سطح آن در زنانی که به ورزش دروس اشتغال دارند، پایین است، بلند رفتن بیکاره کی این هورمون به خاطر خارج کردن تخمه از تخمدان در نیمه دوره - قاعده کی ضروریست. خارج کردن تخمه از تخمدان به کوه عادت است. علت به وجود آمدن دروس از جنس در محل تخمه خارج شده از تخم دان است که هورمون دیگری را با نام پروریجسترون میازد. کوتاه این که مقدار کم هورمون LH معنی آن را میدهد که تخمه در تخمدان به وجود نمی آید. بنا

در تخمدان پروریجسترون وجود ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی تعویق می افتد .
 پریش میمون دالوی در اینچاپ وجود می آید که آیا به تعویق افتیدن قاعده کی خطری دارد و یا خیر؟ ما هم میدانیم، دیده شده است که استروژین برای محافظت استخوانها در زمان غروبیست، پایین آمدن ها کاهش استروژین بعد از توقف قاعده کی به نرم شدن استخوانهای انجامد، مطالعه آنهایی که به دوش - اشتغال دارند، نشان میدهد که محتوات منزالی ستون فقراتشان کمتر از آنهایی است که به دوش اشتغال ندارند .
 مادر مورد خاصی قبل از صحت کردیم که شجاعت وی بعد از مادر شدن تهیه اثبات رسیده است .
 روانشناسان و دوکتوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح کنند، در زمینه چندین نظریه وجود دارد، نخست اینکه یک زن که تحمل شدیدترین درد - یعنی درد هنگام ولادت، را - دارد، میتواند در اثنای آن تحمل یابی خود فشار را تحمل کند، زیرا با این خود اطمینان تحمل درد را دارد. دوم اینکه زنی در اثنای اجزای تخمین شاید کمزخود را ناگهان محکم گیرد تا به زنانه کی اش آسیب نرسد، ولی بعد از زاده شدن میتواند سخت تر تربیت گردد. - نیز از آنجمله امتحان زنانه کی خود را گذراننده است، سم اینکه، تغییرات هورمونی در اثنای حاملگی امکان دارد که اندازه حرکت یاها را در اثنای دوش تحویل کند. بالآخره چنین مطرح گردیده که هورمون پرولکتین که بعد از ولادت

تولید می شود در فعالیت میکند، تاثيرات موثر روانی را با این تمام مقاومت دارد که تاثیر آن مد - نیادی دوام میکند .
 به اصطلاح نوروردن میجادار زمان حامله کی خضرانات است، ولی در آنهایی که متواتر به دوش عادت دارند، دندردست اند و تکلیف هایش مانند فشار خون را ندارند، خطری به دنبال آن نیست، در ایالات متحده آمریکا بسیاری زنان تا روز ولادت به دوش ادامه میدهند .
 کدام تخمینها را باید از زنان انجام بدهند ؟
 در پاسخ باید گفت که هر نوع تخمینهایی که خواسته باشند پیاده گردی، دوش، بوگاها ورزشهای دیگر، ولی مهم این است که از آن لذت ببرند و بهسر میند شوند .

جهان بعد از قاعدگی

بقیه از صفحه (۷)

ارگانها هم جای زنده را از شعاع ماوراء بنفش مغلوب نمیکند در اثر پرتاب، تومار آتشن نشان از انفجار تخم خواهد شد .
 شعاع ماوراء بنفش که زمانی محرک واکنش زندگی روز زمستان گردیده میتواند بهمان معنای موجبات نسبتی آنرا نیز فراهم کند . این شعاع خیره کوبنده بی خاصیت برود ایسار وارد خواهد ساخت .
 چنانچه اکثر ارگانها هم جای یک حجره وی را که حلقه صده بی رادر زخمیر غذایی موجودات بخور - تشکیل میدهد از این خواهد برد، و بدین ترتیب زخمه محو نابودی سایر حلقه های زخمیر را صادر خواهد ساخت، نه تنها در این نباتات از این خواهد وقت بلکه شعاع ماوراء بنفش مالیکول های راک مشخصات ژنتیک مربوط به آنست تخریب خواهند نمود . در قسمت سلولها ممکنست پوست یا پیرهای شان در برابر شعاع سیر گردد ولی قادر نخواهند بود چندان شانوار - امان نگه دارند جهان بسوی ناپیدایی خواهد رفت .
 مایمونها پرند گان و جانوران ناپیدا در جستجوی آب و دانه سرگردان خواهند بود و انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خویش نیز در وقت مشابهی قرار خواهد داشت، نیکولو بویچکوف، دانشمند ژنتیک آکادمی علوم ضعیف استاد شوروی راهپنده، بر آنست که در جنبش شرایطی معلقه نخواهد بود تکثیر بشری را از نگاه ژنتیک ها ادامه بروسه تکامل انتظار داشته باشیم، این جنبش شعاع مواد را میسر اکتف تحولات زیادی را در تمام مایکروارگانها هم جای بازمانده، نباتات و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد، چراشم کاملاً بی ضرر خضرات مرکب از رامتوجه انسانها خواهد ساخت .
 مازو بران، ممکنست تغییر بازمانده ژنوفیت تکثیر را به علت اینکه شمار آنها به سزائی تخمین سطح پایین کاهش خواهد یافت، از دسترس بدهند، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه جلوگیری از جنت گمبایی با همی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر تغییرات نهایین ظاهر خواهد گشت و به این معنیها از اینی که بشر در طول دوره، تکامل خویش بدوش گمیده است عوامل جدیدی که یقیناً نسیل بشری را به سوی نیستی خواهد کشاند، اضافه خواهد شد .

فرزین موزیک

انواع مختلف کسهای موسیقی افغانی، هندی و غربی را به علاقمندان موسیقی پیشکش مینمایند .
 آدرس : مارکیٹ جمہوریہ

خوله که نه در مدخله فنی مرستیال به جوکی کینه اولی و اولی اناری مرستیال جی نه جوکی بی د جان منلی حق باله به خیل بخوانی د نترکی بی دریاست بول صلاحیتونه به جان بسوری و ترل . له بی خوا اداری او فنی مامورین هم له د وید و او بدخه که نه وو . حکه جی د یوتن به ریبر کید لو سره د نولو به جوکی او بستونوکی تغییراته .
 که حیره فنی مرستیال ریبر شوی وای نو فنی خانی د - پنجوا کونانو د تیره کولو موسی مد برد فنی مرستیال جوکی او بست تراسه تابه او د همسه مرستیال به خبله د موسی مد بریت جوکی وریاتی و . حس به دی بول ترورستی مامور جوکی نه حق خیل حقدارته رسید .
 د فنی وخت و جی د لور مقال له خواد سرپرست ریبر مکتوب د ارشیف مد بریت ته را رسید . مکتوب مخکی له دی جی به خبله د ارشیف مد بریت و گوچی نه هغه مامور باکت حرسیری کر ی و او د مکتوب متن بی لوستی و کلمه

جی د ارشیف مد بومکتوب بلوست له مکتوب سره یونای بی د خیلی امانه کاری بینشهاد هم له میز خانی راه اخست ایه د اس حال کی جی در نهایت خندا بی به شونو و خبره و . د اداری بر - استیال د دستر به لور و رو خوخید . (لوستونکی دی د خوشیوسو له باره یومست موزیک و فنی و) نفاق : د رنولوستونکو (ناسی خه فکر کوکی جی به مکتوب کی به خه لیکی وی . د ارشیف مد بریت خه شی له باره د خیلی امانه کاری بینشهاد له مکتوب سره یونای اداری مرستیال ته یور . ایاد ارشیف مامورین له خیل مد بر خده مخکی بی مکتوب لوستلی و فنی مرستیال به له موضوع خیر کر کی او که نه ، او هم داجی دریاست جوکی به د خا به تعبیر وی .
 د اهنه بویشی دی جی د برله بی د استان به دریمه اوروستی برخه کی جی به را - نلونکی که کی به خبره شی حل کید ونکی دی . او سر نو د خدای به امان . روغ او حوینحال - اوسسی .



موکیش

از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رگبی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند ببورد.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلالی)) نام پر درخشش و استیلا کاشده ایست که از دو سال بر سکون موقعت ششم مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای میکند.

او از مدت‌ها به این سوقاضای فلما سازان راست‌درد می‌کرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمی‌کرد و از جانب دیگر نمی‌خواست از زینت اصلی اش که سخت به آن علاقه مند بودتجاشی کند. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباس‌های که مودم او را ((چراغ)) - خطاب می‌کردند و در این دایره از شهرت فراوان بر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که تمهین یک رقص رابا ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس نمی‌کردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از این‌سرو مودلی نبود که مرابه سینما متقابل بمادول حلالا دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و دهی و تواضع لب به سخن می‌گشایدولی هر گاه در سبایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن میکند، او هم خودش را در لایق حرف‌ها و کلمات می‌بیچاند.

هنگامیکه ((جی، پی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نمود، او از تومن غیور و تکبر فرود آمد و این نقش را بیدهن پذیرفت در حالیکه تا قبل از آن هر نوع پیشنهاد را قاطعانه رد می‌کرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه می‌کند:

((نزد من)) (دت صاحب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از این‌سرو پیشنهاد او را احترام گذارد ولی تصور نمی‌کردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار می‌گیرم که حساب تراراد های بازی در فلم ها برای شکل شود و کار و بار فلم‌سازی در قلم‌ها هم شکل تر از آن.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرف استم برای بازی در فلم‌هاییکه تراراد آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهی آن با نه‌گرا اول من انتخاب میشود تنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در قضا میلودی ((راگ درباری)) (دل جلتاهی توجلی دی) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شعسرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتما تیک داد. اکثر آهنگ‌های راکه در آن زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((پ))، موکیش از عبق گلپوش اداه می‌کرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان می‌تراود. ادای آوازهای طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آوازهای طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه می‌کرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگر بستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیروراجانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برفق آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگ‌های موکیش به رکورد مواجه شدند. چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلم‌های ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معضوفه)) شاید یکی از بدلا- یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معضوفه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معضوفه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در برگزنت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰- ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خواندند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شنگر- جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگ‌های فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. باز یگر قلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلم‌ها آواز های طلعت و رفیع را با سنگ می‌کرد اصرا روی وزید که قبل از اجرای آن از شنونده‌ها نظر خواسته شوند. شنونده‌ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش وارد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیچ چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانند - نظم عقربه های ساعت سر و اهش می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۰) سرود در واقع وداع اشک الودیا ((انیل بیسواس)) و ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تکنیکی در سینما، موسیقی در فلم‌ها نیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگ‌های زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشمی کانت- بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی- اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگ‌ها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگ‌های رابا ((کلیانجی- اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در آریسه بهترین نمایشان فرار داشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می‌شویم که این تعداد آهنگ‌های موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگ‌های او که آنگه باغ اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به آریاس می‌گیریم تا قبل اعمیت است بخاطر بیابرم که مانند آهنگ‌های سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگ‌های حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با قلم هایبیکه این آهنگها برای شان سروده شده اند، در آن‌ها شنونده‌ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می‌سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازش قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روز گاری را دارند که نمران سروده شده اند.

آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن
ترمیت‌های آسترلیاراد انشعبدی
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری
که در ۱۷۰ کیلومتری داریوسن
موقعیت دارد کشف نمود.
ارتفاع این ساختمان بزرگ
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان
آشیان عظیم (دانشندان این
ساختمان‌ها را چنین مسمی
نموده‌اند) چهار میلیون ترمیت
زاد خود جاداده است. آنها
شبه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند
حتی در مناطقی، شهرهای نیز
از این ترمیت‌ها وجود دارند.
دیوارهای ساختمان‌های بعضی
از این انواع به حدی محکم ساخته
شده که تخریب شان تنها بوسیله
ابزار خیلی قوی میسر است و پس
این حشرات همه چیز را می‌خورند
و با این کار سالیانه ملیونها خساره
وارد می‌نمایند.

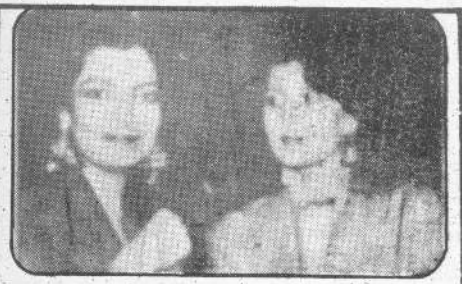


ویا سال‌های مینوز به ظهور
می‌رسد.
ولی همچنان انجماد زنده‌گی
جنسی نیز اسباب بدیده کلیمانی
(عقد و گزنگی روانی) را فراهم
می‌آورد.
منتها مرد هانیز می‌توانند
از نقطه نظر زندگی جنسی منجمد
باشند، پس چرا آنها دست
به سرقت نمی‌زنند؟
روانشناس هامبورگی بنام
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:
زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود
عاطفی و جنسی رایج و عیاشی
در آن احساس می‌نمایند، در
حالیکه مرد هاندت عاقل‌امو -
خته‌اند که چگونه عواطف خود
غله حاصل نموده و مانع بی‌روز
ان گردند. مرد هانیز تریباری
های جنسی مبتلا میگردند.
نباید از نیراند اخت‌که
زیون یعنی دزدی رعایت -
خاطرمی بخشد. در جریان
دزدی انرژی تشنج روانی از او
شده کسیده‌گی و گزنگی انباشته
شده از میان برداشته می‌شود.
و بالاخره انگیزه رعب و وحشه
که از ناگهانی ترس میان می‌آید
با احساسات لذت‌آور جنسی
می‌تواند ارتباط داشته باشد.

دومین نفر معروف به سرقت
چیز شده‌اند.
رعیت بیشتر در دزدی -
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم
آرایشی، زیورات، ریکاردهای
موسیقی، فرآورده‌های چرمی
و البسه سود ریز که بی‌بزه مسود
یستند خان‌ها قرار دارند، دید
می‌شود.
رواقعا خانها، با وجود
اینکه در مقایسه با مرد هانکشر
مرکب جرم می‌شوند، به اصطلاح
در بالا رفتن دزدی مقام اول را
احراز می‌نمایند.
در اطری منتشره وزارت عدل
ریاست نورد اینوست فالن آلمان
غرب چنین آمده است: ((در
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان
نسبت ۱- را بخود اختیار نموده
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))
علت آن چیست؟
روانکوی از دوسلدورف بنام
داکتر هانس یواخیم شوین،
هرمون‌های زنان را مقصر شناخته
و می‌نویسد: ((عقد و گزنگی
های روانی در رابطه‌های
با اختلالات غده‌ای قرار دارند
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

بازی با ترس

هر دو زمین شخس بازی با ترس
را انجام داده است. از تحقیقی
که در شهر هامبورگ آلمان
فدرال صورت گرفته، روشن
میگردد که چرا تعداد کثیری از
زنها در مغازه‌ها به دزدی می
پردازند. ((نورا برمن چیره‌گی
یافت و خطر را در جیب پنهان
کردم))، اعتراض ویژه و تهیه یک
زنی است که در فروشگاه‌ها به
دزدی می‌پردازد.
زیون اجناس گسترش
نییابد و طوریکه تازه ترین آمار
نشان میدهد (۲۵۰۰۰۰) -
مرتب در سال، باشندگان
آلمان فدرال دست به سرقت
اجناس مغازه‌ها می‌زنند و این
تعداد فقط انعامی را در برمی
گیرد که ابتدا دستگیر شده‌اند.
طوریکه تجارت‌برچون
فروشی وانمود کرده، تعداد
واقعی انعامه‌الی بیست برابر
بیشتر از عدد فوق الذکر است.
از برسن هم گمانی که در
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر



از دنیای مود...

بقیه از منحه مقابل
در خصوص اینکه در بیست‌فلسی که ((امتا بهر))
فعلا روز آن کار می‌کند، دزدی از آنها، نام ((سنکیتا))
خوانده نمیشود و بطلب قابل توجه است.
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست تا سی فیلم در وقت
قرارداد دارند که مابه‌انصراف فلان سازمان از آنها
میشود.
دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) انقدر جوان و شگفته است
که همبازی شدن آنها ((امتا بهر بچن)) هیچگونه
ظرافت هنری را ایجاد نمیتواند.
مگر در هر صورت ظاهر این دو، در پرده فیلم
انقدر هابعد از امکان نیست. ((سنکیتا)) در این
مود می‌کشد:
((آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیم
برای خود کماش کم و بیش طرز تلقی که، می‌کنند
(مودها)) هنرمندان خوش‌آزای در نمی‌آیند و
خط بطلان بگم تا دیگر گفته شود که ((مودها))
مود اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند
اگرچه در فلم ((هتیار)) ظاهر شدم ولی فلم
اولی من ((قاتل)) است که بی‌صبرانه منتظر مکرر العمل
مردم در برابر هنرمندان ام می‌باشم.
داستان این فلم پر از فواض و چیدگی‌های بیست
که از لحاظ اصطلاح سینمایی میتوان اثر انگده از
(سنیس) خواند))
به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودل
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.
او می‌کشد: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول
به معنی فیزی قرار می‌گیرد در حالی که در سینما
تخیلات یک نموده، خلاقیت کارگردان، مهارت
کامه بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه
موضه میشود.
اگرچه در فلم‌های هندی و هم‌وزن نقش حساس
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌های را در بام))
((سنکیتا)) فعلا حدود پانزده فلم در اختیار
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده
است.
اگرچه در این‌ها و آخره داستان مشقی ((سنکیتا)) با
(آسیان) روی نماند ولی او موضوع را اینگونه
جلو میدهد:
((در زنده‌گی من فعلا هیچ مردی سایه
ندارد. اگر کسی نایبانه به من شوق می‌ورزد
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه
نایل آیم)).

بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبالیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسکیت بالانک بازان، وواترپولس تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نموده که در سال جاری در کوهنوردی بگرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب نیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ایسلند و بعضی کشورهای دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در کمیونیکس فدرترکیزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابا راه انداختن مسابقات المپیاد از مدین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

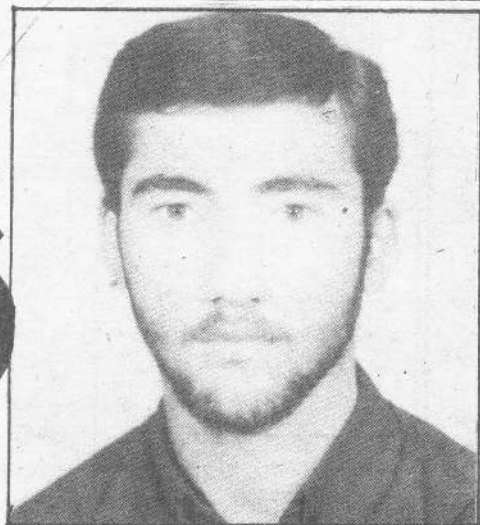
زمینه والیبالر

* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقبمانی دروس مانی شود، در فسنیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع بودن میدان ولوانم سیورسی میباشد، معلممان نسبت به سیورس نادهنیت خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تغیل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات ماریسد، کی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عسریسه ورزشکاران راکم نمایند.



ورزشی



قوی ترین

مصاحبه از منیره

ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تی کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواندو)) سه ((محتدم عبدالناصر هوتکی)) است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

ورزش تی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شد، است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کنگو چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود.

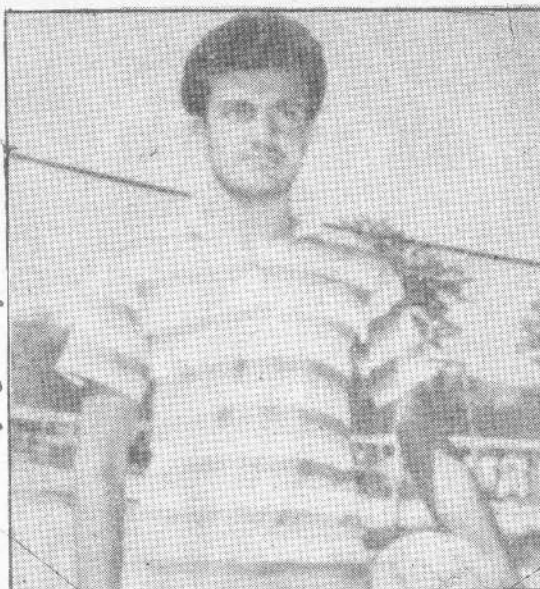
تی کواندو از سه کلمه کوریا (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن (دو) است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تی کواندو هیانگ و تی کواندو ی بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوا پسی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باور مند فردایی درخشان شماست از جابا می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

همایونج باسکتبالر

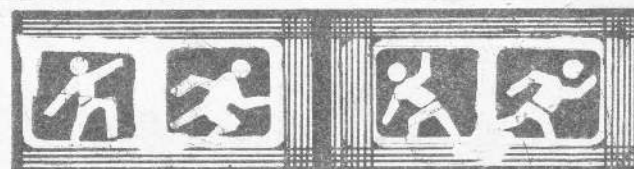
* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسه انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکچ ، - عصریه ، اینها همه نیازهای است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویاپول کوستاریکایی در آب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .
 در جمله ده ورزشکار خیلی هاس معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، از کشور آرژنتین در فوتبال ، دیگري اتانید پلیناکیرت ، از کوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر هستند .
 و اما در سابقه پرند هاس ، طوطی آرژنتین در نمایشی در نزدیکی شهرینکاک بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند بزرگ از جمله چند پرند ، تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورش و شغف در آورد .



سبک فاع

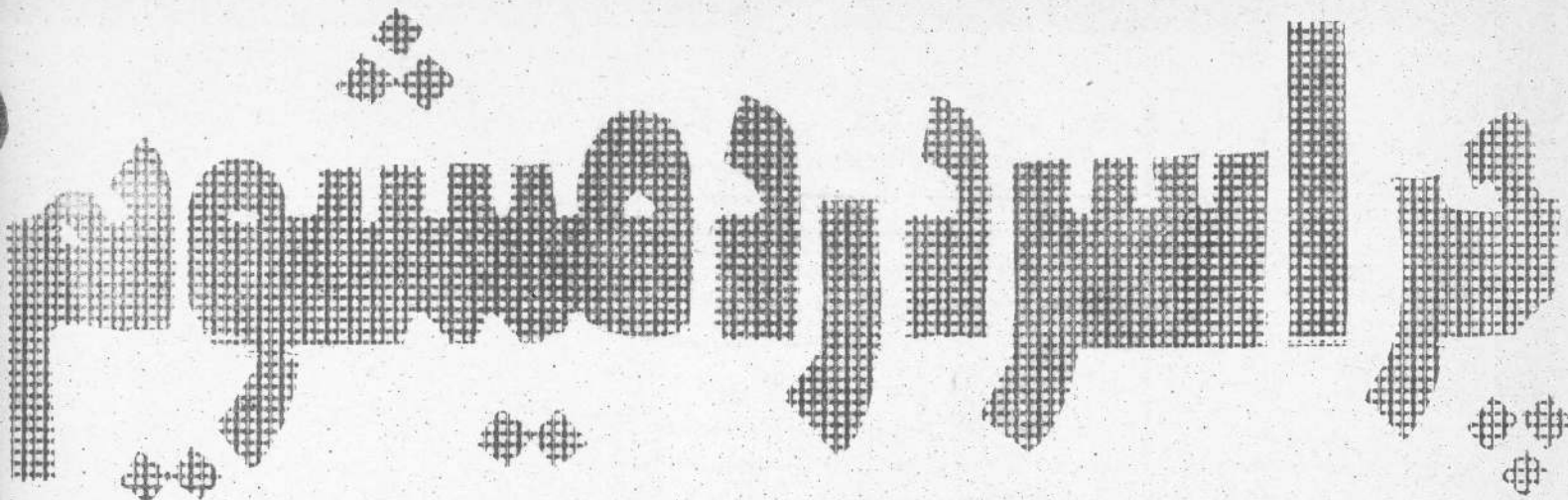
بازگشتم و کلب ((تی کواند و پوسه)) را ایجاد نمودم .
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنگاه که در مدت پنج سال تعیین موخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جز کار در کلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور بوئینتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به بوئنخی طب قابل تحصیل کنم ، در اخیر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :
 ((برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را موختم و سپس نظر فعلا - قه بی که به ورزش های زینیه داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظریه عواملی به کشور ایران رفتم و در آنجا تحت نظر ((فدراسیون ورزشی ایران)) موافق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میبرد از .
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم

میشود و به وی که جوان بلند قامت و موه دبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت های شریه من



دیدن بعضی تصاویر، استفاده

از عینک‌ها و کلاه‌ها

بعضی تصاویر سردی

ترجمه ستانک

چه چیزی موجب حمله میگردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی، میگردن میتواند بعد از ماندن زیاد در بوسه اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازدودیه وجود آید، نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی میکند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان های قوی سیات (شاهرگ ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر میرسد، حتی جریان ثابت خون در شاهرگ میسر میشود دفعاً از طریق سیستم - شریان های داخلی و خارجی باز-توجه شود، در مرحله نخست، افزایش سریع جریان خون در شاهرگ داخلی به وقوع می پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش های دیگر دماغ بهبود حاصل میکند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی تیزتر میسازد و فعالیت میسر بدن را بیرون میسازد. همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه-

یکی از معمولترین علل سردی صرف الکل است، شریک الکل غشای مخاطی دهن را میسوزاند و در جریان عبور از مری آنرا نیز سوزانیده و به داخل معده میبرد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سر تا سر وضعت انتشار مییابد. تمام اعصاب و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را میگیرند. حساسترین اعصاب در مقابل الکل حجرات حس و مجاری مغزی است و گنگه میشود که معوم شده اند. این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشرا از دست میدهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا میکنند. همینکه تاثير الکل از بین رفت (زمانیکه وضعت بسختی اثرات آنرا خنثی میسازد)، مجاری برای یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی میماند ولی دقیقاً باید توجه کرد که بازم همین مجراهاست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود رانده میماند. در چنین یک حالتی چه چیزی را میتوان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

رگ خارجی) متاسفانه بطور آتی گذر می شود، صورت بیمار به سرخی میگرداند این نشانه یک حمله محسوب میگردد و در واقعیت امر نخستین مرحله میگردن است. مرحله دوم بیماری باعث پائین توفیع سطح دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخه بنظر میرسد، زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر میشود، در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آتی منقبض شده که دقیقاً موجب سردی میگردد. حادثترین انقباض در مجاری زویه های دماغی به مشاهده میرسد و بالای گیرنده های دردمسائل میکند، سردی غیرقابل تحمل میگردد، این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل حمله بی را بالا میبرد، در نتیجه برای بیمار - بعضی پالانویه اسفراقی دست میدهد که به تمهید آن حمله - صلا به پایان میرسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است، کاهش دوشار سلول اتفاق می افتد و اسفراقی لسی - ناحیهی زویه های دماغی از بین میرود. اینست آنچه بدن بخوش کک میکند ولی بدبختانه صرف - وقتی این کک میسر میگردد که تهبانی حله رنج نهادی را متحمل شده

در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را برطرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهرشاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صنایین پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر، مثال ها ، منک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - ایمن قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، ((از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟)) بیمار میگردد ، ((از مدخل سیاسکیا)) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، ((از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بورووتسکیا داخل کپلین شوی)) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آن مدخل سیاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوختند بودند ، این تاجر با مودوروف مدخل بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آن مدخل بورووتسکیا چنین مثال می وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آنا منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند . باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلمت کامله دتقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود . این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت عطیه نفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت . این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشدینی ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشده نشود . محکم بمتن کالهای تنگ که حرکات گردن را - محدود ساخته و به مجراها فشار را در

می گذختی اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردن نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگ و کاهش واکنش - هاست . در تها تریا کفرانس ها انواع مایلند کالرها یا تنگن های شانسرا سست نمایند ، با این کار فوراً احکام آراش و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال منک ها نیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست منک یا نرم ها که میتواند با لای بینی یا شقیقه ها فشار وارد کند . در اثر آن با لای - شریان های صدغی (شقیقه) فشار وارد میشود .

نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم کرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند . معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است . داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسور سازند ، برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد . ظرف یک ساعت وضع دمائی اش بهبود یافت و سردردی اش برطرف شد . ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند . چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنگها مرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدوش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسرای خوردن چیزی نمکی تنید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدبیری در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس تنگی نمیکرد ولی فوراً - توانایی اش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بدقی گردنش پیداشد و سوش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه اش را نمیتوانست بخاطر بیارود . صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب بهبود سوج آب در بدن تراکم خون ، کاهش در مایع فقراتی مع و در نتیجه باعث پلین ابتدائی در فشار داخل قحفی میگردد . ضمناً نتیجه مشابه از کاهش آنسی صرف آب نیز بوجود می آید . - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول کاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنین فوالمیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های صید و نسای آکسیجن در واقعیت امر کاهش می - یابد ، این عمل با لای مجاری سر تا شهر ناگاری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنج و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

انادرموروتیک مایلند سکرته را ترک بکند ، نباید هنگامیکه به کدام بیماری خاد یا مزمن صاب - هستند این عمل را انجام دهند زیرا ترک آبی سکرته به عدم توانی موثری سیستم وایس منجر شده و حالت شخص را بدتر میسازد . درین صورت باید یاداگر مشورت کرد .

عامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جارو جنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کارو - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اغتشی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد قلیح مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنسب اختلال صبی وایس معروف است ، بهر آرد . افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایس را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون ((دلیل)) است بر طرف سازند .

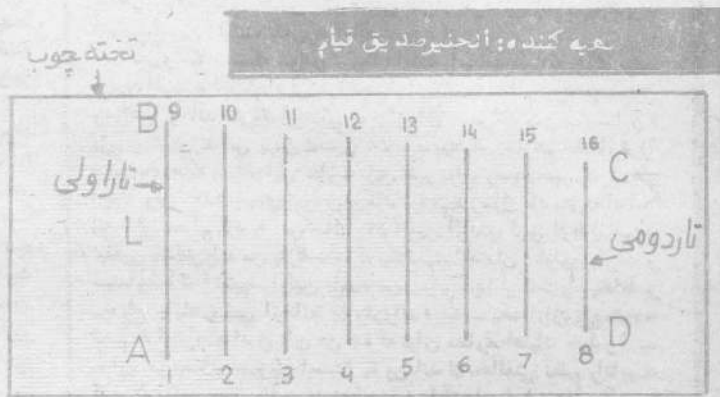
سیلا نوروز...

میخوانم ونه آهنگ کس د پکړي را
من فقط از سبک بزاد رو بیروي میکم
... با همه آواز خوانانی که خواسته
... باشد من امتحان میدهم...
... آواز خوانانی که صبح شوق آواز
... خوانی به سرشان میزنند و شب بیدار
... روی برون تلویزیون می برانند...
... کسید از طرف فامیل ها و خویشاوند
... شان باران یو تیلوفون می آید که
... آواز او را بشنوند و یاد برود که
... کاروان خله با او صاحبیه نمود...
... پس شما هر ساعت و هر لحظه
... در آتش حسادت سوخته آید...
... نه من نسبت به کسی حسادت
... ندارم ولی بر روی واقعیت نباید
... پرد کشید...
... آیا شما در رشته موسیقی تحصیل
... هم کرده اید...
... بله من دو سال در لیسه موسیک
... در رشته موسیقی تحصیل کرده ام
... ما یک گروه هنری داریم
... به کدام آلات موسیقی دسترسی
... داریم...
... به ارگن، اکوردیون، کیبورد،
... تپله، جاز بند، دهل و هارمونیوم،
... شناقلا، به این مطلب اشاره
... نمودید که امتحان آواز خوانی
... دادید و موفق شدید یکی ها از شما
... امتحان گرفتند...
... استاد هاشم موسی قاسمی، معلم
... در امتحان ما، استاد محمدرضا
... استاد هاشم موسی قاسمی، معلم
... نبی خلاصه که ۴-۵ تن از استادان
... در آن روزید حضور داشتند.

عکاسی جهان نما

عکاسی عکاسی جهان نما
عکاسی عکاسی جهان نما
عکاسی عکاسی جهان نما
عکاسی عکاسی جهان نما
عکاسی عکاسی جهان نما
عکاسی عکاسی جهان نما
عکاسی عکاسی جهان نما
عکاسی عکاسی جهان نما
عکاسی عکاسی جهان نما
عکاسی عکاسی جهان نما

درسهای موسیقی برای همه



مذہبن است قرار دیل:
۱- براتاما... تون اولی
۲- دیوتیا... بر دومی
۳- ترتیا... ر سومنی
۴- جتویا... ر چارم
۵- پنجاما... ر پنجم
۶- سیتا... ر ششم
۷- سیتاما... ر هفتم

ولن در غربت برای اولین بار
فیتانورت ریاضی دان یونان
به استفاد از هفت صدای فوق
که در شرق مروج بود و به انگلیسی
ریاضی و صوت اله موسیقی را به
وجود آورد که هفت صدای هفت
سرفوق به آن تطبیق میگردد و
یا گفته میتوانیم که مذکور اولین
بیانوی ساده ابتدایی بود صرف
دارای برده های سفید بقایه
بیانوی امروزی ناگفته نماند که
بیانویت اله موسیقی تاز در اوست
بعد از آنرا به زبان یونانی
نام گذاری کرد

موصوف تجربه خود را آغاز
کرد با استفاد از اینکه اهتزاز
یا فریکوئنسی از روی دفعات
نی ثانیه اندازه گیری می شود
مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز
آواز در هر ثانیه زیاد باشد یعنی
همان اندازه سطح سویه آواز
(زیر) می باشد و همچنین به
استفاد از قانون دیل:

۱- تار تجربی از یک جنس مشخص
باشد
۲- پارکری باشد
۳- در کش زیاد قرار گرفته باشد
نمیرد برای اجرای عطیه خود
تخته چوبی را انتخاب کرد و سیم
ثابتی را به آن کوکرت که نقطه
مذکور را (A) نام گذاری می
کنیم

بعد از در نقطه (B) سیم
متحرک را محکم نمود و آنجا
های تاری را به دو سیم B و A
پسته و توسط سیم متحرک کش
نمود طبعاً با تماس صدای
وجود آمد مرتبه دوم عین تجربه
نوعی را در نقطه C و D نمود
یعنی نقطه D سیم ثابت نقطه C
سیم متحرک بود ولی موضوع مهم
اینکه این بار فاصله DC
طول تار DC نصف فاصله
طول تار AB بود بعد از کش
نمودن تار توسط سیم متحرک C
شاهده نمود که صدای تار C و
AB با هم مساوی ولی تفاوت
صدای تار CD و چند صدای
تار AB بود که این موضوع
را شما در هارمونیوم های دوسره
خود دیده میتوانید وقتی یکی از
پرد های هارمونیوم را فشار
مید دهید بطرف راست و گاهی به
طرف چپ پرد هشت نیز با سیم
میشود که عین تیوری فوق است
حال طول تار مساوی دیکر بسیار
ساده پیدا میشود قسمتی نامیرد
فاصله AD و BC را به هفت
پارچه مساوی تقسیم نمود بالای
نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹ سیم
های ثابت را کوکرت و مقابل آن
بالای خط BC در نقاط ۱۰-

شکوه دلیر! نیرومند که نه باید
هیچگاه فراموش شود و موسیقی های
بیگانه جای آنرا بگیرد
ولی فراگیری نوشتن به سیم
غریب یا تقسیم و دسته بندی راگها
و نال های سیستم هنری نباید
با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه
سواد موسیقی است برای هر هنر
مند فراگیری آن لازم و ضروری است
همانطوریکه برای فراگیری
هر زبان دانستن الفبای آن در
قدم اول ضروریست به همین ترتیب
در موسیقی هم دانستن الفبای آن
گامی است در فراگیری...
قدیمی ترین الفبای موسیقی
در چین برای اولین بار الفبای
موسیقی به زبان سانگرت در
هند به وجود آمد و این الفبا
در چوکات هفت سر یا هفت
لغت یا هفت صدای که از تکامل
سرود های مذهبی به وجود
آمد بود نامگذاری یا ریخت
گردید
الفبای مذکور که به الفبای
طبیعت انتخاب و به موسیقی
داد شد هر یک معانی بخصوص
دارد:
۱- شاجده به معنی صدای طبل
و صد رفته سستی
۲- رشابد: سرود یکی بر بند
بنام چنگا
۳- گنداره: مانند صدای بز
۴- مدایاه: مانند صدای مرغ
ماهی خیز
۵- پنجامه: آواز ناخسته
۶- دیواته: ترنم بقه در موسم
پارانیسی
۷- نشاده: ترنم آواز نیل
همچنان یک نوع نامگذاری
دیگری که منشأ آن سرود های

در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سپا و ن سلسله
در سهای موسیقی را آغاز نمود به
که بنا بر مشکلاتی از ادب نبال
نتوانستیم در سال جاری محترم
انجنیر صدیق قیام که در این زمینه
دسترسی دارند و عده همکاری
را داده اند ما سر از این شماره
در سهای موسیقی را در نبال
خواهیم نمود
در میان علاقمندان هنر
موسیقی عرض فراگیری اساسات
آن تقاضا به سطوح مختلف وجود
دارد یعنی یک عده شایسته
ضرورت دارند تا از الفبای موسیقی و
آشنایی با مروج ترین آلات مو
سیقی (هارمونیوم، طبله) به
شکل در رسم شروع گردند و
دیگری شاید در جسی به
شناخت راگها و نال و اطلاعات
در باره کلاسیک، نزل، تهری،
ترانه و غیره و دیگر هم شایسته
به نوشتن و تفاوت های موسیقی
شرق و غرب و بالاتر داشته باشند
که همه به یک بار مشکل است
بدین ترتیب نظریه تقاضای اداره
محترم مجله سپا و ن مستند به
نام های که به آن اداره رسید
ناگرم از الفبای موسیقی شروع
کم و به تدریج امیدوارم به ذوق
همه تاحد امکان معلومات آرایه
نما... تقاضایکم تا در وقتند آن
محترم کمک نموده یا نظرات
پیشنهادیات و سولات خوشی

زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده زنده گئی ام الکمور را نیز ریخته و من دست و پا زان و میخورد خندیده گریستم - کی میتوانست مردان را کند ؟ دست میتوانست گشوده ام را به من باز دهد ؟ کی میتوانست آنچه را که از من ربوده شده بود باز دهد ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت و امان را باز رساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره می گرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لالو و میا ش باشد - و خیاط دانست که من کی باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالک معامله خریدن را سربراه کردم مرا به خانه اش کشاند خانه میکه دست کسی از خانه قبلی ام نداشت و علاوه بر من عده دیگری زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگرت و مخدرات و الکحول بود اینجامحافل نمنا دستاره جمعی گروهی بود همه محرم بودند در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و دست کسی گذشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتاقها و حیوینی هاییکه جمعی از مردان غیاث - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که همواره بارصن ها گاهی میخواستند برهنه برقصم و وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای تجمیع همه ما همراه با (خانه والای) مانعم به نجایم و فحشاء پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میسر میدم - شاید با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است - چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش مینگست : (سرماره از پشت خار) - تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنی که به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود و دستش را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنکها کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر خوشی از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و امان جز هر لحظه مسردن دوباره (با یواز) نداشتیم - زنی که از اقمیت زنده گئی ام آگاه شده بود بیکروز آزاد نشد ولی همواره خبر را میگریفت و بعد از یکماه منم بیکروز مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصیه راستی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کیوها) سپری کرده بودم خبر آزادی ام را به همان خانم - مهربان هر مسلم که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده گفت بعد از آزادی با او زنده گئی خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه نمنا بود در ریاضت که تقدیم چنین بوده که من نباید در واز نجای باشم - آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرا به خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر دادند ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری جام را باید بر میگردم معلومگویی میکنم

اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده گئی میکنم صاحب خانه (با همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح بسرزن که مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح من یکی از اعضای فعال گروهی غیاثی این خانه ششم - و این وقتیکه که این خانم برایم محوطه نویسیه خاطر عرضم حسم جوانم به مردان وحشی خدمت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کارم سر میگردند و من به تنهایی ناگزیر بودم - پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست - وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت ! ابا میوزم محکوم به اجرای همه امور خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شتند - شوهر که اصلا در زندان زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده گئی میکردند و مرا اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر مسرفی

بدش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزم و کارهاییکه باید در اینجا انجام میدادم - بالاتر از توان بود - باید زیاد تر زنج بی کسی در میان ناگهان درون صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم ست به دروغ میزدم یعنی فرار میکنم - با تقبل دهه های شوری و بی عشق راه کابینل را میپیمیدم در کابل هر شبی را باید نزد مهمانان از روی گاه در منزلی - گاه در سرای - و گاه در کانی سر میسازم - برضی ام شدت پیدا میکند من مرده بودم و از روی بد فون شدنم رانینها همه احساس سر رسیده می یافتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشهر را میپیمیدم اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و برضی ام را دلیل من آورم از توجه و مهربانی های بهترین بی بهر سره می ششم

این اجتماع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتماعیکه تنها از کثافتنهای آن بهره داشتیم هرگز کسی ازین دعوت به پاکن بستن نکرد هر کسی به دست نظیر سلام دانگم بخاطر فروش جانم و بد بگری به خاطر برداختنهای جنسی اش - و من در رانینهای از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بوده ام

بدی نگذشت که شوهر دوباره از زندان آمد همراه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سزقت پول و جواهرها زخانه اش و لیا را محکوم به جارسال حبس کرد بدم و دوباره زخم محدود زندانی برین تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم - محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید - خبر مرگ شوهرم آورد و من بعد از سوری نمودن میخانه توقیف در منزل مادرش به ادا زنده گئی محکوم گردیدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلیفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر ازدواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد هیرویین است - بدون آنده که مخالفتی نظرم را تایید کرد که برقصم پول بیاورم بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و امان میدانستم که باید برای رقصیدن نیاز اجازه نامه داشته باشم - به کشته گتورفتم بعد از شرایط لانم برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میکنم و بر این ظلم را که هنوز کدک بکمال است زبان میدهم و به تکه های میچوم - چرخ میخورم پول میکنم و شوهر معتادم را مرفوع میسازم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالگی مرد - من ((سهیلا)) شده ام ((سهیلا)) بیکه شرم سرخرویی ((سهیلا)) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است

شبهات برقصم روزها میخوابم - بدرکود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میکرد تا بندی شد - او میخورد ترا زمین است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتیاد است

بگذر حالا دیگر که در غریبترین یک زن - بی حجاب زنده گئی اش را چنین قصه کند که دیگر زاده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده - پس از چه باید شوهرم؟ چرا باید هراسید ؟ تعامن نگاه نکرده ام - احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گران برین ظلم کرده نگاه کرده اند اما حال دیگر شاید بدم زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد - کاش چنین باغی میبود - مردانیکه در دستم خوابیده اند از قصه ام سوخی خواهران نویسنخ همسران شان کنند کاش چنین نیرو پیدا شتند - معامله گران از قصه ام دست به کیسه هاییشان میزنند و دیگر از معامله انسان آنرا برکنند کاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیچ ود دوباره زنده شوم و تقدیم بیکه اش باشد کاش چنین خوشبخت میبودم

من سواد ندارم اما زبان سواد زنده گئی ام است - زنده گئی این بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شزبان من در دهانم با دست دیگری در زنگهای گانفد ترسم میشود

من نه گم نه اسلام - نه زنده و نه مرده - تعابین از انسانیت که میسازد برین است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچیده - شاید خدا چنین خواسته که این بد و خوشبختی و شرافت را به انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زنج و جها و آشوب بی عشق راند ازند و باز روسی ها که این توان را دارم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایند شوم - زنده گئی طومار آما شدن است و بزرگ طومار زنده گئی و من آغاز شده انجام شدم - مانند آن قناری که زبانش (زنده گئی اش) را - گرفته اند و زبانش را بی وجود ما فریاد و گور خود را میقتصر حرم میکند



آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه
ازمایش ساعت تیری
ده، مگره بحان بوری
بی هم بایسد و تری
حتما تاسی ته خیل
د کجکاوی حسن اجازه نه
درکوی، ترخو موخیل بحان
نه و نی ازمایش کری چی
ترکوم اندازی بسوری د
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه
شمیرل کیزی
۱- فرض کوچه تاسی به کورکی
خو ضروری شیان نه لری، او د
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا
شی، کم یوشی به تاسی اول-
واخلی.

ساخته ویرایم امکان داده اند که
مناسبات گسترده با رادیوهای -
خارجی بخاطر گشتوش پسته هایم
داشته باشم.

زمری علاوه بر کلکسیون پسته،
دو صد و بیست نوع سکه های تازه
از افسانه از سی کشور جهانرا که متجاوز
از چهارصد سکه میشود تهیه دست
آورده، د رسکه های این کلکسیون
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو
طل درازنه، تانخ چه درسیکه
خط وجود داشته وچه قبل از آن
برجسته است.

زمری سهارضیر از این سکه ها
از بیست و پنج کشور جهان یکصد و بیست
نوع بانک نوت را تهیه کرد البومها تکمیل
میکند.
او آرزو دارد تا با کلیه کلکسیونران کور
تماس، تبادل و تعمیم تجارت
داشته باشد چه تازه از دو سال به
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار
زاد بخش کلکسیونسازی ادامه
داده و بارهنگامی و شوق مستقیمش
به حفظ و تنظیم این کلکسیونها دست
یافته.

کلکسیونر مابین سال آموزش را -
پهوسه اول نمره، مومو و صفی بوده
از ذوق و سلیقه، عالی برخوردار
است.
کلکسیونهایش هر کدام تصویر
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی

کلکسیونهایم را دوست دارم

منعنه * کلکسیون سازی
در کشور ما پدیده بیست نو، معدود
از کلکسیونران کست، گوگرد، عطریات
شبیخ، سگرت، پسته، سکه و
بانک نوت و... را سراغ دارم.
زمری سهار نوجوانی که متعلم
صدف پنج لسه، انقلاب است یکی
از این کلکسیونرها میباشد، وی پسر-
بست هوشمند و دقیق، او اکنون با-
کمال علاقه مندی سه هزار پسته
مهر خورده، اضافه از ۴۰۰ کور-
جهان را با سلیقه، لازم حفظ مینماید
بسته عایر که با نظم خاص در البوم
ها تنظیم شده اند، سببهای -
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی
جوامع مختلف بشری.
زمری سهار که از شوق و
حمایه، فایمیل، بخصوص برادرش -
ابراهیم سهار برخوردار است، در
حفظ و نگهداشت کلکسیونهایش
سخت دقت دارد و میگوید:
(کلکسیونهایم را مانند کتابهای
درسی ام دوست دارم، این پسته
ها مرا با همه سرزمین ها و ممالک آشنا

سه هزار
تکت پستی
در یک
کلکسیون

- الف - یخچال ۳۰ نمری
- ب - تلویزیون ۵ د
- ت - د کالیود مینعلوما شین ۲۰ نمری
- ث - بالابوش ۱۰ نمری
- ۲- آیاتاسی همیشه خیلند کالیو الماری تنظیموی.
- هو ۲۰ نمری
- نه ۱۰ د
- ۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه به هغه معینه ورخ جاروکوی.
- هو ۲۰ نمری
- نه ۵ د
- ۴- آیا ماکلی له دی چی میلانه موکورته راشی، کولای شی تمول خوراکی مواد به اشترخان کس تیار کری.
- هو ۸ نمری
- نه ۲۰ د
- ۵- آیا کیم وخت داسی تصادف واقع کیزی چی خیلو، میلنو ته سوی بوپوی، مخ ته کیزی دی.
- هو ۱۰ نمری
- نه ۱۵ د
- باتو به ۹۳ م

اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را پاشا ر بی‌یکدیگر چسباندند و سپس آنرا صیقل میدادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د میکردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال میکنیم، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می آید و دریا تلاقها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی اشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یکعده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار میگیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر میگردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالا از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکالهای است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته باز هم خطرناک است می‌کانتین (سنتیز اسید نوکلئیک) پروتئین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل (پیل) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و اکنش های شدیدی در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید
 س : از شهر مزار شریف :
 س : خانم نام که بسیار کم خلی ، بد برخورد و بد گذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی و آرامی بگذرانم ؟
 ج : برادر عزیز ! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید .

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود .
 راسیه احمدی از کلوله بشته متعلم سن ۱۰ :
 س : به گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قلمرو ام بدگو نیست ، آواز را چه عرض کنم ، میخواهم نظامی شوم چکنم ؟
 ج : همی ، واسه پیدا -

حالا که پرسیدید ... حومه خواندن دروس خود را -
 هم ندانم ؟
 ج : کلان ۱۹۸۱ را بید کنید .
 خانجان از صوفی مویل :
 س : محشر ستار نواز خوب مامجرد است اگر نیست پس چرا خوب من نواز ؟
 ج : محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه (۴۵)
 است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد ، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بوهنتون لایل :
 س : چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم ، حالانکه حتی

است . اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد . فرانسیسکا گالووی آمردیار - نمت اظهار میدارد : ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است . تازه ترین منسوجات در لجنی لباس قرن بیستم است ، که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند)) . موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده ، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طراح ونیس آقایی ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت .
 انتونی سپینک بانگهی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد : ((برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است ، آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که مسترد و - معیار مانست به گذشته بالا رفته است)) .

مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۳۹)
 در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) ، سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نمایندگی میکند . بروی اکترمد الهایی برتانی نام گیرنده مدال ، رتبه و رشته خدمت او موجود است ، برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکا - روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است .
 یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

قوایه فروشی
 علی گلرین
 متصرف کلینیک مرکز

ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده ترینام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.

در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایا بود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.

۲- جین

یکی از ادیان است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.

آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:

۱- برهمنی

دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.

۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.

اصول عمده بودیسم عبارتند:

۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مدهم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، منی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، رونمایان، محسوس، هنگام. این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود.

کارته نو تعمیر سینمای اقبال

قطاسیه فروشی ارزان

دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید. تمام برج های بیست گانه کرملین سیما میهند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکلیف شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریگ و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تپه ها را متحمل گردیده اما با حملات رها روی هیچگاه متصرف نگردیده بودند. این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.

واقعاً که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهار خوی بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند. دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواتار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکوا - همین انامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.

دیدن کرملین توجه جمعیت گهبر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکوا دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

سیر درد

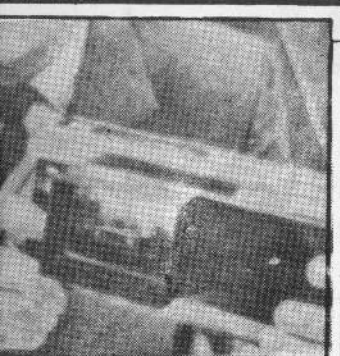
بقیه از صفحه (۸۲)

در همه موارد، البته های
سکن که پالن میرواهاشورخند
دانه و احساس درد را تخفیف
میدهد ولی طبیعتاً آسانی آنطوری
هست باقی میماند یعنی نمیتوانید
کرکره و احساسات خود را تغییر دهید
رضعی که موجب بیماری میگردد به
استخوان میگردید چنانچه در
شرایط خیلی با آن برخورد صورت می
گیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند
برخی اشخاص حتی میباید خیلی با
چیز را هم بشمارند و اینرا خیلی جدی
تلقی میکنند • بعد از گذشت لفظه ای
اینجا خواهد گفت: (بسم الله را -
کامل درک کرد ولی نتوانستم چو

احساسات را بگریه) ولی در واقعیت
امر چنین کاری را نمیتوانست - سرا
ساختار خوش وضع زوسی اوچین
است
سردردی ها بسیار بسیار
ها از فصل بیماری های معده، جگر
کلیه ها و روده ها همراه است -
اغلباً سردردی هاستی تریلیج -
ناراحتی های متین قنرات بخصوص
قنرات ناحیه رقی، رما تسم -
بیماری های گوناگون تلیج نیزهیز
میگند • در واقعیت امر، تمام -
بیماری ها سردردی را با خود دارند
و از همین جهت است که دانستن
طل آن لیتقیر مهم تلقی میگردد نهرا
باید که ط آن راه درست تدای
راندی با هم -
در اغلب حالات، ظهور سردرد
دردی برای بیمار آشناست - به
معاون یک قاعده، بیمار رژی -
های خیلی خوش را برای مبارزه با
سردردی دارد • این روش های
تداوی صرف شکل طین نداشتند
بلکه اشکال خوب فلکوری، همز
وجود دارد • بیمار شکمت برای
لخته کتاه قسمت خارج، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی
محکم بگیرد (برای یک دقیقه در
فضای آزاد) بیمار با این کار احساس
بهبودی خواهد کرد • این عمل را
میتوان تکرار کرد • یا اینکه سر را
می توان بایک تکه نازک مک
بست • این تکه را تا ابرویان و -
کوشاکی گنبد و پوست پیشانی
کش بکشاید • این کار با بسیاری
بیماری های سردردی های ناشی
اینهمه آمدن فشارخون دارند که
نهاد میگند •
در سردردی های مزمن با مثل با
ها در آب گرم بپوشانید • هر چند
از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد
در صورت آن تهیه مگس آنچه که
طلوب است به دست خواهد آمد •
از پلاسترهای خردل میتوان در
پشت گردن و بین تخته های شانه
یا روی قفساق ها استفاده کرد
ولی این پلاسترها را نباید یکباره
روی تمام این قسمت ها گذاشت •
ساز خودی قسمت های -
متنفر سردردی میتواند مفید ثابت

شود • چین فشار متوسط بر روی -
قنات دردناک سر می تر بوده است
استفاده از مرهم ها مانند مرهم
پلنگ تشان روی پیشانی و شقیقه
ها میتواند خیلی مؤثر باشد • گاه
گاهی با بکردن بعضی قطعات و
مطلوب ها یا بخار آمونیاک سردردی
بطرف میشود •
هرگاه در حالیکه روی جاده
راه میرید چه سردردی دچار
شده که شکمت ناشی از نوشید
روی پیشانی باشد • شال یا کلاه
تانرا تا ابرویان تا پایین بپوشید •
گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد
شد ولی خیلی بهتر از آنست که به
سردردی ناشی از خنک خوردن گی
مثلاً شهد که میتواند شکست
دوامداری را برای تان بیاورد •
باید چارشدن به سردردی
ها معمولاً میدانم که چگونه
با آن برخورد کنیم • ولی اگر
سردردی برای بار نخست باشد
باید آرام پیدا کند و وضع بدتر نشود
پس در آن صورت باید فوراً با
داکتر مشورت کرد •



پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و
تلویزیونی کوچک را با پرده
تصویری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد
۲۰ × ۱۰ × ۶ سانتی مقرر

مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)
نوه مورد سوال قرار دم • هر
چند که طرح های در زنده
بهمود ان همین اکنون هم در
سردام •
س - ایاصمیم افراد اید که مجله
تلویزیونی به یک مجله ترقی
و خانوادگی بدل شود تا همه
مجله هیز • هنر؟
ج - هرگز! هنر تلویزیون برنامه
های فراوانی برای خانوادها
دارد: برنامه زن و جامعه
کودک و اطفال • جوانان
نمایشهای تلویزیونی، برنامه
های ترقی و ترقی، علم،
سیال و •••••
س - چه چشمال باشکالی در -
راه ساخت برنامه تان وجود
دارد و ایا طرح و تهیه برنامه
چقدر به اراخ روان و آراش
زندگی تان صده میزند •
ج - تهیه برنامه بی چون مجله
تلویزیونی هر چند که در گام
نست و سهل ساده به
نظر میرسد، اما، حقیقت این
است که دشواری های فراوانی
دارد • این دشواری ها اگر از
یک رنگر امور تهیه برنامه را
در بر میگردد تنها مربوط -
تهیه کنندگان برنامه میشود •
از سوی هم، محدودیت ها و
امکانات اندکی هست که روال
بهمود برنامه را صده میزند
از کم بودن وقت محدودیت کانی
بودن امکانات و مدی منابع •
تصویری ضربه که بگذریم، گاهی
زنده دست و پاگیر پالیسی و توجهها
سیاسی، اقتصادیه، کار و ابرای
مأموریت همواره که بهتر است از

سردرد

بقیه از صفحه (۳۱)
مرحوم (سردرد) طی دوره
کارش بی نهایت آنگان فلم درهلوی
سناریو نویسی برای هنرمندان
و دست اندرکاران سینمای کشور
لکچر های نیز تهیه می نمود •
مرحوم سردرد قبل از مرگ
اش شش سناریو آماده کرده که
دو سناریو یوان را عباس (شیان)
کارگردان ورزیده سینمای مائیکمیل
و بنام های (ستاره گان نمسی
میزند) و (بهرت) فلمی تحت
ساختار است و یک سناریو دیگر
ان تحت نام (تلاش) بوسیله
موسسه هنری قیس فلم درجریان
فلمبرداری قرار دارد •
داکتر غلام محمد سردرد
در شام سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۳۷
ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دوساعت بعدی ان ماشاهد
نمایشی صحبت وی بهرامون
صدمین سالروز تولدی ناخفته
سینما - چارلی چاپلین از وری
نشرات تلویزیون جمع شوری
افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی
وفات یافت •
آخرین کارهای او به سان
اشکهای که در رخساره شمار
می بندد و خشک ویه گونه
لبندنی ناتمام به تمام شدن
زندگی او ناتمام ماند • ترجمه
نما بشنامه تیاتری او بنام
(بدن شکست را خورد کنند)
برنده جایزه اتحادیه هنرمندان
گردید، این آخرین یاد اش
بود که هنر برای او اهدا کرد •
و چی غم انگیز است این برای
کسیکه با هنر زیست و در راه هنر
و جلاش آن تلاش ورزیده و سر
انجام حباب اکسا بر ستر

حسرتی از نفس انتاد •
اعظم جوهر هنرمند شناخته
شده را که یو تلویزیون و سینمای
ما در رابطه به شخصیت فرهنگی
مرحوم سردرد گفت: (مرحوم
داکتر غلام محمد سردرد که شش سالگی
خواهرزاده من بود دوست
بسیار صمیمی من نیز
بود • مرگ ناخفنگ او برای
من نیز سخت رنج آورده شد •
داکتر سردرد انسان خوش
برخورد، خوش قلب، متمدن
با دانش متواضع و صمیمی بود
صحت ها و معلومات های علمی
وی در سخن های مختلف برای
ملازمان ان هنر و فرهنگ نابلی
استفاده بود • من شخصاً
در سخن سناریو نویسی از مشوره
های سودمند وی بهره میگیرم،
مرحومی دارای دو فرزند، یک
دختر و یک پسر بود دلپسنگی

نظم معده

بقیه از صفحه (۹۱)
یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعداً
در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در
انسان معده مرض گسترگستگویی شده، دریافت
نمود، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren
در شفاخانها Rogalpearl این میکروب را در ریه
شیمی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره
تدقیق بیشتر یک ترکیب
Tindazole + Amoxicillin تولید کرد که بکتریا را محو میکند
بارد این واقعیت دیگر در ادیب گستریت عا
وزخ معده، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده
که ممکن در اکثرها مرضیان قیلا کم باشد، میشود
بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده
و تعقیب مرضیان، تداوم گردند و ناگاهت نمائند

مریضانی که با محور و نابودی مکل این میکروب و تداوی
مکل جواب نمیدهند، ممکن علت مرضی شان چیز
دیگر غیر از زخم معده باشد، ممکن فقط حجای
حاجز و ابز و فسزیت و سندرم ایتزیال باول و غیره
باشد و ناگاهت نمائند که بعضاً مرضیان ناقل میکروب
بیلورن معاد سیمی نفع و گاز هلو توسر و بدی
بوی دهن، توسع پلن بعد از غذا - عارق زدن
مندا ام بوده که با تداوی میکروب تمام امراض از بین
میرود • در اخیر باید اضافه شود، گرچه اسید
معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب
مقاومت میکرو زایعه در ارتعاش توسط بکتریا
بیلوری برای تاثیر فکوریته و بقت اساسی قرحات
گستریت امی مزمن میباشند (دکتور روح اللعویان)

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

کرده و دست نشتر سبدم، از آن به بخلصورت تدریج تصویر برداری را آموختم و پس از آن برای تهیه زاینترها به ولایات کسور عزیز و همچنان در مورد به کسور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا نیز پارک سفرهای داشته از هر یک کدام را برایتان تنظیم و آماده کشور کرده است.

در اجرای اموزار که می توان تصویربرداری استفاده کرده است.

از این متود تصویر برداری - تلویزیون و امکانات نیز که کمترین تلویزیون هم از تبادل نظیر و تجارب دیگران استفاده اعلی حاصل آورده ام.

با امکانات محدود که در تلویزیون، آیا تلم های نیز فلز در آری کرده ام؟

بلی کارهای در تصویر دارم و توفیق امروزم اولین محترم اموز هنر و فرهنگ تهیه آموزش بهتر بود - شترنگ اشتن و سایلند جهت سفر تکنیکی برای کاربرد تصویر برداری و تصویربرداری ها و خانه بد و نشی فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیروی هر چه تمامتر در اجرای امور این بیشتر و بهتر بردارم.

که نوشته ام در پند ح زبانی، هنر آکت و تمثيل به خود بالا و هم چنین اشعار شعری می باشد. امید در این قناعت ثان را حاصل نموده باشم.

من برای من جالب من می باشد امیراد رکتیستور تا و در زنده گی شما در افغانستان همین انگیزه برای شعر گویی چون نه اشک که در وصف آن شعر گویید که همه اشعار تا اثر در وصف شخص مای هوای سزوده امید

«اولاً اینکه عشق به اشعار خودیام نیست و این نگارنده است و کارهای دول هم از قدری راه و مغز انسان خارج است چنانچه حرکات غیر زلزلی و در دوران خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و نتیجه سلطان عشق سبزمین دل به خیمه زه منطبق و استدلالات کنی میکند و حضرت سلطان کبریا عشق امیران مطلق العینان قلمرو دل و روح انسان میگرداند و ما می بیند خورشید در فضا نماند چیزهای دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در زمین ساخته و خورشید کینه و جدا و بیخ و بن و سر تا مای از زمین قلب تحلیه میکند.

«ثانیاً اینکه بزای صورتی اشعار خود بیک منبع العلام ضرورت داشته همیشه فکر میگردم چیزی را که کرده ام و میگردی بی در خود احساس میگردم مانند یک آتش فشان منقبض شده در حالت قبض از لحظه انفجار خود را احساس میگردم و این منبع العلام باید حتماً زنده انباشته و چون از یک طرف هنوز زخم جملات در لغت انسان صورت نگرفته بود و مشکل میشد منبع العلام بر خود آید حتی نامکین نبود و از جانب دیگر چون به منبر لاف زده داشتم و هم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هندوی و اروپایی را می دیدم - که در نتیجه مذهب بالا براد زلم حاصل شدیم منبع العلام خود را پیدا کردیم و بقصد استان را بخودشان می آید.

نماند در این شعر در گز در ریاضی کد خود به ملک دیگر میفرستیم یک چشم ندیدم که از آن چشم کور است این شعر چه شعریست که می خوانند از بقیه از صفحه (۷۵)

مجنون قرن

بقیه از صفحه (۷۳)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمانند تمام جزایر و روزنامه هائیکه گفته آمد بازگردند خود موجود است و یاد رکاب به خانه نامه کابل در صورت لزوم آزادیده می توانید.

یک عمر می توان سخن از زلف یار گفت در زیند آن میاثر که مضمون نماند است و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد، آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده میبایست منتشر خواهد شد البته در صورت موافقه اداره سب و روز و خوانندگان گرامی اس:

مجنون علی مشرتی ایابرسیده می توانم که شما برای بد در هندی نان اشعاری سزوده آید یا خیر، انشا الله خود خفه نس شوید؟

عربی صاحبه اصطلاح شطرنجی در لغت هندی نام شعر سزوده ام یک و در یک صد و در صدی بلکه هزارها یعنی ده هزار شعر سزوده ام که در جوان شعر بند کور بنام ریخوس شرقی یا قد هوایا می باشد و اشعار مشرق زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایر و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمتتان تقدیم است در بیوان اشعار مذکور را به مدعو بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید، بقصد آنرا نشر نخواهید کرد بزود رصاحه گذشته صورت شعر را شما خواستید و من گفتم نوشتیم، ما سنا سبب آنرا نشر نکرده ایم که دلیل آنرا نمیدانم شاید بسه ترم و تراکم مضمون و شعر در چار می باشد البته تمام اشعاری که در سیاه وین به نشر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقصی محتوا و ناچیز و اولان ندانستید که در جمله وین تان نشر شود و اکنون که از من سؤال کرده بد در چه مورد شعر سزوده آید، لازم بود یک نمونه آنرا برای تان مرض تمام اماب دلایل فوق از اظهار آن صرف نظر نسوم البته اشعاری

می باشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سزوده تلویزیونی ده سانتی متر است - این وسیله بر اساس عینی سب - کسین استوارس باشد که سلاید رنگه است - منتفا درین جانر عوض سه قشر مواد عکاسی رنگه سب - آبی موسمز (که انعا در ترکیب شعبین جبرنگ را می سازند) سه قشر کربنیل مایع را که سه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتنسیال برقی تغییر میدهند - نگار برده اند.

بوده جدید تلویزیونی درین امر پاینده های معمولی تلویزیونی متعابز متعابز دکه برده جدید با مضروفوق البعاد که برق کار کرده و همچنین تصویر تلویزیونی رنگه گونه سلاید در مقابل رویشی بیستون مشاهده نکردم در این جا از روشنی عادی روز نیز اعتقاد شده من توانم اینچنین اخذ ه های تلویزیون هنوز در هینچ عالی تولید نمی شود.

ولانصدی زیاد از حد غافلیتن بد اینته ولی خن در شست باقیه باور و اشتیاق چیز را در میانتم که همیشه در زمان طوفانی در تلام بود وین هموار میگردید تا بر سطح آب را خاصوس سازد البته چه رفتن و چه در زیند داشتند از اهرار که به کسی نگفت در دست تان روز هائیکه سناری (تاریکی زندان) را با همی سنی و احسن نظری کار کردن روزید و سنیما تلم کرده بود خوشحال به نظیر میروید ولی با تاتر که میگردید به سرافرا اند در اثر شکسته قلبی چشم از جهان بست و بار در صوبه خود نشانده بجای دکتور غلام محمد طه بد برای همیشه در قلب ما و در جمیع ما خالی است و یاد ها و خاطره هایش در ذهن ما ماندگار روحش شادان بیاید موسی را در شش

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

بیشتر و در نتیجه چسنگی بیشتر به چسند با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از چهره های بود رخش سینما هند و یکی از باارمنگ ترین مردم تبرسن خوش برخورد ترین افراد فرنگی است در جهان نمایش امروزی او به همان بیمانه که در روی برد سینما (بد) جنبه مینماید به همان بیمانه در خارج از حد بوده سینما (خوب) شناخته میشود با وجود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست داشتن او در کثافات کاری های رسوایی یخن خرفی زده نشده است فلمازان جرات آنرا ندانند که با این ابراه ابدان و بیایلی یکشند که مردم در باره آن حرف صد نفی برزند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت قلم سازی از محویت تراوان سر - خورن است.

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

بخته تر و بهتر جلوه گری بشود این امر گواه بزرگ یک هنر پیشه سرگرم تمام آشته شده متواتر در جهان سینما هنر پیشه مرد یازن جسی دارد که برای آریه د پالوک ها نشیوه بخصوصی را در خود برورس بدهد (بکینه ورمستا) حرکت همین دانشه باشد که درین زمینه بریم چو سه از موفقیت چشمگیر برخوردار است بد آنکه در فلم هالادانی د پالوک عالی ابر وجود عادی بودن از - فصاحت و بلاغت ادبی مردمان - عادی را کاملاً جان میزند مثلاً که میگوید: ((به معنای ای شتم که سنگه با نیشه شنگانه)) لحن صد او نشیوه ادای د پالوک های ای یگونی است که شنوندگان و تماشاگران را وادارند که آنها را دانمی بیند آرد و با او وقت میگوید: ((نام ما بریم چو سه اس)) گویا میخواهد کار را با کتر کارلسی فلم در نمایه حینیت و نفوس شخص خود حبه را دعیت گرایسی

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

تصویر بردار... (تکرار متن قبلی)

مرد خشن...

بقیه از صفحه (۳۱)

(جان واین) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژند و (۱۷) نواحه می باشد و در شش (۵۰) سالی که موزن سرعان در چار شده مدتی تب ابری گردیده و کسار امروزمی را در هنر قلم سازی از دست نداد ولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیوروستی لانجلس اعانه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست.

سازمانت کودکان

چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود ،
فرخنده نام ، فرخنده خروسی
داشت و خروسی هر صبح زود از
خواب بیدار شد و دیدگون
بانگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !
پس از آن سویی فرخنده دیده ،
از کف دستش هاله مارا با منقار
خوشی چید و آرام بروی دراز
چوکی که جلو خانه شان قرار
داشت ، کارش می نشست .

خروس برهائی رنگارنگی داشت
و طوری جلایش میکرد که گویا همه
بارون جرب شده باشند ، روزی
از روزها فرخنده نزد زن همسایه
ماکیانی را دید و از ماکیان و
بسیار خوشش آمد ، به زن همسایه
گفت :

ماکیان تابه من بده و من
در بدل خروس را بشما میدهم ؟
باشنیدن این حرفها خروس
تاجش را به پایین او بختنه
و سرش را به زیر انگشده چه
این خود مالکش بود که میخواست
ویرابه کس دیگری بدهد ، زن
همسایه با فرخنده این تعویض
را قبول و ماکیان را در بدل خروس
به فرخنده داد ، فرخنده
به زودی با ماکیان دوست شد ،
ماکیان با پرهای سفید خود
احساس گریس و آرامش می نمود ،
همه روزه یک بیضه تخم میگذشت
گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف
کنید .

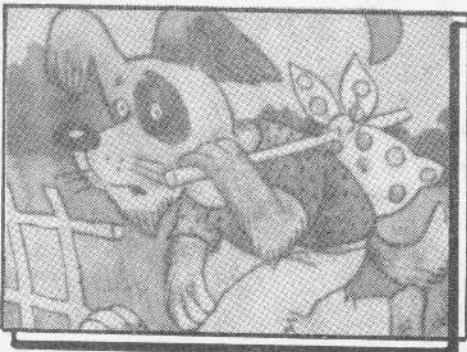
فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،
همواره ماکیان را در آغوش گرفته
و بروی برهائی زیبایش بصهریانی
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه
رو بروی شان همراه پایک مرغابی
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از
مرغابی خوشش آمد و از زن -
همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید
و من در بدل ماکیان خود را به
شما خواهم داد !

ماکیان از شنیدن این حرفها
نمگین شده و از تاه ترشد پند
بالعایش جانب زمین او بختنه
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -
شت ، چه این مالکش بود که
من خواست وی را به کس دیگری
بدهد .

دیری نگذشته بود که فرخنده
با مرغابی دوست همیشی شد ،
یا هم یکجا به دریای رفتند و در -
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا
میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم
آنقدر رها دور شما منکم ، زیاد را
در آنجا زرف است (با این صدا
دخترک دوباره به ساحل دریا
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد
یکی از روزها همسایه بی باسگ
کوچک دوست داشتنی خود به
خانه فرخنده ، شان به معناسی
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به
قد رکابی از چشم نگذشتند ، بود
که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در
بدل من مرغابی خود را به شما
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -
شنید ، بالعای خود را از روی قهر
به هم زده و از منقارش آواز -
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند
می کشد ، همه بی فایده بود و
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست
کشید و گفت :

خروس داشتیم که با ماکیانیش
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتیم و آن
را در مقابل مرغابی به کس دادیم
و حالا مرغابی را داده و سگ
قشنگی بدست آوردیم ، همینکه
این سخنها به گوش سگ رسید ،
دم خود را جمع نموده و به زیر
دراز چوکی خانه فرخنده خود را
پنهان کرد ، در تاریکی شب
هنگامی که فرخنده در خواب
شیرین بود ، دروازه را آهسته
باز نمود ، و بایک خیز به بیرون
خانه جست و یابه فرار نهاد ، در
راه این سگ دوست داشتنی
زیر زبان زوزه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم
یک جا زنده گنم ، وقتی
دخترک بیدار شد خود را تک و
تنها یافت .

آیاتناسی د . . .

- ۱- آیاتناسی د یوځای نه
- ۲- آیاتناسی د یوځای نه
- ۳- آیاتناسی د یوځای نه
- ۴- آیاتناسی د یوځای نه
- ۵- آیاتناسی د یوځای نه
- ۶- آیاتناسی د یوځای نه
- ۷- آیاتناسی د یوځای نه
- ۸- آیاتناسی د یوځای نه
- ۹- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۰- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۱- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۲- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۳- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۴- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۵- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۶- آیاتناسی د یوځای نه

په لاس راوړل شوي نمرې جمع کيږي .
د آزمايش نتيجه :
تر ۱۵۰ نمرې پورې :
که غواړي چې د کورنۍ د خپل کور د ميرمنوله جملې څخه وشميرل شي بايد پخپلو کارونو کې نور هم د پيچيدگۍ د نظر وگرزي ، تر ټولو د مخامخ بايد د دې چې د وخت په موند - اقتصادي واړس ، او په ښه صورت سره خپل کار ته سازمان ورکړي .
د ۱۵۶-۱۹۰ نمرې پورې :
تاسي کار که ياستي ، هر نړۍ - ستاسوي کورنۍ خپل مشخص تعادي لري ، که چيري تاسي کوم وخت څه شي بايد ولټوي د لادي کبله چې تاسي تر اوسه پورې د کورنۍ ضرور - يات په ښه توگه ندې زده کړي .
د ۱۹۰ نمرې څخه پورته :
ستاسوي کورنۍ د استقبالي خيالي دي ، هميشه يوڅه شي مينځي ، يا کوي او يا جاروکوي ، اما اعتبار ولري چې د کارونه لاندې هم په لږ قدرت او په کم وخت کې تر اوسه تر سره کولاي شي ، لادي کبله لږ لږ سوې تر څوچه وخت لري ، اما بايد هيله کړي چې په دې کورنۍ مشکلاتو څخه نور مصر و - فيتونه لکه تياتر ، سينما ، کتابونه او ملگري هم شته دي .



خانواده سوگوار است

فایده . . .

بقیه از صفحه ۳۰
بعد از نسخ نامردی همیشه نامیل ماز طرف اعدا تعهد میدهند ، در پس که صاحب منصب اند همیشه آنها در وظیفه میبودند نامیل ما مورد تعهد قرار میگرفت بولی من هرگز به سران چیزی نمیگفتم موضع را بنهان میکردم تا مباد امنین آنها بر خورد صورت گیرد ، بالاخره بتاریخ ۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه ساعت ۲ آن حادثه المناک رخ داد ، آتش جاوید بسر بخانه آمده بود ، صبح چندین بار صدایش کردم گفتم مگر رگد از خوابم ، نمیدانم چرا خوابم بوره میشود ، وقتی در زده شد ما رینا د ختم رفت تا ببینند کیست همراه با باز شدن دروازه صدای دو غیر مری و فریاد د ختم شنیده شد ، جاوید وارخطا از خواب برخاست بطرف برون دوید ، د ختم انیتا که بیشتر از برادر خود ش را به قاتل رسانیده بود ، مورد اصابت مری قرار گرفت و لسی برادر خونش را سپهر خواهر ساخت که یک مری در جان خواهر ۸ مری در جان برادر جای گرفت ، وقتی من به نزدیکی رسیدم خواهر و برادر هر دو د رگوش هم بودند برادر با وجود آنکه سوراخ سوراخ شده بود میکوشید خواهر را از افتادن مانع شود ، ولی بعد هر دو بزین

افتادند ، من بای لی و سولج عقب قاتل میدویدم او بطرف سرب میدوید وقتی به سرب عمومی رسیدیم ، زیر سینه اقبال همراه با او شارسدوی او را احاطه کردیم ، چون در دستش سلاح بود کسی جرئت نمیکرد نزدیکش شود ، گفتم او را بگیرند تفنگچه مریسی ندارد و بایند شده در غیران من تا اینجا زنده نمرسیدم درین اثنا دو مظن حوزو رسیدند و او را گرفتند ، او را دوباره به محل حادثه آوردند به جن خود اقرار کرد همه جاها را نشان داد ، گفت بازم می آیم همه را میکشیم و دختر را میبرم .
پس راه شفاخانه بردیم ولی او مرده بود ، طب عدلی ۸ مری را در وجود او نشان داد .
ولی من همان لحظه بخون فرزندم سوگفت یاد کردم او که پس را ظالمانه کشت من او توسط قانون میکشم .
دو دخت زخمی شدند یکی در کرده و دیگری در رطن .
درین یکسال چقدر دویدم روزها بال و دهن خشک بایین ویلا تا دویدم یکسال مدت کمی نیست .
در طول این مدت بارها از طرف قاتل نعمت الله هغه ما تعهد میدادیم . بارها گفتند شما که خون ربا خون می شویید ما همه تا ترا نابود میکنم .
ولی هرگز از تعهد آنها نترسیده ام زیرا در صورتی که نعمت الله اعدام شود چانس سپم خود را برای نابودی نامیل من از دست میدهد ، اینک نمر مکتوب را بدست دادم که نعمت الله د ولد نور هم بتاریخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳ به اعدام محکم شد .
با اعدام او دلم اندکی آرام خواهد گرفت دیگر جسم سوراخ سوراخ شده جاوید که فقط ۱۸ سال داشت مقابل چشم من هزارها بار جان نخواهد داد .

نقش جدید من . . .

بقیه از صفحه ۳۱
من در فلم سفر نقش مصطفی را بازی میکنم که با گروه از جوانان که برای سواد آموزی به قریه دور افتاده میروند و فلم نیز از همین جا آغاز مییابد . و حوادث فلم یکی بی دیگری اتفاق میافتد و - گروه از جوانان به شمول مصطفی با این حوادث درگیر میشوند و - قهرمان متن باد یگر جوانان با شجاعت و پای - مردی با ان دست و پنجه نرم میکند و در مجموع فلم نمایانگر آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده و بدون ترس با شجاعت بهتسو میتواند به هدف دلخواه خود برسد .
من از نقش راضی میباشم زیرا اولین بار است که نقش یک جوان تحصیل کرده و روشنفکر را بازی میکنم .
و نقش های من عمدتاً با نقش توری در فلم مسافر و فضل و در فلم مرد هاره قول است فرق دارد .
در این فلم با من سعید اورکزی واسع صدی ، اسد الله آرام - خورشید ، فریده ، همرا ، انجانا شمس ، موسی رادمنش ، فتح الله بزند ، شاه محمود شارق ، زلمی عبادی همبازی میباشند .
فلمبرد در فلم محترم قادر طاهری بوده و اهنگ از محترم شاد کام میباشند .

دواړې

بڼه ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر اېده ال بود
 بازي هر چيزه مانه شيد اكر -
 خنده دار بود از دل مې -
 خنديد، سهم نگاه ميگردوهي
 ميخنديد و انيس خنده بخود
 مېلزيده، اين كوشى مراجوات داده
 به تويح تهم پرداختم *
 سنت يې مقدمه خطاب به
 ديگران گت: ببينيد اين آدم هر
 كاره است، ولگرد، انا، شام،
 ابيد وار، تنها چاشق پشه و -
 ماجراجو، او ميخواند شما را مقاصد
 سازد كه عالم، مونسين، اشراي
 و بانگري پولواست و در زين حال از
 بوداشتن تهم سوخته سگرت و -
 شيريني برخاك افتاده ننگ ندارد.
 - خوب من او ريسه خود را
 به پايان ميرسانم ميدانم كه وقت
 و شرايط بر ايم بهمار مناسب بود.
 محبوب مردم سراسر جهان شدم.
 هم دوستم داشتند و هم از من
 نفرت ميگردند *
 بلي زنده گي از ديمه هاشي
 خويشتن بهتھن رابمن ارزاني كرد.

البته يك كى از ناملمات راهم
 تلاشچيان چارلي بهتر چه
 هاو كارگران بودند، بهر خلاف تصور
 همگاني فلمايش تا سال ۱۹۲۰ -
 هنوز مورد عاقله امان و اشرفان
 ترارنگرفته بود، نيز آنها هنوز
 خام و عوام پسند بودند. شايد -
 تقاضاي زمان بود كه اناوش رنگ -
 ماهانه داشته باشد. طبقه با
 سواد و تصميل كرده كى در بر تبه
 چارلي عاقله مند شدند و ميانها را
 نتوانستند او را منحرف سازند. از
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((كويچا
 درام)) ۱۹۱۷ او دوش ننگ ۱۹۱۸ -
 و ((پسوك)) ۱۹۲۱ او ((زايير)) ۱۹۲۳
 و ((جستويي خلا)) ۱۹۲۵، او -
 ((روشنايي شهر)) ۱۹۳۱ او -
 جديد ۱۹۳۶ آنچه به نظر مي رسد
 نه دگرگوني بلكه ژرفايي و كامل -
 شدن شخصيت ((ولگرد)) است. حتى
 لباسش كه اتفاقاً بر او بعد از ظهر
 باراني تدارك شده بود كم كم معني
 خاص ميبافت. در اين لباس زنده -
 پوشي از نگاه نجبا، لوكس
 از نظر فقرا، نقش مرسد
 فقير يي همه چيز را بازي ميگرد
 باشجاعت تمام واقفيت تلخ فقيرتھي -

دستی خود را نادیده میگرفت چارلی
 نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد.
 برای تجسم روحه ((مرد كوچك)) از
 حيله های بصری و تبديل ناگهانی
 اشيا كه در قلمهاى نخستين به
 كار ميرفت استفاده مي كرد. مثلاً در
 ((پسوك)) وقتی چارلي دستكش يي
 انگشتش را بپروم ميگريد تا هم سوخته -
 يي را از قوطي سگرت (قوطي سارھن
 است) بپروم آورد اين حرکت عادي
 را ظهري انجام مدهد كه مانند
 تنفس بسيار ضريف و گرانجا به
 نمر مي رسد. در ((روشنايي شهر))
 چارلي در مهماني مجلل اشياي ز را
 بي بلعدو از درون شكش صدای
 وصل شنوده ميشود و نيز در كار باره
 وقتيكه توشه های كاذب با مگروشي
 مخلوط ميگردد. اين دو واقعه هر
 يك عمو بهر ايناكه به جاي خود بسيار
 خنده دار است در ضمن تعاليشگر
 است كه چگونگي چارلي از در و جان
 ميگردد تا هرگز جماعت نشود. تا
 ميلموتوان، دختران، بانوان خوش
 لباس او را در جمع خود ميديرند و لي
 چارلي بخوي ميدانست كه كوچك
 مردى هرگز نمیتواند هرگز اين -
 جماعت نشود. سرنوشتش چنين است
 كه هميشه در تاريكي به اهد و انتظا

بسر زد و هميشه با نهندي دورتي نسا -
 اهدى را از خود دور براند *
 شايد در اينكه چايلين دوروز -
 گاراني كه مردم به سنن و رسوم
 جامعه كردن نعاده بودند -
 شخصيت ولگرد خود را جلوه دهد
 معنائ خاص نعهته باشد. شايد
 چايلين ديگر (صردك كوچك) به
 نهر و ايمتادگي اش در برابر اجتماع
 ايمان نداشت و شايد احساس ميگردد
 كه رساندن پياش به جهانسان
 بيان صريح تر و مستقيم تر را ايجاب
 ميكد. وان اناكه به نفس و ملامت
 نرواني چارلي ولگرد ديگر بر او -
 اين منظور كافي نبود. حتى ارسال
 ۱۹۴۰ به بعد بافلم ((ديكتاتور
 بزرگ)) چارلي شخصيت خود را كاتر
 گذاشت، تا از ته دل پياش اهد -
 واپي دهد و دلگرم كننده اش به
 كوشه های مردمان خود شنوده در
 نيرسا و ظلم و استبداد برساند.
 در فلم بعديش ((سپوورد)) -
 ۱۹۴۷ چارلي ولگرد بلكي ناپديد
 شده، در اين فلم، كه شايد -
 هميان اميز تھن فلم باشد، قاطبي
 در دفاع از خود ميگردد كه جنليت او
 انا گناه نيست بلكه قيايسه
 آن وحشتناك است. ((قتل يك
 تن انسان را چايلينكار ميسازد و لي
 قتل چندين ميلمون تن باعث افتخار
 است))

از وي، تاسي و لوستل جسي
 اداري مرستيال ددغي نيمى
 و رعي صلاحيت به زور، تولسو
 د فترتونه دخيل خان د سر -
 پرست والى رسمى اطلاع مي رسوله
 اود هماني ورعي له فرمى و روسته
 چي فنى مرستيال ترجميكي خان
 و رساوه، نوپولود فترتونه يي د
 خيل كالت متحد المال مكنوبونه
 و ليزل، به دوهمه و ربح سعار
 اداري مرستيال بنغه جسي
 موسسى ته رايى، حال دا جسي
 فنى مرستيال له پيښي ناخبره
 به اووه جسي ټكسى موټر كى له
 نورو ما مورينود مخه خان موسسى
 ته رارسوي، خوكله چي خو كيدا ر
 ورته واي چي اداري مرستيال
 ترده دمخه راغلى دي، نونسي
 مرستيال د موسسى به عوميسى
 د روزه كى لكه، و رگى به خاي
 و ر كلك با تي كيزي، اوسر به
 و گوروي دغه لويه د جابه كټبه
 راخرخي:
 (يونم او ملام موزيك دي به
 خيله لوستونكي و غمز وي)
 راوي: كه فنى مرستيال
 موسسى د روازي به خوله كسى -
 لرگى غرضي ته تكيه نه واي كړي،
 نوبى له شكه به به خمكه راغور -
 بخيدلى واي، دومره ورسره
 بخت ياري و كړه چي د ما مورينو
 موټر و رارسيدلى، كه نوبه
 د غمى و ضعيت د فنى مرستيال

ليدل كومه وې، خبره نه وه هغه
 د اداري مرستيال به دغه موقتي
 برلاسي نا اميده نه شو، او نيغ
 خيل دفتر ته لاړ، فنى مرستيال
 د دي له باره چي اداري مرستيال
 يي به راتللو يوه نه شي، خيل
 بوټونه يي د دهلپزه د روزه كى
 وايستل اولكه د چرگانو د غله
 غوندي د گوتوبه خو كو خيل دفتر
 ته لاړ.
 (د فنى مرستيال د ورو ورو -
 قد مونوبه گرونه كى دي محترم
 لوستونكي د قمرگلى دغه مند ره
 چي: ((وړو وړو كيد ه قد مونبه
 اشنا)) له خانه سره زمزمه كړي)
 به دغه وړخ اداري مرستيال
 د ويره د وړند درياست به چوكى
 باندي ناست، چي به اړ مونو
 به هم جانه واي ورخني اړ ولى،
 د غمى وړوي يي هم دخيل كار
 ميزله پاسه وخوړه او په دا لويه
 وړخ كى يي ترماز د يگره پوري به
 چاي وړوه هم ماته نه كړه.
 د فنى مرستيال خانه سامان
 حضرت مير چي يو وړخ دمخه يي
 د كيم غروزي كار له باره له فنى
 مرستيال څخه اجازه اخستې وه،
 به دغه وړخ كار ته نه وراغلى،
 كه چي اداري مرستيال له دي
 پيښي خبر شو، د اجيرا نوحا -
 ضري يي دفتر ته وروغويسته او به
 خيل قلم يي ((نيم روزه)) نير -
 حاضر كړ، فنى مرستيال به دغه

وړخ د چوكى به نه نيولود و سره
 خپه نه و، لكه دخيل خانه سامان
 غير حاشيد لوچي به قهر كړي،
 دوه د ري حله يي تيلفون ته
 لاس ورتير كړ، خود تيلفون له
 لاري اداري مرستيال به يي ابه
 كړي، خو هر خل به يي به
 شيطان لعنت كړ او دغه كمات
 يي بل وخت ته پريښود. هغه
 پوهيده چي اداري مرستيال د
 رياست به چوكى پوري ميغ
 شوې نه دي، او غرو به يووخت
 وروځي پورته شي، هغه وخت
 چي فنى مرستيال يي فال به
 زړه كى نيولى و، د رسمى وخت
 پاي ته رسيدل وو، كه جسي
 رسمى وخت پاي ته ورسيد، نو
 فنى مرستيال د اداري مرستيال
 د غافلكير كولو له باره د نورو ماو -
 رينو به خير له دفتر ته راويست او
 په لوي لاس درياست د دفتر
 د كړي تر څخه تير شو او به داسي
 حال كى چي اداري مرستيال
 درياست د چوكى له سر نه ورته
 د سترگولاندې كتل له موسسى
 ووت.
 اداري مرستيال د رسمى وخت له
 پاي ته رسيد و وروسته پوره يسو
 ساعت لا هم غمسي تينگ به چوكى
 پوري نېټي و، كه چي دخيل
 رقيب به تللو پاوه شو، نو
 د روزه يي به خيل لاسركولې
 كړه او كوڅي يي به حيب كى له

خانه سره و اجوله، خو خبره و
 چي فنى مرستيال به كوڅي
 لا برون ترلاسه كړي وه او هم يي
 د ديوال له لاري موسسى ته د -
 بيرته رانوتلونيت كړي و.
 (دلته دي يوازي درياب يوه
 لنده نغمه د خوتانيوله باره -
 وژول شي)
 فنى مرستيال د ماښام وړوي
 به كور كى وخوړه او د سهار له
 باره يي يوه وچه وړوي او خو
 ايشيدلى هكي له خانه سره
 به بگر كى و اجولى، د ماښام
 به خړه كى د موسسى به ديوال
 ورواويست او به بيخه زړه يي د
 رياست د روزه و رخصت كړه او په
 خرڅي چوكى شيز اووه خرڅه
 هاڅواد پخوانا و راتاو شو، كه څه
 هم دشپي دخوب او ملاستى
 له باره به دفتر كى يونغ او -
 مناسب كوچ هم بوته و، خوله
 دي ويري چي سهار دي ويسه
 و او چوكى يي اداري مرستيال
 ونه نيسي، نوبه يي به همافه
 چوكى سبار كړه، (دلته دي لوستو -
 نكي داسي فكر كړي چي گوندي
 چرگان بانگونه كوي اوله د غمى
 بانگونه سره پيڅاي دي د صحنى
 بيلولو يوموزيك هم ورسره وزي
 سهار اداري مرستيال بيا
 دخيل رقيب له ويري به همافه
 وروځي وخت موسسى ته راغى،
 پاتي به (۷۷) مخ

دواړې

915



مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی
تان با ناد هویلا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما یک بارتی
و یا ملاقاتی که در منزل مد هویلا تقریباً صورت
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت
منام - ترتیب بارتی در خانه مد هویلا بود -
(بندره) بعضی صورت گرفت که از جمله
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلپ گماز
نوروزان بلراج سمانی و چند نفر دیگر هنرمندان
معروف و علاقه مندان مد هویلا تشریف داشتند
راستی در سفر خترافان که دو خواهر بود رسید
و حدیث در رحمان فنی شروع بکار نمودند
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهنکشان
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم
رسانیده بودند - دعوت ساعت چارم شروع شد
همگی حاضر شدند - دو هم شیره مد هویلا، کیتس
و جنجل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند
موجهر شوهر هم شیره مد هویلا هم تشریف داشت
که او هم یک هنرمند جهان شناخته شده فلم بود
عکاس موفقی گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هویلا
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصره
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو زبان آغاز شد
از کابل و هوای آن و سوره جات تازه و خوشک
افغانستان که مخصوصاً بسته وادام، کشمیر
و انگور و زعفران افغانستان در هند شهرت
فوق العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای
جسارت و بیاریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما
می شناسید - از خدا می خواهند مومنی برای شان
بیا آید که آدم را سوال بپرسد و سوالا مختلف
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هویلا دوست
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق
چینت گری می میگفت چرا مد هویلا برای محبت
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسید معنی عشق چیست
و من باید همه این سوالها جواب میگفتم، بعد و ن
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و من به اردو و چارمی
هم به زبان دری - من در بین خیران و سرگردان
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بد هم
همچنان مد هویلا را میوال بیج کرده بودند که
آیات هم علی مستزنی را دوست میداری یا اینکه
عشق او کفره است یا یگری میگفت چطور است
با او ازدواج کنی ؟
و من درین گمرو دار درست آنرا پیدا کردم که
کتاب ((وینوس شوق)) را که برای مد هویلا نوشته
بودم و شام ده هزار بیست میباشند - با تشریفات
مخصوص بحضور تقدیم کنم که این صحنه از طرف
حاضرین با یک زده تهای زیاد، استقبال کردید
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه
آن میناتور و دیباچه جداگانه داشت و چندین قطعه
تصویر مد هویلا را رسم کرده بودم که از جمله یک
رسم مذکور مد هویلا را در لباس انسانی که مخصوص
افغانستان است نشان میداد - بنابراین کتاب
دست بدنت کرده بودم و باره بدست مد هور رسید
که او کتاب را پوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته
گفت ((این یک کتاب مقدس است برای من که باید
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید
که شعر برای یک ستاره فنی ازین نوع العاده
دارد)) - مد هویلا ضمن بیان خوش اخلاصه
نمود: ((تو من لقب وینوس شوق را دادی که این
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف
دای - جست آمریکا هم من بیگرا می من منتشر
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده
استند)
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا
انقدر بلند بردی که به ستارگان آسمان رسانیدی
و این برای من راستن مایه افتخار و مباهات است
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعرا ترا
نمیدانم و یا خلق ناشناس و ناسیاس هستم))
مد هویلا افزود: ((در یکی از جراید فنی بعضی
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -
بودند و من این را نماند نمیکنم اگر به معنی جنون
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق
باید آری باشد، جزای ؟
زیرا تو شاعر هستی نویسنده بود اکثر هستی
من توانای مجنون عاقل نامند تو سمول و رهنمای
عشاق هستی، تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر
عالی هستی، تو توانستی با تمام مشکلات دست
و پنجه تنم کنی و ناممکنات را ممکن سازی، هستند
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان
پذیر نیست و تو بر علاوه اینکه از افغانستان
تالیا (میدی) آمدی بعد از کدام حادثه
بود که مرا وادار کردی تراه نزد خود بپذیرم - هر
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده
ای باز همه اشعاری که برایم نوشته ای بیکبار دیگر
ساز و شکران خویش را در حضور همه این هنرمندان
دایرگروه، ژورنالیست ها و مدبران جراید بتو
تقدیم میدام امید رام بد پرته گردانم - در اخیر
گفتار و بیانیه مد هویلا در وقت از قسمت آخرین
کتاب را برای من چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار
بیست که سروده بودم - گفتم :

هو کن گریمن جسارت کرده ام
ازم در یک اشعارت کسره ام
نیت نگاهشتری مفتون تو
گشته عالم غرق در آسوس تو
مد هویلا فوراً گفت : من غرق در آسوس تو
در اینجامد بر مسوول مجله کهنکشان گفتم :
(زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای
سلطان محمود غزنوی بفرمایش سلطان نوشت
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشعری برای
بخشید یعنی در عوض صحت هزار بیت که سروده بود
صحت هزار طلیح اشعری برای فردوسی داد - و او
درین اثنا طرف مد هویلا نظر انداخته و خاموش
ماند - مد هویلا گفت : ((من قدرت برداخت
ده هزار طلا را بدم و این مبلغ را برای داکتر هلی
بپردازم)) - من گفتم : ((قبول نمکنم - زیرا فقط یک
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ارزش دارد))
گفت : ((من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -
هزار طلا میدانی)) - مد هویلا همیشه مرا بنام هلی
خدا میگرد و من هم او را مد هوی - و گاهی متاخر مد
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند
در وقت بد شدن حسین و رقیب - بعد از صحبت
بموسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل بی پایان رسید
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند درین
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سمانی سرا
از تر بد بیرون کرده بگفت : ((بیا همراه من برویم
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است))
درین وقت مد هویلا مداخله کرده بگفت : ((بهتر
است هلی شب همین جا ماند جا دارم)) - و من این را
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا
در کتابچه با دست خود نوشتم :
خداوند آنچه منزل بود شب جایبک من بودم
هر سورقم بسمل بود شب جایبک من بودم
بوی پیگر نگار سوز قدی لاله رخساری
سرا یا آنت دل بود - شب جایبک من بودم
رقیاب گوش بر آواز او در ناز و من حی -
سخن گفتن چه مشک بود شب جایبک من بودم
- به هر حال اکنون که ماد هویلا عزیز شما
جهان فانی را وداع گفته کنون عاشق کی استید ؟
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال
و مشکلات برای من است که میخواهید حتماً سرا
توسط کسی بی آب سازید - هر صورت جوابتان
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا
تان جواب گو باشم
پس گفتم :
ما من خداداندولی در شانه من بینم
که از سودای کیسوی کسی دیوانه خواهم شد
در پایان صحابه اگر سوالی دیگری داشته
باشید از شمارایی رحمتتان که با من این صحابه
را انجام دادید اظهار سپاس منبام - با تقدیم
یک راضی علامه اقبال :

در ارتب نامہ ہائے

درین ماه بازم از دوستان خود نامہ های بومحبت بدست آوردیم ، ما از نظریات و انتقادات آنان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فرید احمدی ، برشنا نظری ، محمدعارف شمانی ، محمدشاه آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت فرشته ، نسیمه میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمد صابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیه آریائینی ، شمع حسن زرمینه دانش الهام الدین نعیمی سید فراخرفی ، دیاناویس فریبا وین خیرصافی ، احمد نوید احسان الدین ، تمیم صادق سیحیل فرولی ، محمد داود فرولی رحیمه معین

مریم دانش ، نظیفه بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانشجو عادلہ انور عزتی ، فلورا اتایی رویا مشعل ، صدیقہ فریبا سریزاده ، عمایون ، سید محمود شرفی ، نیلہ فروغ ، رابعیہ دیبا اثر ، شرمیلا ازلیسه سوریا ، بریالی شرفی کارمند شوراب زریز حسینا غزال ، رابعیہ ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فرید فرولی ، سونیا اسلمیار ، زهره بول ، فرزانه سیدالی ، شکریدہ نادیه رضایی ، ناجیہ ، ختابہ نور ، احمد شکیب ، عبدالرشید وحید الله ، احمد فرید سرباز صاف احمدی ، روشانه ، نظیفه ابراهیمی محمد نذیر شکیب انسر ، روحانه اعلیاری ، خالی مومند ، فرزانه

عطیہ ، رشیدہ ، فرزانه ، شکریدہ ، حنین ظفری ، عبدالوہاب راسخ ، هنگامہ ، رابعیہ راح ، جمیلہ کوهستانی ، فائزہ یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعی کرام الدین نیاسی ، فوزیہ نوایی عوث الله ہمدرد ، سید قاسم سعیدزادہ ، مسرورہ دوریش محمد زیار وزیری ، رابعیہ وفا ، فاطمہ ، رقی اللہ فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزادہ ، فائزہ مارینا عبدالمجید یزدان برست گل علی نعیم ، نصرت اللہ فریدہ نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاه حسینی ، کشکشا عبد الخالی تفتیق ، بهرام علی خالدہ شعب ، محمد آصف فاطن ، فائزہ شعاب زرمینہ فقیر یار ، محمد سالم ، نجیہ امید ، الا اناعرفان ، عادلہ

اختر ، غلام عباس شاکری ، نعیمہ رحیمی ، محمد عارف تنہا ، مومند ، نوربہ میرزاد ، داکتر ملالی شریف محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیب نیلہ انور ، مارینا خوشہ چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیه یوسف زری ، غلام داود محمد یار سعیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امرالہ ، اصمہ مدین یار امید ، فیز محمد متین ، لیل سعادت خیال محمد حمیدی ، فاطمہ نورزاد ، مارینا انور تونی احمد شکیب ، سید اسد الله نقشبندی ، محمد داود حساس ، سید موسی عباسی ، احمد سیاہ صبیح سرباز خاندونی و امنیت دولتی سروان

وسید نجیب اللہ عاشق محمد امام حزین محصل سال چهارم پوهنخی فارسی پوهنتون کابل .

دوستان خوب از کسارت ارسالی تان تشکر و توفیق مرید شما را تمنایم .

رضوان ساحلی از مزار شریف ، چهار نامہ تان سر بہ سر رسید ، کپ های تان قبول ، اما باید بداند کہ در میان مطالب سیاسی ہم چیزهای دلچسپ وجود دارد .

عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شما ہم آدم بزرگاری هستید لطفاً اگر تون خبرنگاری دارید یا خلیلی حکیمزادہ از ولایت هلمند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ما ہم میخواہد سیارون را اول بہ شما بفروسم ، حتماً در نظر دارم کہ بہ ولایات محلہ برسانیم .

مود و فیشن یا سرنوشت مبین

شمس علی شمس محصل انستیتوت طب علی نامہ بی این مطلب را بہ ما نوشته و صفا تذکر داده اند کہ اگر چاپ نشود ہمکاری ام را قطع می نمایم .

((بہ سرنوشت مبین خویش می اندیش))

چہ زیباست تا جوانان ما کہ آیندہ سازان کشور خویش اند بہ جای آنکہ در انتخاب رنگہای سرخ و سبز لباس های بد روز قدیم میشوند بہ چهاران خزان زدہ مبین شان ببیند یسند زہرا مردم از او شان تقاضای خدمت را دارند و نمی خواهند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراستہ بہ لباسهای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحہات پسران و دختران مجلہ سیارون را دقیق شویم حرفی ہم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواہیم یافت بلکہ فقط مود ہا را می بیند و رنگہا را برمی گرداند اگر این صفحہات را از مجلہ جدا ساختہ و کلکسیون نمایم فکر میکنم کرد آورده های بہترین را ہم می درگوشی رنگہا در جہان مود و فیشن خواہد بود و ذوق های گوناگون جوانان ما با شکم های گرسنہ و در انتظار نان سوسنق ہمہ ذوقها محسوب خواہد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مبین بہ تلائم جوانان متعلق است نہ بہ بیبیرایہ گوناگون آنها . و من فقط بہ سرنوشت مردم و جامعه خویش می اندیشم و از ذوق های کود کانه و نابہ هنگام امتناع میوزیم زہرا این دقت (بہ مود و فیشن) بہ یک پژوهندہ علم و معرفت زیندہ نیست .

(براد عزیز ! درین صفحہات خلاف نظر شما مسائل اجتماعی نیز مطرح شدہ و ہتازہ اینکہ نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چہ انسان نیازهای دارد کہ باید انرا در نظر گرفت)

یاسخ های کوتاہ

محمد نعیم ولی عزیز اولی محصل در بلغاریا !

براد عزیز وقتی ازین راه دور نامہ می فرستید لطفاً از ہترین مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نہ از دیوان عالی کہ فراوانتر ایم .

احمد جاوید مجید بخشیریی نامہ تان رسید اما چرا اینقدر گلہ و گداری ہنکاری تان را بدین موشوم بہ ما نامہ بنویسید .

از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد اللہ داغ از ہنر کندز ، سلام ہا ہا ما ہم بدینا تشکر و نظریات شمارہ مجلہ سباز مود توجہ ما را از گرفتہ تشکر از دوستانی چون شما کہ با صحت تان ما را یارین میرسانید ، سواد شمارہ عالی تان تشکر تان مواردی است کہ وقت آن گذشتہ و اما در بارہ شعر جوانان حرف تان میتواند تأمل پذیر باشد .

چاپ شمارہ اول کارمکن ہم نیست و ہم است ولی از لحاظ زمانی برای چاپ دوبارہ آن فرصت نداریم ، ما کہ نشر نشدن نام آہنگ سازان کھدات را بدین ترتیبیون مانیت چاپ چیز است مربوط بہ خود آنها اما نشر است و کجا اما نظر اداری مجلہ ما نیست کہ بفرماید ما ہر کسی ہر آواز خوان نام آہنگ ساز تشکر یاد نمود از شما تشکر .

بہ ما در تماس شوید

براد عزیز برشنا نظری ، نظریات شمارہ مود در استان بازگرسر کردن در نامہ ارسالی تان خواندم . تشکر از توجہ تان اما مود این کہ در استان مذکور از استان دیگری تحت عنوان بازگرسر برد نوشته الیور گولسد اسمیت چاپ شمارہ سم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابل شدہ برای قابل تامل است . اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شمارہ متذکرہ مجلہ سخن را بہ دفتر نشر مجلہ بیازید ، از ہنکار شما صمیمانہ سپاسگزاریم .

یاسخ تان را بخوائید

بعد از عمر سلام خدمت تان باید عرض کنیم کہ جوانان ما چرا در برنامه های مختلف را بدین ترتیبیون ہمچنان در مجلات نامہ ما ارسال میکنند . اگر منظور اینست کہ باید این مطلب یا آن مطلب درایسن یا آن برنامه بہ نشر برسد ، تعیہ کنندہ گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیہ میکنند ، چرا جوانان اینقدر نامہ ما ارسال میکنند .

با ارسال کردن یک یا چند نامہ

باید گفتہ و رزند جوانان دیگر کنونی ما .

کہ باید بہ راد یو تلویزیون نامہ ہا ارسال بکنند ، جوانان کشیر ما خویش را از ذوق نقطہ اسم و آدر خود را از طریق راد یو و تلویزیون بشنوند و در مجلات نام شان بہ چاپ برسد .

تعیہ کنندہ گان برنامه ہا ، برنامه ما را بہ مردم تعیہ میکنند و مردم ما میتوانند بدون ارسال کردن نامہ ہا بہ برنامه واقعیت بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، ہم وقت خود را تلف میسازند و ہم وقت مسؤولین برنامه ما را .

امید دارم نامہ ما را سرتابا بہ نشر رسانید کہ جوانان ما در این بارہ چہ میگویند .

فوزیہ و صادقہ فارغ التحصیل لیسہ عالی مکریم .

خوانندہ گرامی ! ارسال نامہ بہ مجلات ویر نامہ های راد یو تلویزیون در ہمہ کشورہا بہ عمل است آنچه کہ درین نامہ ما آورده شدہ در انتقادات و نظریات خوانندہ و شنوندہ ہاست ، ارسال مطلب یک امر حتی است .

مطالب ارسالی شما

نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

زبان پوستر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی بزرگ باره ، متحن ورهیزگرگالی میباشند ودر مقابل مذقات ومضکلا حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیزطبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومسایب باشد برای تعلیم وترتیب ومعلمی مساعده ومعلمی برکاروشایسته معرفی گردیده اند .

۴- کسانی که ناخن بیضوی ((گرد)) وصاف وشفاف دارند مردمان برحوصله ، آرام وصلح دوست وصلح هستند .

۵- ناخن دست راست انده که کم رشد وکم باشد معمولا اشخاص شکم پرست وبرسرف هستند وبالاخره همه اروزند ار خود را به شکم مبروف کرده وبدریسا ط چیزی نمی گذارند .

۶- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ وروشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام ودوست داشتنی هستند .

۷- بالاخره انهایی که درموضع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین ((ساوی)) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند .

روشنه ((زین)) ازگوزن کابل سنتر

چطور از طرز چسباندن پوستر بر روی پاکت از دورن فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است ((فکرشواردم بیرون است))

۲- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است ((دیوانه وار ترامیرستم))

۳- اگر سر پوستر در وسط مقابل به سمت راست باشد مقصدش این است ((بمن اطمینان داشته باش))

۴- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است ((دیوانه وار ترامیرستم))

۵- اگر سر پوستر در وسط مقابل به سمت چپ باشد مفهومش این است ((دیگر ترا دوست ندانم))

ارسانی : حلیه

مستوره محبت نامری (استعداد تاز، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست) بلقیس احمدی از بوهنی علم طبیعی (بیتی از گردید) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا
برخیزم از خانه به میخانه گرم
سایره شکیب از ولایت جوزجان (پارچه کردن حملات بمصرع وار نوشتن شعر نیست) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید .) شکلا ازلیسه "آمنه" فدوی (خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبته کنید .) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیتی های تان با کمی تصرف :
الله یار جان بگیرم اصل نامست
کبوتری میگردم به با مست
اگر یکبار بگویی یار شیرین
شوم ندقه همونک زبانت
(نام) و (بام) با (زبان) قافیه نمیشود . حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر نمیکند - بمصرع سوم نیز یاد است .) خالده خرم اقل "مهم" :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامد سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد "بندی از سروده" تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :
خواهراتم بگذرید از مد تو
مد تو ارقش ندارد یک دو جو
تو مکن تقلید از هر بیگانگان
ابروی خود میرزان را یگسان
کی توامد خوب و نه با همکند
بسل تو این کار رسوا همکند

هنزه نوین از نوسالی بلخمری :
دوستی های که به نام ((تک بیت)) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید . سفوکودی به شهر دور دستی دل نازکتر از جام شکستی بیهاترک وفاکن ((بیوفا)) چنان به هر آیین و هر مذهب که هستی ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام ازب . اقتصاد :
((نارام)) راه منظر که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا مازت ختمک ساختمانی :
برادر عزیزه اوقات بیکارن را کارکند و نه شعری راکه به مجله می فرستید بنهسید از کت ؟ از شما هاکن دیگر ؟

ملالی محبت : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟
فریده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر ((در خیال)) شما گامستی های فراوان دارد .
جستن معشوق از طرف شام و در شعری ، ((سنتی)) نه نخواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل : خبیبه :
به املا و اثباتوجه کید بیتی از شعر تان :
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .
در کلبه "فزده" گناه و فغان بود .

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی (خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که مام دارم) . نوریه عطا (تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید) . سمیرا نجیب سادات و خاطره همایون بیوزاد ازلیسه ، مریم (دوستی تان قابل نشمر نیست) . عادل اختری از وزارت امور عودت کندگان (شعر انتخابی تان اگر قسم یک بیت آن :
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان
تا بیره درد کمر نشناسی دوامکن)
سخن مراد مسکین امسرق . غ ولایت مزار شریف (شعر تان گامستی های دارد با انهم دوست آنرا نسر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش دهید :

کنون از حال زار من مبرسید
که فرم دوستان در عالم خود
خراب یزار و حیران نمودی
بت شیرین ادا می از غم خود
شکیلا نور از بوهنی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :
ای قاسد آرزو نامه زد لذت زنداری
از هر تسلی زبانش سخنی ساز
لینا نارام ازلیسه آریانا (خواهر عزیز) ماد را در بیت دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید .
اینهمه قبل بنام ازلیسه ، مریم (دوست عزیز با شعر ارسالی تان زنده باشید :
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفگی
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید
برود یوار شورا این سخن باید نوشت
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید
میروس نژند ازلیسه انصاری (دستور زبان) و زن قافیه ود دیگر معاییر شعری را با موزید . رباعی تان لغزشهای فراوان داشت) ، فریده احمد امید از مرزا شریف (استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :
باز فصل باغ بوستان میرسد
لبیل دل در گلستان می رسد
سبز میگردد چمنزار امید
نوعروس باغ خندان می رسد
شکیلا پوهس از مزار شریف (طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما :
باز فصل نوهاران آمده
فصل شوق مند لیان آمده
باز گلگهای فریبا و قشنگ
سوی بوستان و گلستان آمده
من شکیلا خوانم هر دم این سرو
لبیل غیلم نزل خوان آمده
وازه بوستان در مصراع جام ثقیل است اگر ((بوستان)) بسازم این نغمه رفع میگردد مصراع پنجم را به خاطر ثقلت و اژه هر دم این طور سازید خوب است :
((هر زبان خواند شکیلا این سرو)) . آری از طب کابل (شعری در رسا وجود دارد ، فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید .) پارچه . ک ازلیسه رابعه ، بلخی (صرفهای که به آری جان گفتم در مورد شما نیز صدق میکند .) تونر عبد - الصادق ((هارون)) از کینناری بگرامی (دوستی های تان را به برنامه های فولکلوری راد یو فرستید) شکیلا نجیب ازلیسه آریانا (نامه تان با چها ر چشم رسید یک بیت از گردید های تان :
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این
الوداع ای صبر و تقوی الوداع ای عقل و دین

نگارها

۱- کم دانستن و بزرگترن مانند بول نداشتن و زیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن و مانند فکر بیندیش .

۳- جدیت و پشتکار آدمی را بفضه نزدیک میکند .

۴- از نیکی چاره فرزتوان دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مردم کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود و از شادایی دیگران انقدر شاد میشود که گویی ایسن شادی مربوط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان و همچنان در دوری از انسان عجله مکن !
فرستنده : شریف نورین

براسمه فال گزینیم

متولدین ماه حمل

موفقیت های شایانی پیش رو دارید ، اما دقت کنید که متکبر و خودخواه نشوید . از صحت تان مواظبت کنید . بادوستان مهربانتر باشید . دیدار تازه در تنمیر سرنوشت شما نقش خواهد داشت .

متولدین ماه میزان

ملاحت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست . باید شهامت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید . کودکان عزیز می همسان خانواده تان میشوند . مجرد ها به ایجاد زنده گی مشترک تاجند روز دیگر آغاز می کنند .

متولدین ماه ثور

عهر شدن و خصمانیت بی مورد عمر شمارانیم می سازد . از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می برید و این نکته بی است که متوجه آن نشده اید . قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده گی نمایید که استید ، ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید .

متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما ، ضعف اراده تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید . دوری شما از خانواده و وطن کار نادرستی است . اعتماد شما نسبت به خانواده تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند . مجرد ها دیدارهای خوبی در پیش دارند . دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید .

متولدین ماه جوزا

امید هایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می پیوندد . یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می آید و دیدار تازه شما با یک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود . فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید .

متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربانتر باشید . کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارد . کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند . درس بزرگ زنده گی برای متولدین این ماه تحمل و شکیبایی است .

متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است . زنده گی باغم های پیش زینماست . دیدار تازه ای که دارید برای شما امید های جدیدی میدهد . بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امید های بزرگ خانواده تان رانیز جرات بخشید . آرزوهای تان بر آورده میشود و انهم در همین روزها .

متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت تبدیل سازید . هیچگاه با شاگردان تان رویه نادرست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شمارا ازیت مینماید .

متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده گی تان کار معقول است . تشوشت روانی خود را دور سازید . خوبست که دل بسته گی های تان به کار زنده گی افزایش می یابد . بیشتر به فکر آموزش باشید . آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت .

متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید . تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است . یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد . قدر دوستی را دانستن ، قدر زنده گی را دانستن است .

متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برای تان بر خاطره و جالب است . نامه های دوستان تان را بی پاسخ نماند . همسر تان را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می یابند .

متولدین ماه حوت

به صحت تان توجه داشته باشید . ورزش مصروفیت بسیار خوب برای تان خواهد بود . نگذارید کسی از شما بی جهت آزرده شود . دیدار عاشقانه بی در پیش دارید ، امیدوار باشید که بخت با شماست .

تهدیدهای فضا

تهدید بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

بافتد . سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خواهد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت . در باره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند . یک راکت مجهز با کلاهک هسته ای میتواند چنین سیاره ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد . اما درین صورت نیز بارچه های سیاره به زمین خواهد ریخت . نظر بهتر آنکه در سال های ۱۹۸۰ آرایه شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم .

ترجمه حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت در لهره آفرین و تخریش اعصاب از نزدیکی زمین عبور خواهد نمود . حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد . سیاره های با عرض نیم میل در سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند درین میان سیاره های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده میلیون تا یکصد میلیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره ها خطر بزرگی را متوجه میسازد . همین سیاره ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵۰ میلیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده ای از ستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

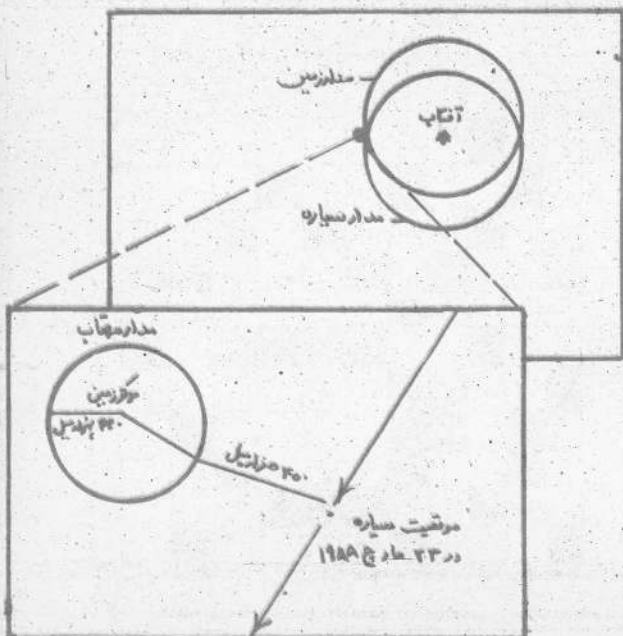
اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست او اسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشود . اقای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکوپ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفورنیای تهیه شده بود مطالعه کرد . گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یارده بوده باشد و اگر به همین بیانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد . حفره ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوانست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتید بود به وجود آمده است . اما چنین حادثه ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده بر جمعیت رانا بود کند . ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت . مانند زمین که به دور آفتاب گردش میکند منتهای به عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در مدار سیاره دریا سپری کند . دریا از نزدیکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون ترقرار خواهد داشت . اما منجم بریان ماریسن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را آرایه داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ما دقیق باشد این سیاره میتواند با زهم خطری به وجود آورد یا اینکه به زمین اصابت

شب بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید . خارج از منزل . همراه بادستان یا مشغول تماشا برای برنامه های تلویزیون . به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید . شما ازین خطر آگاه نبودید . اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزدیکی از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است .

اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه ای مانند انفجار هزاران بم هایدروجن می آفرید و ملیونها انسان رانا بود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد .

پیش ازینکه شمار زیاد به هراس بپفتید لازم است بفهمید که نزدیکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهابت . با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود . از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این بیانه با زمین نزدیک نبوده است . در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزدیکی زمین عبور کرد .

این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود . نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون



سپید بازی

سفید بازی را شروع می کند
و در سه (۳) حرکت مهره سیاه را
مات می کند .

سفید بازی را شروع می کند
و در دو (۲) حرکت سیاه رامات
می کند .

جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقره - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوی نیست .
- ۳- غم نداری انرا بخسر - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر .
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول باللهه - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد .
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت .

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب .
- ۹ - یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ای ... دارد - زیر بوریا .
- ۱۰ - جنگ ... سر ... عدد شروع جدول .
- ۱۱ - بایش رابسته کن همسایه ات را دزد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

پرسش ها

انقسی :

- ۷- مار از ان بدش بدم غارش سبزی می کند . زورش به ان نمی رسد پیالانش می زند .
- ۸- زمستان زفت روسیاهی به ان مانسد .
- ۹- شق (اصطلاحی) - هرجا انست دریای لنگه است - خشک بی سر .
- ۱۰- معکوس ان روشنی (پینتو) - شراب - نخستین عدد .
- ۱۱- قطی ارمعروف است - وقتی ازت اند تروان با هم می سوزد .

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است .
- ۲- می گویند ... بد برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود .
- ۳- تاك - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای .
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان .
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سگ مردار نمی شود .
- ۶- کوزه شراب - عربها

چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر با پول ماریا، $\frac{1}{3}$ پول شعلان نیز جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پول دارم که اگر با پول شعلا، $\frac{1}{3}$ پول شکیبا نیز جمع شود . شعلان گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی $\frac{1}{3}$ پول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

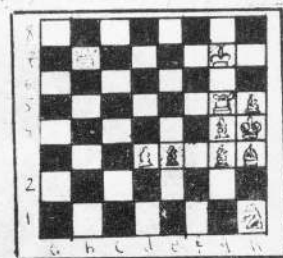
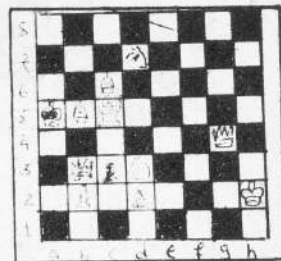
مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را یکار بینه ازیم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه $\frac{1}{2}$ (یک بر دو) است

جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

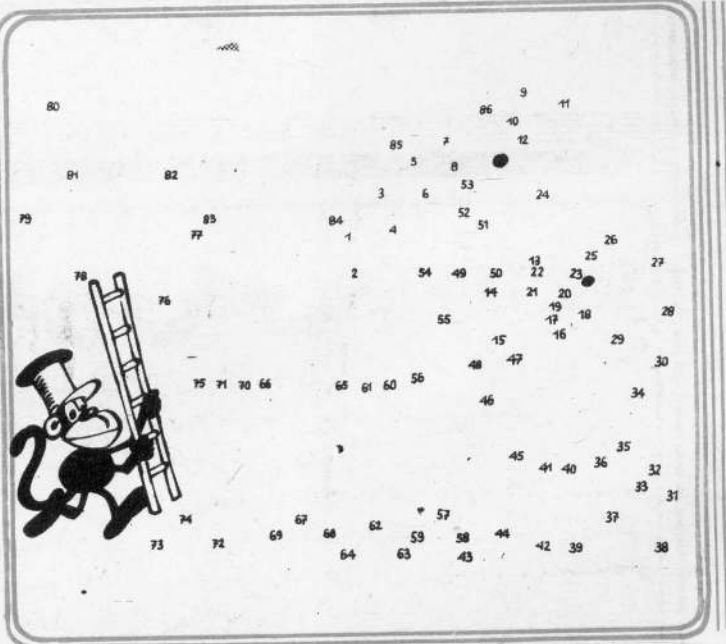
سرگرمی‌ها



پیش ادبی

حل کنید جایز بگید

برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است عدد را به ترتیب با هم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستداران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ ها را به زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شهادت نامه آثار یکتن از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نمود و ما بفرستید.

۶- آیا شهادت نامه نویسندگان قبایل آزاد معلومات داریند؟ لطفاً درین باره ما بنویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نمود و ایده های خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما رخسند و کی بیشتر داشت.

سرکننده گان

دین الله عمرخیل، فریده امید بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک، نورجان ضیایی، عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیس نایل انزهرا، فتح محمد فتح، سلم دانستن، لیلما کاروز، خواجه ابراهیم نادره سیما، فرزبان جویان، سید عزت الله مجید، سوما فران، فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سید عزت الله مجید، گل علی فقیه، فدایی، محمد فریدون خن، گل علی فهیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله، ناجیه شکره انور، محمد عمرعزیز، عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رابعیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فاطمه یادگار، سونیا اسمعیار، مرخیمه محمودزاده، احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوپطان!

فرقه کسی جوایز بوی های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شعرنو مقابل پارک سړك نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زین ننداری
نمبر تیلوفون (۳۰۲۶۲)

شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی
هرات در تماس شوید و مشکلات
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابله پارک نمبر ہفتہ مارکیٹ

هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها •
صابون، شامپو، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس
برای هر وقت برای هر کس، برای هر جا •
این اجناس را طور عمده از جاوید لعد، کوچی مارکیٹ
نعلینده کی ان در کوچی مارکیٹ دکان موہن لعل و ہمد کانہائی
شہر ولایات بدست آورید • همچنان این شرکت صابون ضد بخار
(DM4) را تازه وارد نموده است.

نیازمندان عجلہ نمایند :
تلفونہما (۲۰۰۰۱ - ۲۲۶۲۹)

وحید اللہ پلاستیک

وحید اللہ پلاستیک ہر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط
ماشین بوش می کند • همچنان قرطاسیہ مورد ضرورت د و ایسر
و طلاب معارف را بہ قیمت نازل تقدیم میدارد •

آدرس: میر پور میڈیشن مقابلہ تانکہ تیس

فروشگاه ارزان

آدرس: شهر نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین
اجناس مورد
نیازتان استقاده
نمایید ارزان و به
مفادیتما

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان و نماینده کسب در چوک جاده میوه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

فروشگاه

بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش بوتها ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است
قدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**